مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# منتخبان بصیر

بررسی و پاسخ به شبهه‌های موجود درباره مجلس خبرگان رهبری

رضا حاج احمدی



بسم الله الرحمن الرحیم

# منتخبان بصیر: بررسی و پاسخ به شبهه های موجود درباره مجلس خبرگان رهبری


نویسنده:

رضا حاج احمدی



ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# منتخبان بصیر: بررسی و پاسخ به شبهه های موجود درباره مجلس خبرگان رهبری

## مشخصات کتاب

سرشناسه : حاج احمدی، رضا

عنوان و نام پدیدآور : منتخبان بصیر: بررسی و پاسخ به شبهه های موجود درباره مجلس خبرگان رهبری/رضا حاج احمدی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : [دو ]، ۱۱۴ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۸۸۱.

شابک : ۷۵۰۰ ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۷۴-۹:

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۱۱] - ۱۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : ایران. مجلس خبرگان، ۱۳۵۸.

موضوع : رهبری (اسلام) -- پرسش ها و پاسخ ها.

موضوع : اسلام و دولت.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی استان قم.

رده بندی کنگره : DSR۱۵۹۱/م۳ ح۲ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۵۷۲۰

ص: ۱

## دیباچه

دیباچه

رهبری، رکن اساسی و محور اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران است و در قانون اساسی به عنوان ضامن پیش گیری از انحراف سازمان های گوناگون شناخته شده است.

حوزه وسیع و مسئولیت های سنگین رهبری و نقش بنیادین آن در سلامت نظام سیاسی از یک سو و کشف بهره مندی رهبری از صلاحیت های علمی، اخلاقی و توانایی های گوناگون از سوی دیگر، نشان دهنده وظیفه خطیر و حساس مجلس خبرگان رهبری به عنوان نهادی است که عهده دار انتخاب و نظارت بر رهبری گشته است.

همین امر سبب شده است تا افراد ناآگاه یا مغرض و معاند همواره درباره کارکرد این مجلس به شبهه افکنی دست یازند تا از این راه، زمینه تضعیف رهبری و اساس نظام اسلامی فراهم آید.

ازاین رو، ترسیم جایگاه واقعی مجلس خبرگان، شرح عملکرد و پاسخ به ایرادها و شبهه های مربوط به آن از امور بایسته ای است که باید مورد اهتمام فرهیختگان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه قرار گیرد.

با این هدف ، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به عنوان عضوی از رسانه ملی، پژوهش حاضر را تدارک دیده است تا برنامه ریزان و برنامه سازان

با بهره گیری از آن به تنویر افکار عمومی و پاسخ گویی به ذهن های جست وجو گر بپردازند و زمینه تحکیم پایه های اصلی نظام را فراهم آورند.

در پایان از پژوهشگر ارجمند جناب آقای رضا حاج احمدی که با پژوهشی متین و قلمی شیوا مجموعه حاضر را آفریدند، سپاس گزاری می کنیم و امید داریم که برنامه سازان با ارایه نظرهای خود، ما را یاری کنند.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

## پیش گفتار

پیش گفتار

در نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله که بی تردید به کامل ترین شکل، مستظهر به حقوق الهی(۱) و حمایت بی دریغ

ص: ۶

---

۱ – ۱.افزون بر ادله ولایت فقیه که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، حضرت امام خمینی رحمه الله، خود، به صراحت بر «حقوق الهی» و نیز «مقبولیت مردمی» خویش در توشیح احکام اشاره داشته است. برای نمونه، به بخشی از حکم ایشان به نخست وزیر دولت موقت توجه کنید: بنابر پیشنهاد شورای انقلاب، حق شرعی و حق قانونی ناشی از اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملّت ایران، جناب عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می نمایم. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۷

اکثریت مطلق مردم بود؛ تشخیص و انتخاب «ولایت امر و امامت امت» بر عهده «مجلس خبرگان رهبری» است.(۱)

مجلس خبرگـان رهبری به برکت ظرافت های قانون اساسـی، نهادی مسـتقل و به دور از تأثیرپـذیری از دیگر قوا و کانون های قـدرت است. نماینـدگان این مجلس به طور مسـتقیم از سوی مردم برگزیـده می شوند.(۲) رأی گیری بـه صـورت مخفی و به طور مستقیم انجام می گیرد(۳) و ملاک انتخاب نمایندگان، احراز اکثریت نسبی آرای شرکت کنندگان در انتخابات است.(۴)

مجلس خبرگـان بـا توجه به خاسـتگاه و فلسـفه وجودی خویش و نیز ویژگی های تصـریح شـده در قانون اساسـی، از اهمیت و اعتبـاری بیماننـد برخوردار است؛ زیرا از سویی، رسـالت بسـیار مهم و حیـاتی «تشـخیص» و نیز «معرفی» رهبری نظـام و نیابت امامت امت در دوران غیبت بقیه الله اعظم، حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بر عهده این نهاد بوده و از سوی دیگر، «نظـارت» بر دوام شـرایط لازم در «رهـبری منتخب» و احیانـا اعلام نبود شـرایط و عزل وی از این منصب، برعهـده این مجلس است.(۵)

این همه در کنـار رابطه تنگاتنـگ و به ویژه کـارکرد صـیانتی خبرگـان نسبت به نهـاد والای «ولایـت فقیه» و رهـبری انقلاب اسـلامی که بی تردید، مهم ترین رکن نظام جمهوری اسـلامی و به تعبیر بلند حضـرت امام رحمه الله، شعبه ای از ولایت مطلقه رسـول الله است،(۶) مجلس خبرگـان رهـبری را ارج و منزلـتی شایـان بخشـیده است؛ به گـونه ای که سـلامت و پایـداری آن، تضمین کننده صلاح، صلابت و پیشرفت و انحراف یا تضعیف آن، زمینه ساز سستی و فروپاشی



---

۱- ۲.نک: قانون اساسی، فصل هشتم، اصل یک صد و هفتم.

۲- ۳.نک: قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فصل سوم شرایط انتخاب کنندگان، ماده ۴.

۳- ۴.همان ، فصل پنجم (کیفیت انتخابات)، ماده ۶.

۴- ۵.همان، ماده ۸ .

۵- ۶.نک: قانون اساسی، فصل هشتم، اصول یک صدو هفتم و یک صدو یازدهم.

۶- ۷.امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

نظام مبارک جمهوری اسلامی است. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

با تأییـد خداونـد متعال جلّ و اعلّی و پشتیبانی حضـرت ولی الله اعظم بقیه الله ارواحنا لمقـدمه الفداء بر حسب «اصل یک صدو هفتم قـانون اساسـی جمهوری اسـلامی، مجلس خبرگـان که به وسـیله آرای ملّت عظیم الشأن ایران، شـماری از علمای اعلام و حجج اسـلام (ادام الله بقـائهم) برای تعیین رهـبر یـا شـورای رهـبری انتخـاب شـده انـد، مفتوح گردیـد؛ مجلسـی که برای ادله مشـروعیت بخشـیدن به آن، نقشـی اساسـی دارد؛ مجلسـی که علاقه منـدان به اسـلام و جمهوری اسـلامی دل برآن بسـته اند و مخالفـان و دشـمنان آن، چشم به آن دوخته انـد. آنـان دل بسـته انـد که منتخبین آنها که از علمای متعهـد و آگاه به مصالـح و مفاسدند، با رأی مبارک خود، شایسـته ترین و آگاه ترین و متعهدترین فقیه یا فقها را برای این مقام که صیانت نظام جمهوری اسـلامی و هدایت آن به طور شایسـته و موافق با شریعت مطهره بستگی به آن دارد، با اعتقاد به حضور خداوند متعال و نظارت او جلّ و اعلی برآرا و اعمال و احوال آنان تعیین نماینـد و رضای او را بر رضای خود و دیگران مقـدم دارند و اینان چشم طمع دوخته اند که شاید به وسـیله ایادی خود بتوانند لغزشـی خدای نخواسته ایجاد کنند که در آتیه ولو دراز مدت، نظام اسلامی را به انحراف کشانند.(۱)

تشـکیل «مجلس خبرگان رهبری» نیازمنـد تهیه، تنظیم و تصویب قوانین و ضوابط مربوط به آن بود. ازاین رو، اصل یک صـدو هشتم، تهیه و تصویب قانون و آیین نامه این مجلس را نخست بر عهده فقهای شورای نگهبان و سپس بر



---

۱- ۸.همان ، ج ۱۸، ص ۴۱.

عهده خود مجلس خبرگان گذارده است.(۱) قانون انتخابات مجلس خبرگان در ۲۱ ماده و ۶ تبصره، در تاریخ ۱/۷/۱۳۵۹ تهیّه و پس از تصویب حضرت امام خمینی رحمه الله، نهایی گردید. آیین نامه اجرایی آن نیز در ۱۱۶ ماده(۲) و ۱۸ تبصره، تهیه شد و در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۱ به تصویب شورای محترم نگهبان رسید و به این ترتیب، راه برای انجام انتخابات و تشکیل «مجلس خبرگان رهبری» هموار گردید. مجلس خبرگان رهبری از آغاز تاکنون سه دوره را پشت سر گذارده است. انتخابات نخستین دوره، در تاریخ جمعه، ۱۹ آذر ماه ۱۳۶۱، برابر اصل نود و نهم قانون اساسی، با نظارت شورای نگهبان انجام گرفت. در این دوره، شاهد حضور چشم گیر و گسترده مردم (۹۸۵/۱۴۰/۱۸ نفر) بودیم.

جلسه افتتاحیه مجلس خبرگان و نیز نخستین اجلاسیه دوره اول این مجلس، در تاریخ ۲۳/۴/۱۳۶۲ با پیام بسیار مهم حضرت امام خمینی رحمه الله _ که هم چون منشوری تابناک و ماندگار، راهنمای دیروز، امروز و فردای اعضای مجلس خبرگان رهبری است آغاز به کارکرد. از علمکردهای بسیار ارزنده این



---

۱- ۹.قانون اساسی ، فصل هشتم، اصل یک صدو هشتم: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره، باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان، تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.»

۲- در اجلاسیه هفتم دوره سوم مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲۱ و ۲۲/۱۲/۱۳۸۰، آیین نامه داخلی این مجلس با آخرین تغییرات در ۹۳ ماده، تنظیم شد و از تصویب خبرگان گذشت.

دوره که نقش برجسته این مجلس را در صیانت از نظام اسلامی به اثبات رسانید، اقدام تاریخی و شایسته انتخاب و معرفی حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی با فاصله ۲۴ ساعت پس از رحلت امام خمینی رحمه الله است که بر تارک کارنامه خبرگان دوره اول می درخشد.(۱)

انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۶۹ با شرکت نزدیک به ۱۲ میلیون نفر (۶۱۳/۶۰۲/۱۱) برگزار شد و نخستین اجلاسیه آن، در یکم اسفند ماه ۱۳۶۹ و با پیام تاریخی حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی گشایش یافت. مجلس خبرگان رهبری در دوره دوم، پس از دوره رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله، فشارهای زیادی را به دلیل هجوم شبهه های دشمنان یا دوستان جاهل متحمل گردید، ولی با وجود این تنگناهای روز افزون، به فضل الهی و با پای مردی اعضای فرهیخته مجلس خبرگان،این «شجره طیبه» از گزند هرگونه آسیب و انحراف در امان ماند.

انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری نیز در تاریخ ۱/۸/۱۳۷۷ با شرکت نزدیک به ۱۸ میلیون نفر (۸۶۹/۸۵۷/۱۷) برگزار شد و با قرائت پیام مقام معظم رهبری، در تاریخ ۴/۱۲/۱۳۷۷ آغاز به کارکرد.



---

۱ - ۱۱.در پی ارتحال حضرت امام خمینی ــ رهبر کبیر انقلاب اسلامی ــ مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۶۸ تشکیل جلسه داد و پس ار قرائت پیام حضرت امام و انجام مذاکره و بررسی های فراوان، اکثریت قاطع اعضای آن به رهبری آیت الله خامنه ای رأی دادند با وجود مخالفت جدی ایشان و ایشان را به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی کردند. نک: متن کامل مصاحبه آیت الله هاشمی رفسنجانی درباره مجلس خبرگان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۷/۱۳۷۷.

تشکیلات و ساختار درونی مجلس خبرگان رهبری، عبارت است از: هیئت رئیسه، دبیرخانه و شش کمیسیون اصلی و فعال که اعضـای این مجلس به تناسب موقعیت، توانایی و علاقه و پس از تصویب دیگر اعضا، در یک یا چنـد بخش فعالیت می کننـد. شمار نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری برای هر اسـتان یک نفر است؛ جز در استان هایی که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد که به نسبت هر پانصد هزار نفر، یک نفر نماینده افزوده می شود.(۱)

چنان که ملاحظه می شود، دو مبنا برای تعـداد خبرگان در نظر گرفته شـده است؛ یکی واحد جغرافیایی به نام اسـتان که به هر حـال، بایـد نماینـده ای در مجلس خبرگـان داشـته باشـد؛ یعنی اگر در تقسیم بنـدی کشوری، واحـدی به نام استان با صـد یا دویست هزار نفر جمعیت داشته باشیم، مردم آن اسـتان نیز بایـد نماینـده ای به مجلس خبرگـان بفرسـتند. عامل دوم، جمعیت است؛ یعنی ملاک تعداد خبرگان از هر اسـتان، تا حد بسـیاری، جمعیت آن اسـتان است.(۲) بـدین ترتیب، کل اعضای مجلس خبرگان در سراسر کشور در دوره اول و دوم ۸۳ نفر بود، ولی با توجه به دگرگونی های جمعیتی و پیرو آن تقسیم بندی های استانی جدید، در دوره سوم، تعداد خبرگان به ۸۶ نفر رسید. اسامی حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان هریک از آنها بدین شرح است:(۳)



---

۱- ۱۲.قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فصل اول تعداد خبرگان، ماده ۱.

۲- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۸۵، برگرفته از: «بررسی و تدوین ساختار و تشکیلات مجلس خبرگان»، واحد پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما، ص ۲۳.

۳- همان، برگرفته از: روزنامه خرداد، ۱۷/۴/۱۳۷۷.

نام استان

تعدادنماینده به عدد

نام استان

تعدادنماینده به عدد

آذربایجان شرقی۵

قزوین

۲

آذربایجان غربی۳

قم

۱

اردبیل

۲

کردستان

۲

اصفهان

۵

کرمان

۳

ایلام

۱

کرمانشاه

۲

بوشهر

۱

کهکیلویه وبویراحمد ۱

تهران

۱۶

گلستان

۲

چهارمحال و بختیاری

۱

گیلان

۴

خراسان

۸

لرستان

۲

خوزستان

۶

مازندران

۴

زنجان

۱

مرکزی

۲

ص: ۱۲

سمنان

۱

هرمزگان

۱

سیستان وبلوچستان

۲

همدان

۲

فارس

۵

یزد

۱

داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان رهبری، باید دارای ویژگی های زیر باشند:(۱)

۱. اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

۲. اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسایل فقهی را داشته باشند و بتوانند فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهند؛

۳. بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسایل روز؛

۴. معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۵. نداشتن پیشینه سوء سیاسی و اجتماعی.

با وجود الزام داوطلبان نمایندگی در مجلس خبرگان رهبری به احراز ویژگی های ممتاز علمی، سیاسی و اقتصادی که به دلیل پیچیدگی و سنگینی بار مسئولیت آنها، کاملاً معقول است، قانون گذاران در مورد شرایط

۱- قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فصل دوم شرایط انتخاب شوندگان، ماده ۳.

انتخاب کنندگان، بیش ترین تسهیل را روا داشته و شرایط انتخاب کنندگان را به دو مورد زیر خلاصه کرده اند:(۱)

۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران؛

۲. داشتن پانزده سال تمام.

این رویکرد باز و مشارکت گرا که برپایه «انتخابات و حق رأی همگانی» بنا نهاده شده به ویژه در وضعیتی که بیش تر کشورها، حداقل سن رأی دهندگان میان ۱۶ تا ۲۳ سال و گاه تا ۲۵ سال در نوسان است،(۲) نشان دهنده اوج اعتماد و اتکای نظام اسلامی به مردم در حیاتی ترین مسایل کشور است و این امر از افتخارات تابناک جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید.

اهمیت جایگاه، ویژگی های منحصر به فرد و به ویژه کارکرد حیاتی مجلس خبرگان رهبری در پاسداری از موجودیت نهاد گران قدر ولایت فقیه، هیچ گاه از نگاه دشمنان داخلی و خارجی نظام مقدس جمهوری اسلامی پنهان نبوده و نیست. ازاین رو، طبیعی است که حجم بسیاری از توان و نیروی آنها، صرف تضعیف، تردید آفرینی و هم چنین شایعه پراکنی علیه آن شود. با این توضیح، پشتیبانی و نگاهبانی از این شجره طیبه از گزند سستی ها و انحراف ها، رسالت



---

۱- ۱۶.همان، فصل سوم شرایط انتخاب کنندگان، ماده ۴.

۲- ۱۷.«حق رأی و عدم آن در انتخابات کشورهای مختلف»، مجله ارم، ۱۳۷۷، ش ۳، ص ۱۴۰.

اجتناب ناپذیر امروز و فردای تمام کسانی است که دل در گرو اسلام، انقلاب و امام دارند.

این وظیفه در درجه نخست، متوجه مسئولان و کارگزاران نظام در سطوح مختلف و به ویژه اعضای محترم مجلس خبرگان است تا در پیشگاه وجدان هوشیار و چشمان بیدار امت اسلامی و نیز بشریت سرخورده از تمدن رو به افول غربی _ که جوهره سلطه گر و غیرانسانی خود را در فلسطین، افغانستان و عراق و دیگر مناطق جهان به نمایش گذاشته است _ با گفتار و رفتار ناب اسلامی شان، در عمل، مؤیّد اصالت و کارآمدی نظام اسلامی باشند. البته این وظیفه، چونان رسالتی همگانی، بر دوش تک تک افراد جامعه اسلامی، به ویژه صاحب نظران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه سنگینی می کند. ازاین رو، هیچ مسلمان متعهدی نمی تواند و نباید با گسترش شبهه هایی که استراتژی نظام را در برابر افکار عمومی با تردید روبه رو می سازد، بی تفاوت باشد.

در این نوشتار برآنیم تا در حد توان، با معرفی و بررسی برخی شبهه های مطرح در زمینه کارکرد «مجلس خبرگان رهبری»، ادعاها و شبهه های معارض را به نقد کشیده و پاسخ گوی آنها باشیم. امید که در جریان این تکاپوی علمی و پاسخ گویی به شبهه ها، از جاده حق و انصاف منحرف نشویم و از گزند جهل، تعصب و جدال بی حاصل دور باشیم.

ص: ۱۵

## بخش اول: طرح و پاسخ گویی به شبهه ها

### اشاره

بخش اول: طرح و پاسخ گویی به شبهه ها

زیر فصل ها

ص: ۱۶

فصل اول: شکل انتخاب رهبری (مستقیم یا غیر مستقیم)

فصل دوم: ترکیب و ویژگی های اعضای مجلس خبرگان رهبری

فصل سوم: نظارت بر رهبری

## فصل اول: شکل انتخاب رهبری (مستقیم یا غیر مستقیم)

### اشاره

فصل اول: شکل انتخاب رهبری (مستقیم یا غیر مستقیم)

زیر فصل ها

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

نتیجه

### تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

#### اشاره

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

در این جا شبهه هایی که درباره شکل انتخاب رهبری در نظام جمهوری اسلامی مطرح است، بررسی می شود. در حال حاضر، شماری از فقهای منتخب مردم برابر ضوابط مشخص شده در قانون اساسی(۱) و نیز ضوابط شرعی مربوط به «حاکم اسلامی»،(۲) پس از بحث و بررسی درباره شخصیت های دارای صلاحیت، کامل ترین فرد را برای تصدی منصب «رهبری نظام جمهوری اسلامی» معرفی می کنند. منتقدان، وجوه مختلفی را دستاویز تردید در این شیوه قرار داده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. ساختار مجلس خبرگان بحران زاست؛ زیرا رهبری را می توان به صورت مستقیم یا از طریق مجلس نمایندگان اقشار مختلف مردم، برای مدت معینی هرچند طولانی انتخاب کرد.(۳)

ص: ۱۷

---

۱- ۱.قانون اساسی ، اصول پنجم، یک صدو هفتم و یک صدو نهم.

۲- ۲.مراد از ضوابط شرعی رهبری اسلامی، ویژگی های لازم و اختیارات و مسئولیت های حاکم اسلامی است که با رجوع به

قرآن کریم، روایات و سنت ائمه علیهم السلام و نیز کتاب های فقهی در این زمینه قابل دسترسی است.

۳- ۳.چنگیز پهلوان، راه نو، سال اول، ش ۵.

۲. ولایت فقیه به شیوه انتخاب به وسیله خبرگان، به نوعی همان ساختار کهنه سیاسی حکومت گذشته است؛ هرچند مقداری از کاستی های آن برطرف شده است.(۱)

۳. اصلاح طلبی، تقاضای دموکراتیک کردن قدرت سیاسی است. ضابطه اول این است که همه ارکان قدرت سیاسی با انتخابات مردم بر سر کار آیند و هیچ قدرتی و هیچ مقامی خارج از انتخاب مردم باقی نماند.(۲)

منتقدان یاد شده، چگونگی انتخاب غیر مستقیم رهبری از سوی خبرگان منتخب مردم را «بحران زا» و همانند ساختار کهنه سیاسی شاهنشاهی قلمداد کرده اند و برای دموکراتیک کردن قدرت سیاسی در پی آنند که هیچ مقامی «خارج از انتخاب مردم» باقی نماند. در نگاه برخی، مکانیزم غیر مستقیم انتخاب رهبری افزون بر نارسایی های گفته شده، «معارض سیره حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلامو دیگر فرقه های مذهبی صدر اسلام» نیز هست. سیره حضرت علی علیه السلام و دیگر فرقه های مذهبی صدر اسلام، دموکراسی در انتخاب رهبری و تعیین نکردن رهبر برای مردم بوده است.(۳)

مطالبی از این دست با تعبیرهای گوناگون، انتخاب غیر مستقیم رهبری در



---

۱- ۴.محمد بهزادی، هفته نامه پیام هاجر، ش ۴، ۱۹/۱۱/۱۳۷۸.

۲- محسن کدیور، روزنامه نوروز، ۲۱/۱۲/۱۳۸۰.

۳- ۶.سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۲۳/۸/۷۸.

نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی نمایندگان مردم در «مجلس خبرگان رهبری» را با تردید روبه رو کرده است(1) و انتخاب مستقیم و بدون واسطه رهبر از سوی مردم را پیشنهاد می کنند.

آیا به راستی، انتخاب مستقیم رهبری نسبت به انتخاب غیر مستقیم، مناسب تر است؟ برای پاسخ دقیق و علمی به این پرسش، به عنوان مقدمه به مباحث زیر خواهیم پرداخت:

در ادامه، نخست، مبانی مشارکت اجتماعی در نظام اسلامی و نیز «مکانیزم های مختلف تحقق مشارکت اجتماعی در نظام های سیاسی» به عنوان پیش نیازهای ضروری بحث و سپس انواع انتخابات (مستقیم و غیر مستقیم) و عوامل مؤثر بر برتری هریک از این مکانیزم ها در جلب مشارکت همگانی تبیین می شود. آن گاه براساس بحث های مطرح شده، تناسب داشتن یا نداشتن مکانیزم کنونی انتخاب رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران را بررسی و



---

۱- چنانچه مشخص است، اساس این اشکال ها درباره غیر مستقیم بودن انتخاب رهبری است که در این فصل پاسخ آنها داده می شود، ولی شاید با مرور شبهه های مطرح، پرسش ها و ابهام هایی نیز برای برخی پیش آید. در این صورت، مطالعه منابع زیر راه گشاست: جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش: داوود الهامی، ۱۳۷۰، صص ۱۴۳ _ ۱۹۹؛ محمد مهدی بهداروند، «جایگاه مردم در حکومت دینی»، فصل نامه حکومت اسلامی، سال ششم، ش ۱، ص ۲۰؛ غلام رضا ذاکر صالحی، «اعتقاد به لزوم تشکیل حکومت دینی در اندیشه احیاگر امام خمینی رحمه الله و تطبیق آن با آرای اهل سنت»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی رحمه الله و احیای تفکر دینی، ج ۳، ص ۱۴۵، خرداد ۱۳۷۷؛ محمد حسن قدردان قرا ملکی، «حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری»، صص ۳۷ _ ۷۷.

اشکال های موجود در زمینه «انتخاب غیر مستقیم رهبری» از سوی خبرگان را ارزیابی می کنیم.

## ۱. مبانی مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران

### اشاره

۱. مبانی مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران

در نظـام جمهوری اسـلامی ایران به دلیل ماهیت مردمی آن، مشارکت گسترده مردم در عرصه های مختلف، هم چون ارزش و هنجار مورد تأکید دین مبین اسـلام، به بخش جدایی ناپذیر از حیات سیاسـی ــ اجتماعی نظام اسلامی تبدیل شده است. ازاین روست که در ۲۵ سال حیات جمهوری اسـلامی، با برگزاری بیش از بیست انتخابات سراسـری در مسایل اساسـی جامعه، بارها شاهـد مشـارکت و پشتیبـانی تـوده هـای مردم از نظـام اسـلامی هسـتیم. این حقیقت، در عرصه هـای مختلف نهضت و انقلاب اسـلامی به رهبری امـام خمینی رحمه الله، حضوری چشم گیر و انکارناپـذیر دارد، به گونه ای که حتی دشـمنان نظـام نیز گـاه بدان اعتراف کرده اند.

حضور حماسی و ایثار و از خودگذشتگی گروه های مختلف مردمی در مبارزات چندین ساله برای سرنگونی نظام ستم شاهی، شرکت غرور آفرین ملّت در صـدها راه پیمـایی میلیـونی پیش و پس از انقلاب، حضور غیرتمنـدانه مردم در هشت سـال دفـاع مقـدس و تقـدیم صـدها هزار شـهید و جانباز در راه اسـلام و انقلاب، دخالت مسـتقیم و غیر مسـتقیم اعضای جامعه در انتخاب رهبر، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسـلامی و اعضای شوراهای شـهر و روستا، همه و همه به روشنی بر پشتیبانی بی دریغ مردم از نظام و نیز مشارکت فعال آنان در نظام جمهوری اسلامی صحه

می گذارد. به یقین، این مشارکت چشم گیر اتفاقی نیست، بلکه در مبانی مستحکم باورهای شیعی(۱) و پرورش ایرانیان در فرهنگی ناب اسلامی ریشه دارد.(۲)

برخی از اصلی ترین مؤلفه هایی که حضور و مشارکت مردم ایران اسلامی را در عرصه های اجتماعی، تشدید و نهادینه کرده است، عبارتند از:

### الف) نفی تشخص های موهوم و دل سوزی متقابل میان مسئولان و مردم

الف) نفی تشخص های موهوم و دل سوزی متقابل میان مسئولان و مردم

ولایت که اساس حکومت اسلامی در سطوح مختلف «ولایت الهیه»، «ولایت نبوی»، «ولایت امامان» و نیز «ولایت فقیه» است، از سویی بر عشق متقابل میان «ولی» (رهبر) و «مولی علیه» (مردم) مبتنی است(۳) و از دیگر سو، هدایت و سرپرستی جامعه را تا رسیدن به پیشرفت مادی و معنوی (کرامت انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی) بر عهده دارد.



---

۱- در این زمینه مراجعه به منابع زیر راه گشاست: سید محمد باقر صدر، تشیع یا اسلام راستین، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، انتشارات روزبه، بی تا؛ مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷؛ میشل فوکو، «شورش ایران روی نوار ضبط می شود»، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۷.

۲- نک: مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸؛ عباس علی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن؛ میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۸.

۳- نک: تبیان، دفتر ۳۶، مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، صص ۲۶، ۵۷ و ۵۹.

«اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. وقتی که دو ریسمان محکم به هم تابیده می شوند و جدا کردن آنها از یکدیگر به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی، ولایت می گویند. ولایت؛ یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر. همه معانی ای که برای ولایت در لغت ذکر شده، معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه معانی که هفت ــ هشت معنا در زبان عربی هست، از این جهت است که در هر کدام، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت (رهبر و مردم) وجود دارد. مثلاً ـ ولایت به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر امکان پذیر نیست.

در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت، بر آنهاست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند. این، فلسفه سیاسی اسلام را در مسئله حکومت، برای ما معنا می کند. هر حکومتی که این طور نباشد، این ولایت؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست».(۱)

حضرت آیت الله خامنه ای در جایی دیگر، ولایت را به معنای پیوند، هم جوشی، هم پیوستگی و ارتباط تام و تمام بین «ولی امر» با «آحاد جامعه»



---

۱- آیت الله خامنه ای، روزنامه رسالت، ۷/۲/۱۳۷۶.

معرفی می کند.(۱) ازاین رو، برخلاف رابطه فرادستی و فرودستی (دولت _ ملت) که در بیش تر حکومت ها و نیز نظام لیبرال دموکراسی رایج است، حکومت اسلامی بر پایه نفی تمایز تشخص های موهوم و ساختگی میان مردم و زمامداران و براساس نوعی برابری، هم بستگی و تعلق خاطر عمیق و بنیادین شکل می گیرد.

«اجتماعی، اسلامی است که هیچ نوع برتری و مزیتی در بین افراد آن دیده نمی شود و هیچ فردی مقدم بر فرد دیگر نبوده، تنها ملاک امتیاز و برتری همان است که فطرت پاک و قریحه آزاد انسانی نیز به آن گویاست. این همان تقوایی است که مربوط به خدا بوده، مردم را در آن دخالتی نیست... بنابراین، در یک اجتماع اسلامی، فرمانده و فرمان بر، امیر و مأمور، رئیس و مرئوس، آزاده و بنده، زن و مرد، غنی و فقیر، بزرگ و کوچک، همه در صف واحدی بوده و در برابر قانون یکسانند».(۲)

از دیدگاه اسلام، انسان دارای کرامت(۳) و حامل امانت(۴) و آگاه به اسمای



---

۱- ۳.بازگشت به نهج البلاغه، مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری در کنگره بین المللی نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۳ و ۱۴.

۲- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۷، انتشارات دارالعلم، قم، ص ۲۰۸.

۳- ۵.مومنون: ۱۴.

۴- ۶.احزاب: ۷۲.

الهی(۱) است و صرف نظر از جایگاه اجتماعی، در بارگاه الهی، برگزیده(۲) و ارزشمند است و همه انسان ها بدون هیچ استثنایی (پیامبر، امام، رهبر و دیگران) تابع قانون و ضوابط شرع مقدس اسلام هستند.(۳) هرکس به دستورهای الهی گردن نهد، حیات طیبه و رستگاری را تجربه خواهد کرد(۴) و آن کس که کفران ورزد _ هر که باشد _ منفورترین خواهد بود.(۵)



---

۱- ۷.بقره: ۳۱.

۲- ۸.طه: ۱۳.

۳- امام خمینی رحمه الله دراین باره، مطالب روشنگری دارند: «حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، مالکیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت نام دارد. همه افراد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد، تا ابد مطیع قانون هستند... قانونی که همه بدون استثنا بایستی از آن پیروی و تبعیت کنند. حکم الهی برای رئیس و مرئوس متبع است.» امام خمینی، ولایت فقیه، صص ۳۴ _ ۳۵ «ما عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم؛ اسلامی که راضی نمی شود به یک زن یهودی که در پناه اسلام است، تعدی بشود... اسلامی که شخص اولش با آن فرد آخر علی السواء در مقابل قانون باشند... فرقی ما بین اشخاص نیست. در قانون اسلام، فرقی ما بین گروه ها نیست. (صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۲)

۴- ۱۰.نحل: ۹۷.

۵- ۱۱.انفال: ۵۵.

سیره پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ذرّیه پاکشان، امام خمینی رحمه الله، در زمینه رفتار محبت آمیز با اقشار مختلف جامعه و به ویژه محرومان و مستضعفان و نیز دوری از برتری جویی های مرسوم در حکومت های مادی، گواهی صادق براین مدعاست.

طبیعی است در چنین حالتی، مردم، حکومت را از خود و برای خود می دانند و انگیزه بیش تری برای مشارکت در امور اجتماعی از خود نشان خواهند داد و در دفاع از آن، در برابر خطرهای داخلی و خارجی، سر از پا نخواهند شناخت.

### ب) وابستگی اعمال حاکمیت بر بیعت یا مقبولیت مردمی

ب) وابستگی اعمال حاکمیت بر بیعت یا مقبولیت مردمی

از دیدگاه فلسفه سیاسی اسلام، تنها قدرتی که سلطه و سرپرستی مطلق بر انسان دارد، خداوند متعال است؛ همو که آفریننده انسان و آگاه به اسرار درونی او و بصیر به راه کمال و سعادت ویژه اوست. از این دیدگاه، انسان تا بدان پایه دارای کرامت است که از «قید» آن چه غیر اوست، آزاد و رهاست؛ یعنی از هیچ انسانی نباید اطاعت کند؛ مگر آن که اطاعت از او، اطاعت از خداوند باشد.(1) ازاین رو، در جامعه اسلامی تنها حکومت کسانی که از سوی خداوند حکومت و اعمال ولایت می کنند، مجاز و مشروع است.

بنابراین، در منطق اسلام، همان گونه که سیطره رژیم های خود سالار و



---

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶ و ج ۹، ص ۲۵۱؛ آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۵.

اتوکراسی،(۱) ظالمانه، غیر انسانی و نامشروع است، حکومت اراده های جمعی چهدر شکل حاکمیت اقلیت و در قالب های مختلف مانند: نخبه گرایی،(۲)اریستوکراسی،(۳) و الیگارشی(۴) و چه در شکل حاکمیت اکثریت،(۵) چنان چه از سوی خدای متعال نباشد، باطل، غیر منطقی و نامشروع است.(۶) ازاین رو، در دوران غیبت حضرت بقیه الله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف تنها ولایت حکومتی، مجاز و مشروع است که بر نصب عام امام معصوم علیه السلام(۷) مبتنی بوده و بر محوریت «ولی فقیهی» که شرایط رهبری امت و نیابت حضرت حجت در وی محرز



---

۱- autocracy.۲.

۲- Elite.۳.

۳- Aristocdracy.۴.

۴- oligarchy.۵.

۵- demokratia.۶.

۶- امام خمینی رحمه الله در صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۳۸ می فرماید: «دموکراسی، غربی اش فاسد است، شرقی اش هم فاسد است؛ دموکراسی اسلام صحیح است و اگر توفیق پیدا کنیم به شرق و غرب اثبات می کنیم که دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است؛ نه آن که شما دارید و طرفدار سرمایه دارهای بزرگ هستید؛ نه این که آنها دارند و طرفدار ابرقدرت هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشته اند».

۷- امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ج ۱۱، ص ۴۸۲؛ ولایت فقیه، ص ۷۱.

گردد،(۱) قوام یابد.

بنابر نظریه سیاسی شیعه، هر حکومتی جز این مدل حکومتی، نه تنها مشروع نیست، بلکه طاغوتی(۲) بوده و مبارزه با آن تا حاکمیّت حق، واجب و ضروری است.(۳) البته با وجود تأکید بر ضرورت ابتنای حکومت اسلامی بر نصب و اذن ائمه علیهم السلام که متضمن رابطه قدسی نظام با خداوند است، حکومت اسلامی در مرحله تأسیس و جریان اجتماعی، نیازمند کسب رضایت توده های جامعه یا دست کم، اکثریت آنان است.

ازاین رو، اگر چه مشروعیت نظام اسلامی تنها از ناحیه شرع مقدس و خداوند متعال است، ولی تحقق خارجی آن، به رضایت و پذیرش مردم، مشروط است و بدون این امر، «ولیّ دارای شرایط» نیز جایز به تصدی حکومت و اعمال ولایت نیست. البته مکانیزم احراز مقبولیت مردمی را برخلاف گذشته که به صورت بیعت و دست دادن مردم با حاکم بود، اکنون در اشکالی چون راه پیمایی و به ویژه انتخابات باید جست وجو کرد. حضرت امام خمینی رحمه الله که نظریه حکومت اسلامی را در دوران معاصر مطرح کرد و نیز



---

۱- کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۰۳؛ ج ۵، ص ۳۴.

۳- ۱۱.صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶.

مقام معظم رهبری، با صراحت به این نکته اشاره کرده اند.

امام خمینی رحمه الله در پاسخ به نامه آقایان خاتم یزدی، توسلی، عبایی، کشمیری و قاضی عسگری (نمایندگان ایشان در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور) درباره شرایط ولی فقیه جامع الشرایط می نویسد:

(فقیه جامع الشرایط) ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می شد با بیعت با ولی مسلمین.(۱)

رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه ای نیز دراین باره می فرماید:

بعد از این دوران (حضور معصوم) آن جایی که یک شخص معینی به عنوان حاکم از طرف خدای متعال معین نشده است، در این جا، حاکم دارای دو پایه و دو رکن است: رکن اول، آمیخته و آراسته بودن با ملاک ها و صفاتی که اسلام بر حاکم اسلامی معین کرده است، مانند: دانش و تقوا و تعهد و صفاتی که برای حاکم هست. رکن دوم، قبول و پذیرش مردم است. اگر مردم، آن حاکمی را، آن شخصی را که دارای ملاک شریعت است، نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نیست. اگر دو نفر که هر دو دارای این ملاک ها هستند، یکی از نظر مردم، شناخته و پذیرفته شده، او حاکم است. پس قبول و پذیرش مردم شرط حقیقی در حاکمیت است.(۲)

نظر مردم تعیین کننده است، اما نسبت به آن انسانی که دارای معیارهای لازم



---

۱- تبیان، دفتر ۳۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۹.

۲- در مکتب جمعه، وزارت ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ _ ۱۳۶۹، ج ۷، صص ۳ و ۴.

است. اگر معیارهای لازم در آن انسان نباشد، انتخاب نمی تواند به او مشروعیت ببخشد. معیارهای لازم، تقوا، دین، عدل و آشنایی با اسلام است. آن کسی که این معیارها را دارد و از تقوا و صیانت نفس و دین داری کامل و آگاهی لازم برخوردار است، آن وقت نوبت می رسد به قبول ما (مردم). اگر همین آدم را با همین معیارها، مردم قبول نکردند، باز مشروعیت ندارد؛ چیزی به نام حکومت زور در اسلام نداریم.(۱)

اهمیت مقبولیت مردمی در حکومت اسلامی به اندازه ای است که برخی از بزرگان مسئله پذیرش مردمی را حتی برای جواز اعمال ولایت از سوی پیشوایان معصوم نیز لازم می دانند.(۲) به هر حال، تأکید خاص اسلام بر مقبولیت مردمی، مشارکت مردمی را تا اصلی ترین نهادهای نظام اسلامی، تعمیم داده و نظر آحاد جامعه را به اصلی ترین رکن تحقق جامعه اسلامی مبدّل ساخته است.(۳)



---

۱- سیدعلی خامنه ای، «جمهوری اسلامی، نهضت های جهانی»، حکومت در اسلام، (مقالات سومین کنفرانس اسلامی)، ص ۳۲، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، تهران، ۱۳۶۷.

۲- مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۰۷ دراین باره آورده است: «اگر امام به حق معصوم را مردم از روی جهالت و عدم تشخیص نمی خواهند، او به زور نباید و نمی تواند خود را به امر خدا تحمیل کند. لزوم بیعت هم برای همین است».

۳- ۱۶.برای آشنایی بیشتر نک: سعید خردمند، حق رأی و انتخاب، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، صص ۷۸ _ ۸۵ ؛ «مشارکت سیاسی در جامعه دینی»، مجله پگاه، ص ۱۶؛ مجله حکومت اسلامی، شماره اول، ص ۱۲۳؛ محمدحسن قدردان قراملکی، «مبانی حکومت مردم سالار دینی»، مجله پگاه حوزه، شماره ۸۱ ، ص ۲۰.

## ج) توان حاکمیت و تغییر نسبی شرایط

ج) توان حاکمیت و تغییر نسبی شرایط

انسان در نگرش مادی اگرچه به دلیل مزیت های مختلف، پیچیده ترین موجود مادی است، ولی چون خود، معلول شرایط پیرامونی نظام قانون مند دیالکتیکی است، تمامی توانایی های منحصر به فردش، جز با کنش و واکنش هایی حاصل از تأثیر و تأثر متقابل وی با جهان مادی، قابل تفسیر نیست. ازاین رو، حتی در جدیدترین نظریه های انسان شناسی معاصر نیز انسان چیزی جز برآیند نظام روابط فرهنگی نیست.(1) البته از نظرگاه اسلام، افزون بر توان تفکر و خلاقیت انسان، امتیاز اصلی او نسبت به دیگر مخلوقات، حاکمیت بر روابط و معادلات درونی (شخصیتی) و نیز بیرونی (خانوادگی، سازمانی و اجتماعی) و به بیان بهتر، قدرت انتخاب و اختیار رویکردی مستقل از روابط و شرایط حاکم و اعمال اراده خویش، به رغم مناسبات و زمینه های ناهمساز است.(2) قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه شاکر باشد (پذیرا گردد) یا ناسپاس! (انسان: ۳)

هرکس در گرو دستاورد خویش است. (مدّثر: ۳۸)

هر که کار شایسته کند، به سود خود اوست و هر که کار بدی کند، به زیان خود اوست. (فصلت: ۴۶)

و هیچ کس را جز به قدر توانش، تکلیف نمی کنیم. (مؤمنون: ۶۲)



---

۱- ۱.محمد علی یوسفی زاده، «انسان موجودی فرهنگی»، فصل نامه حوزه و دانشگاه، ش نهم، ص ۱۲۷.

۲- توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۶.

«اگر چه رابطه بین موضع گیری هـای انسان با خصوصـیات شخصـی و شـرایط اجتماعی وی قابل انکار نیست، اما این علایم به معنی محـاط و منحـل بودن در شـرایط و نـاگزیری در انتخاب و سـلب قـدرت اراده وی نیست؛ زیرا او می توانـد به رغم تأکید زمینه هـای درونی و نیز عوامـل خـارجی، به سـمت مؤلفه ای خاص، موضـعی دقیقا برخلاف جهت مورد اشاره، اتخاذ و اعمال نماید».(۱)

همین ویژگی های برجسته به ویژه توان تسـلط بر شـرایط و قـدرت تأثیر گـذاری و تغییر نسبی محیط پیرامونی که دربردارنـده نوعی سازندگی نیز هست، انسان را آماده حضور و مشارکت فعال در تمامی عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی کرده است.(۲)

## د) خلافت و امانت داری انسان از سوی خداوند

د) خلافت و امانت داری انسان از سوی خداوند

و چون پروردگار تو به فرشـتگان گفت: «من در زمین جانشـینی خواهم گماشت»، (فرشـتگان) گفتند: «آیا در آن کسـی را می گماری که فساد انگیزد و خون ها بریزد؟(۳) و حال آن که ما با سـتایش تو، (تو را) تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم.» فرمود: «من چیزی می دانم که شما نمی دانید.» و (خدا)



---

۱- نک: مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۱۶۲.

۲- نک: حاج احمدی، رضا الگوی زن در صدا و سیما، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ج ۱، صص ۵ ـ ۱۴.

۳- ۱.از تصـریح فرشـتگان به فسـاد و خون ریزی جانشـین حضـرت حق، روشن است که برخلاـف برخی دیـدگاه ها، منصـب خلافت اختصاص به حضرت آدم علیه السلام نداشته و امری فراگیر و مربوط به جنس انسان است.

همه (معانی) نام ها را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه کرد و فرمود: «اگر راست می گویید، از اسامی این ها به من خبر دهید». گفتند: «منزهی تو! ما را جز آن چه (خود) به ما آموخته ای، هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم». فرمود: «ای آدم، ایشان را از اسامی آنان خبر ده.» و چون (آدم) ایشان را از اسمایشان خبر داد، فرمود: «آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان ها و زمین را می دانم و آن چه را آشکار می کنید و آن چه را پنهان می داشتید، می دانم؟» و چون فرشتگان را فرمودیم: «برای آدم سجده کنید»، پس به جز ابلیس ـ که سر باز زد و کفر ورزید و از کافران شد ـ (همه) به سجده افتادند. (بقره: ۳۰ ـ ۳۴) ما امانت (الهی و بار تکلیف) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم. پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، (ولی) انسان آن را برداشت. (احزاب: ۷۲)

دیدگاه اسلام نسبت به منصب والای خلیفه اللهی انسان، مشارکت اجتماعی را چه به عنوان حق و چه به عنوان وظیفه، در تمامی سطوح جامعه اسلامی نهادینه می سازد. هم چنین طبیعی است که امانت داری بدون امکان و ابراز تأثیرگذاری همه جانبه محال و بی مورد است. ازاین رو، جامعه اسلامی، جامعه ای است که حضور پرشور و مشارکت فعال تک تک افراد آن را اداره می کند.

### ه ) الزام حکومت به مشورت با مردم

ه ) الزام حکومت به مشورت با مردم

امور و مسایل جاری در جامعه اسلامی، در کلی ترین تقسیم بندی به دو بخش «منصوص» یا دارای تکلیف شخصی از سوی شارع مقدس و «غیر منصوص» یا مواردی که قانون و ضابطه ای مشخص از سوی شارع درباره آنها صادر نشده و یا به مؤمنان نرسیده، قابل تفکیک است. به تکلیف مسلمانان در مورد امور «منصوص»، اهتمام به اجرای قوانین و ضوابط شرعی به دور از

هرگونه سستی و سرپیچی است، ولی در زمینه مسایل «غیر منصوص» به ویژه امور اجتماعی که به نوعی با سرنوشت یکایک اعضای جامعه اسلامی ارتباط دارد، مشورت و گفت وگو برای رسیدن به دیدگاه درست، امری پسندیده و منطقی است.(۱) به این ترتیب، بخشی از سامان اجتماعی که از شمول ضوابط و مقررات اسلامی خارج هستند و به تعبیری، در «منطقه الفراغ» قرار دارند، به عقلانیت و عقل جمعی شکل گرفته در دامان جامعه اسلامی بر مدار ارزش های الهی ـ انسانی تکوین یافته، واگذار گردیده است.

قرآن در این زمینه می فرماید:

پس به (برکت) رحمت الهی با آنان نرم خو و (پرمهر) شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، بی گمان، از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار(ها) با آنان مشورت کن. (آل عمران: ۱۵۹)

و کسانی که (ندای) پروردگارشان را پاسخ (مثبت) داده و نماز را برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آن چه روزی شان داده ایم، انفاق می کنند. (شورا: ۳۸)

امام علی علیه السلام نیز دراین باره فرموده است:

کسی که خودرأی باشد، هلاک می گردد و هرکس با دیگران مشورت کند، با ایشان در عقلشان شریک می شود.(۲)



---

۱- تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۱۰.

۲- ۲.نهج البلاغه، سخن ۱۶۳.

در عین حال، هیچ گاه نباید از این حقیقت غفلت کرد که این همه تنها تا هنگامی است که رهنمود و حکمی از سوی خداوند و رسولش و نیز ائمه اطهار یا «ولی فقیه جامعه الشرایط» نرسیده باشد؛ چه در این صورت، وظیفه، اطاعت است.(۱)

بنابراین، چنان چه مشورت مسلمانان در مسایل اجتماعی در ساز و کارهای صحیحی جریان یابد، در کنار تضمین عالی ترین شکل مشارکت فعال مردم در عرصه های مختلف اجتماعی، هیچ گاه با ارزش های الهی یا قوانین و ضوابط شرعی نیز ناسازگار نخواهد بود.(۲) البته باید دانست که رأی اکثریت و عقلانیت جمعی، تنها هنگامی درست و به صلاح است که آحاد جامعه از فضایل اخلاقی برخوردار باشند و چون تضمینی برای چنین سلامتی وجود ندارد و احتمال گمراهی افراد و حتّی انحراف در عقلانیت جمعی وجود دارد، التزام مطلق به آرای عمومی روا نخواهد بود.(۳)



---

۱ - ۳.قرآن می فرماید: «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هرکس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند، قطعا دچار گمراهی آشکاری گردیده است.» احزاب: ۳۶ «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را (نیز) اطاعت کنید.» (نساء: ۵۹)

۲ - ۴.محمود شفیعی، «مردم سالاری دینی در ساحت تصمیم سازی»»، پگاه حوزه، شماره ۷، ص ۹.

۳ - ۵.«بگو: هرگز پلیدی و پاکی یکسان نیستند؛ هرچند فراوانی پلیدی ها تو را به شگفت آورد. پس ای صاحبان خرد، از خداوند پروا کنید؛ باشد که رستگار گردید». مائده: ۱۰۰

به بیان روشن تر، رأی افراد یک جامعه، آن گاه معتبر است که جهت گیری آن، گسترش ارزش های عالی الهی ـ انسانی، رسیدن به مقام قرب الهی و سعادت معنوی و مادی بشر باشد. از همین روست که «مشاوره اسلامی» با «دموکراسی» به معنای تضمین حاکمیت مطلق و بدون قید و شرط «رأی اکثریت»، در خاستگاه و مبانی و نیز مکانیزم و رویکرد، تعارض ریشه ای دارد.(۱)

خداوند متعال در چندین جای قرآن این حقیقت را بیان می کند که ارزش های الهی و دینی همواره با ارزشند، هر چند بیش تر مردم با آن مخالفت کنند و بی ایمانی و ناپاکی همیشه ضد ارزش است، هرچند بیش تر مردم آن را پذیرفته باشند:

اگر از اکثر مردم روی زمین اطاعت کنی، آنان تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد. (انعام: ۱۱۶)

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز بارها براین معنا تأکید کرده و فرموده است:

ای مردم، در طریق هدایت از کسی نهراسید؛ زیرا اکثریت برگرد سفره ای جمع شده اند که مدت سیری آن کوتاه و گرسنگی اش طولانی است.(۲)

نتیجه این که پذیرش یا نپذیرفتن اکثریت جامعه معیار شناخت ارزش های اخلاقی نیست، ولی باید یقین داشت که سرانجام پیروزی با حق است

ص: ۳۵

---

۱- ۶.نک: تفسیر المیزان، ج ۷، صص ۱۶۰ ـ ۲۳۰.

۲- ۷.نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.

. امام علی علیه السلام می فرماید:

اگر پیروان حق کم باشند، چه بسا افزوده گردند و پیروز شوند.(۱)

علّامه طباطبایی پس از معرفی «قرب و منزلت نزد خداوند» به عنوان هدف عالی جامعه اسلامی و مقایسه آن با هدف گذاری «بهره برداری مطلق و بدون قید و شرط از شئون مادی» در تمدن غرب، مبنای وضع قوانین در نظام اسلامی را «توحید و فضایل اخلاقی» و در غرب، «اراده اکثریت» می داند. ایشان با تأکید بر اختلاف بسیار ژرف میان روش حکومتی «اسلام» و «غرب» که چونان دو قطب کاملاً مخالف هستند و نیز تشبیه «دموکراسی لیبرال» به بت پرستی مدرن، اعتبار و ارزش مندی رأی اکثریت را به نهادینه شدن ارزش های اسلامی در جامعه وابسته می داند.(۲) وی با استناد به آیات فراوانی از قرآن کریم، بر انطباق دیدگاه اکثریت با حق و نیز واجب الاتّباع بودن آن، خط بطلان می کشد.(۳)



---

۱- ۸.حسین اسکندری، آیه های زندگی، ج ۱، انتشارات سروش، ۱۳۸۱، ص ۲۸۴.

۲- ۹.تفسیر المیزان، ج ۷، صص ۱۷۰ _ ۲۰۷.

۳- ۱۰.همان، ص ۱۷۵: «آرا و عقاید و نظریات اکثریت را در مقابل اقلیت، نمی توان همیشه حق دانست؛ بلی، اگر مطابق با واقع خارج بود، حق است و اگر مطابق با واقع نبود، حق نیست. در این صورت، سزاوار نیست که انسان در مقابل آن خاضع شود و حتما خاضع نخواهد شد. بدیهی است که اگر انسان خود واقع را بفهمد، هرگز در مقابل نظر اکثریتی که برخلاف واقع می باشد، تسلیم نمی شود و اگر هم ظاهرا تسلیم شود، این یک تسلیم واقعی نیست، بلکه به واسطه ترس و یا حیا و یا جهات دیگر است که تسلیم می گردد. پس این تسلیم، نه به آن جهت است که اصولاً نظر اکثریت حق و ذاتا واجب الاتباع می باشد. بهترین بیانی که این معنی را افاده کرده و می گوید که نظر اکثریت همیشه حق و واجب نیست، این آیه است: «بل جائهم بالحق و اکثرهم للحق کارهون»؛ چه این که اگر نظر اکثریت همیشه حق بود، ممکن نبود که دیگر از حق کراهت داشته و با آن مبارزه کنند».

## و) حساسیت، نظارت و مسئولیت پذیری همگانی

و) حساسیت، نظارت و مسئولیت پذیری همگانی

بـا توجه به جایگـاه و منزلت انسـان در مکتب اسـلام، انسـان هـا، افرادی مسـئول و فعال در قبال خود و دیگران هسـتند. در این دیـدگاه، حساسـیت، نظارت و تأثیر گذاری اجتماعی، نه تنها حق همه افراد جامعه (از هر نژاد، رنگ، جنس و طبقه)، بلکه یک تکلیف عام و عمومی(۱) و اجتناب ناپذیر است. قرآن می فرماید:

و مردان و زنان با ایمان، دوسـتان یکدیگرند که به کارهای پسـندیده وا می دارند؛ از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می دارند. (توبه: ۷۱)

هم چنین قرآن در بیان مسئولیت مسلمانان در قبال دین اسلام پس از رحلت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

و محمّـد، جز فرسـتاده ای که پیش از او (هم) پیـامبرانی بوده انـد، نیست. آیـا اگر او بمیرد یا کشـته شود، از عقیـده خود برمی گردید؟ (آل عمران: ۱۴۴)

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

کسی که صبح و شام کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست.(۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مؤمن برادر مؤمن است؛ هم چون برادری که از پدر و مادر اوست. پس وقتی



---

۱- محمدرضا مهدوی کنی، «مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی»، پیام صادق، ش ۴۴، ص ۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

که یکی از مومنان در سرزمینی از سرزمین ها، دچار اندوه شود، غم و اندوه او را نیز فرا خواهد گرفت؛ زیرا آنان از اویند.(۱)

ازهمین رو، درنظام اسلامی،نظارت، مسئولیت پذیری و پاسخ گویی درقبال مسئولیت به عنوان امری عمومی تا عالی ترین سطح ممکن، نهادینه می شود و گسترش می یابد.

## ز) خطاب همگانی احکام اجتماعی اسلام

ز) خطاب همگانی احکام اجتماعی اسلام

در قرآن کریم با آیاتی روبه رو هستیم که کل جامعه اسلامی و عموم مؤمنان را مورد خطاب قرار می دهد و انجام وظایفی را از مردم درخواست می کند.(۲) این آیات در بردارنده احکام اجتماعی و جزایی و هم چنین تربیتی و اخلاقی است که مسئولیت های مردم در قبال اقامه دین، پاسداری از نظام، اجرای حدود، تأکید بر وحدت و نفی تفرقه، امر به معروف و نهی از منکر، دستگیری از مستمندان را شامل می شود.(۳) بدون تردید، وظایف همه جانبه اجتماعی، به



---

۱- همان، ترجمه: محمد جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۲۳۸.
۲- ۱.تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۰۵.
۳- برخی از آیات اجتماعی قرآن که در آن همگان به صراحت طرف خطاب قرار گرفته اند، عبارتند از: «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می دارند». توبه: ۷۱ « و هرچه در توان دارید از این رو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید». (انفال: ۶۰) «ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید (و) به عدالت شهادت دهید». (مائده: ۸) « و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند». (آل عمران: ۱۰۴)

ضرورت تناسب «مسئولیت» و «اختیارات» مستلزم به رسمیت شناختن و زمینه سازی برای حضور و مشارکت فعال همه افراد جامعه در عرصه مسایل اجتماعی است.

### ح) نصیحت به رهبران جامعه اسلامی

ح) نصیحت به رهبران جامعه اسلامی

«نصیحت» از ریشه «نَصَح» به معنی پند، اندرز و خیرخواهی است.(۱) نصیحت و خیرخواهی برای رهبران جامعه، به عنوان حقی همگانی، مسئله ای با اهمیت در فقه سیاسی اسلام است. براین اساس، همه افراد جامعه اسلامی می توانند و باید مسایل و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را زیر نظر داشته باشند تا اگر ضعف و انحرافی در اداره امور اجتماعی دیدند، مشفقانه، اشکال ها را به حاکمان تذکر دهند و آنان را نسبت به پی آمدهای نابسامانی ها آگاه سازند.(۲)

حضرت آیت اللّه خامنه ای دام عزه در این باره می فرماید:

«النصیحه لأئمه المسلمین»؛ یعنی حرف درست و خیر را به ائمه مسلمین بیان کردن

ص: ۳۹

---

۱- ۱.محمّد معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۷۴۱.

۲- ۲.برای آگاهی بیش تر نک: سعید خردمندی، حق رأی و انتخاب، صص ۱۰۷ _ ۱۴۰؛ «مشارکت سیاسی در جامعه دینی»، مجله پگاه حوزه، ش ۱۶، ص ۱۶؛ محمد جواد ارسطا، «مرز بندی مشروعیت و مقبولیت در حکومت دینی»، مجله پگاه حوزه، ش ۵۷، ص ۷.

و آنهـا را راهنمایی کردن و حقایق را به آنها رسانـدن. به کار نادرست و خلاف آنها، آن جایی که لازم است اشاره کردن؛ از آنها سؤال نمودن. در صـدر اسـلام این روحیه در میان مردم تقویت می شد و سـرکوب نمی شد. زمان خلیفه دوم، خلیفه روی منبر رفت و به مردم گفت: «اگر من کـج رفتم، مرا راست کنیـد»؛ یعنی هدایت کنید. اشـتباهاتم را بگویید. یک عربی بلند شد، شمشـیرش را بیرون آورد و گفت: «اگر کج رفتی، با شمشـیر تو را راست خواهیم کرد»؛ یعنی تا این حد به مسـلمان اجازه داده شد که با مسئولان امر با صراحت حرف بزنند.(۱)

نصیحت رهبران نه تنها حق مسلّم مسلمان، بلکه از حقوق حاکم بر مردم نیز به شمار می آید؛ زیرا نصیحت به ویژه هنگامی که از سـر دل سوزی و نیـک خواهی باشـد، نه تنهـا مانع سامان دهی امور و عزت منـدی حاکمان نیست، بلکه امکان مناسبی برای شناسایی نارسایی ها و پالایش ناراستی هاست و پی آمد آن جز توسعه عزّت و شوکت «ملک و دولت» نخواهد بود.

اندیشمند معاصر، آیت الله مصباح یزدی دراین باره به مطالب شایسته ای اشاره دارد:

یکی از حقوقی که مردم دارند؛ یعنی حقوقی که امام بر مردم دارد، این است که نسبت به او یک رنگ باشند: «النصیحه لائمه المسـلمین». نصـح و نصـیحت، یعنی یک رنگ بودن، خیانت نکردن، فریب کاری نکردن. شاید مهم ترین تعبیری که می شود جـایش گـذاشت، دل سوزی و خیرخواهی است. «النصـح لامام المسـلمین؛ یعنی خیرخواه امام باشـد». اگر یک جایی اشـتباهی کرد، متوجهش کند. این کار بسیار خوب و لازم است و می بایست باشد.



---

۱- ۳.آیت الله خامنه ای، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۱۰/۶۲.

سیره پیغمبر اکرم و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین، با این که معصوم هم بوده اند، طوری بوده که به مردم اجازه می دادند اگر نظری برخلاف آنها در مسایل حکومتی است، ابراز بکنند.(۱)

البته نصیحت و خیرخواهی برای رهبران جامعه اسلامی نباید به گونه ای باشد که سبب هتک حرمت و شخصیت مسئولان و یا تضعیف نظام گردد؛(۲) زیرا هتک حرمت مسئولان و تضعیف نظام اسلامی با خیرخواهی نسبت به حاکمان و مسئولان جامعه اسلامی ناسازگار است.

## ط) تأکید بر نقش محوری مردم در قانون اساسی

ط) تأکید بر نقش محوری مردم در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که معرف اصلی ترین آمال ملت بزرگ ایران و ثمره مجاهدت های تاریخی آنان برای گسترش ارزش های الهی و استقلال و آزادی است، چه به لحاظ مقبولیت مردمی در همه پرسی ها و چه به لحاظ مشروعیت و امضای ولایت امر و امامت امت ـ به نیابت از حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف ـ(۳) میثاق ملی و شرعی به شمار می رود که رعایت آن بر همگان، از رهبری و دیگر مسئولان گرفته تا افراد عادی جامعه، لازم و واجب



---

۱ - ۴.سخنرانی آیت الله مصباح یزدی در مدرسه فیضیه قم درباره ولایت فقیه و مجلس خبرگان رهبری، ویژه نامه انتخابات خبرگان، روابط عمومی جامعه روحانیت مبارز، مهر ۱۳۷۷، صص ۱۵۸ ـ ۱۵۹.

۲- ۵.همان، ص ۱۶۰.

۳- ۱.نک: اصل یک صد و هفتم، فصل هشتم.

است.(۱) در این قانون، نقش مردم در حاکمیت اجتماعی(۲) بسیار ارجمند است، به گونه ای که حاکمیت آنها بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی شان و نیز برپایی نظام اسلامی، در مقدمه و نیز اصول متعددی، آشکارا به رسمیت شناخته شده است.

برجسته ترین اصلی که بر «حاکمیت ملی» و نیز «حاکمیت مردمی» در نظام جمهوری اسلامی صحه می گذارد، اصل پنجاه و ششم قانون اساسی است که می گوید:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آنِ خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید، اعمال می کند.

افزون بر این، برابر دیگر اصول قانون اساسی تقریبا تمامی مناصب اصلی و کلیدی نظام، از جمله رهبری(۳)، ریاست جمهوری(۴)، نمایندگان مجلس خبرگان



---

۱- ۲.عبدالله جوادی آملی، «جایگاه فقهی و حقوقی مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، ش ۸، ص ۲۳.

۲- ۳.حاکمیت نفس قدرت است و حکومت ابزاری است که این قدرت به وسیله آن اعمال می گردد. برگرفته از: سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر دادگستر، ص ۲.

۳- ۴.نک: اصل یک صد و هفتم قانون اساسی، فصل هشتم.

۴- ۵.نک: اصل یک صد و چهارده قانون اساسی، فصل نهم.

رهبری.(۱)

نمایندگان مجلس شورای اسلامی(۲) و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا(۳) با رأی مستقیم یا غیر مستقیم مردم، انتخاب می شوند.

قانون اساسی، روش اداره امور کشور را «اتکا به آرای عمومی» دانسته و بر «انتخابات» و نیز «همه پرسی» به عنوان دو مکانیزم اصلی تبلور اراده مردم تأکید کرده است.(۴) بنابر مبانی قانونی و نیز عملکرد دو دهه گذشته، نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی به تمام معنا مردمی است. البته باید دانست که جایگاه و محوریت مردم را نباید به گونه ای ترسیم کرد که «حاکمیت مردم»، معارض یا حتّی هم عرض با «حاکمیت خداوند» تصور شود؛ زیرا همین قانون به صراحت آورده است:

حاکمیت مطلق بر جهان از آن خداست و هم او انسان را به سرنوشت خویش حاکم ساخته است.(۵)



---

۱- ۶.اصل یک صد و هفتم قانون اساسی، فصل هشتم.

۲- ۷.نک: اصل شصت و دوم قانون اساسی، فصل ششم.

۳- ۸.نک: اصل یک صدم قانون اساسی، فصل هفتم.

۴- ۹.نک: اصل ششم قانون اساسی، فصل اول.

۵- ۱۰.قانون اساسی، اصل پنجاه و ششم.

اساسا بن مایه معارف اسلامی، چیزی جز سریان حکومت قانون الهی بر تمامی ارکان و اجزای جامعه اسلامی (حاکم، حکومت و مردم) نیست.

قرآن می فرماید:

فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین درست، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (یوسف: ۴۰)

امام خمینی رحمه الله فرموده است:

غیر از قانون الهی، کسی حکومت ندارد و برای هیچ کس حکومت نیست؛ نه فقیه و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می کنند.(۱)

بنابراین، برخلاف نظام های لیبرال دموکراسی غرب، در نظام جمهوری اسلامی، حاکمیت مردم، مستقل یا در مقابل حاکمیت الهی نیست، بلکه در امتداد آن و مبتنی بر قوانین و ضوابط شرعی و مقید به آن است:

کلیه قوانین و مقررات جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها، باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل، بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.(۲)

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.(۳)



---

۱- ۱۱.صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۵۳.
۲- ۱۲.نک: اصل چهارم قانون اساسی، فصل اول.
۳- ۱۳.نک: اصل یک صد و پنجم قانون اساسی، فصل هفتم.

افزون بر این، قانون اساسی در ادامه اصل پنجاه و ششم که میثاق حاکمیت مردمی است، اعمال حقوق ملت را به اصول بعدی واگذار کرده و بی درنگ در اصل بعدی آورده است:

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت است و بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردد. این قوا مستقل از یکدیگرند.(۱)

به این ترتیب، «حاکمیت مردمی» تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در چهارچوب «حاکمیت الهی» و براساس قوانین و ضوابط اسلامی، تعریف شده و رسمیت یافته است.

### ۲. تعریف و تبیین انواع مکانیزم های تحقق مشارکت اجتماعی

#### اشاره

۲. تعریف و تبیین انواع مکانیزم های تحقق مشارکت اجتماعی

در جوامع کنونی به دلیل پراکندگی مناطق زیستی و نیز پیچیدگی و فراوانی روز افزون مسایل اجتماعی، امکان نقش آفرینی مستقیم مردم در امور مختلف جامعه، بسیار مشکل است. ازاین رو، نظام های سیاسی ــ مردمی، به ناچار به جای اتکا به دخالت مستقیم مردم در اداره امور اجتماعی، به «رژیم نمایندگی» روی آورده اند. «امروزه جز در برخی از خرده دولت ها، مانند چند کانتون سوئیس(۲) یا چند ایالتدر امریکای شمالی، اعمال دموکراسی مستقیم، کاربرد



---

۱ – ۱۴.نک: اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، فصل پنجم و نیز اصول ۶۰، ۹۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۵۷، ۱۷۵، ۱۷۶ و ۱۷۷ که برای تحقق این اصل آورده شده اند.

۲ – ۱.Gloris, unterwarld, Appenzal.

نداشته و تقریبا اکثریت قریب به اتفاق ممالک، نظریه گزینش فرمان روایان و نمایندگان مردم را از راه انتخابات پذیرا شده اند».(۱)

در نظام جمهوری اسلامی نیز اگرچه مراجعه به آرای مستقیم مردم از طریق همه پرسی(۲) _ در موارد خاص مصرح در قانون _ محفوظ است،(۳) ولی اصلی ترین مکانیزمدخالت و مشارکت فعال ملت در اداره امور اجتماعی، «انتخابات» است و تقریبا در تمامی مسایل اساسی کشور، براساس رأی و نظر مردم تصمیم گیری می شود.

الف) انتخابات و انواع آن

انتخابات، مجموعه عملیاتی است که جهت گزینش فرمان روایان یا تعیین ناظرانی برای مهار قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنای شیوه های مختلف گزینش نمایندگان است؛ ابزاری که به وسیله آن می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین کارگزاران حکومتی



---

۱- ۲.ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر، بهار ۸۰، چ ششم، ص ۲۹۹.

۲- ۳.Refrendum.

۳- ۴.قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجاه و نهم، فصل پنجم: «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت می گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

مداخله داد.(۱) برخلاف تصور اولیه ناآشنایان به مباحث سیاسی و حقوقی، تنها شکل انتخابات، انتخاب بی واسطه نمایندگان از سوی شرکت کنندگان نیست و به تناسب ماهیت موضوع یا شرایط نمایندگان یا رأی دهندگان، انتخابات می تواند اشکال مختلفی را پذیرا شود. «انتخابات ممکن است یک درجه ای یا دو درجه ای باشد. انتخاباتی را که در آن رأی دهندگان، نمایندگان خود را مستقیم از میان نامزدها انتخاب کنند، یک درجه ای می نامند و انتخاباتی را که در آن رأی دهندگان، نخست به کسانی رأی دهند که آن کسان، نمایندگان اصلی را از میان خود انتخاب کنند، دو درجه ای می نامند».(۲)

بنابراین، انتخابات و مراجعه به آرای عمومی، می تواند به صورت مستقیم یا یک درجه ای و به صورت غیر مستقیم یا دو درجه ای انجام گیرد. هر دو شکل نیز در بیش تر کشورها، از جمله ایران رایج است.

اندره بلیز و لوئیس ماسیکوت در فصل دوم کتاب مقایسه دموکراسی ها(۳) با مقایسه ۴۷ کشور دارای دموکراسی، این نظام ها را براساس انتخاب «مستقیم» یا «غیر



---

۱- ۵.بایسته های حقوق اساسی، ص ۲۹۷.

۲- ۶.داریوش آشوری، دانش نامه سیاسی، واژه انتخابات، برگرفته: از سعید خردمندی، حق رأی و انتخابات، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ص ۹۲. انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۳.

۳- ۷.نک: نشریه افکار عمومی، واحد سنجش افکار عمومی، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۷۹، ص ۴.

مستقیم» عالی ترین مقام مسئول، دسته بندی کرده اند.

آیا رئیس جمهور را مردم

انتخاب می کنند؟

بله (۲۰ کشور)

به وسیله یک کالج انتخاباتی۱

که با رأی مردم برگزیده

می شوند (۱ کشور)

انتخاب مستقیم

ایالات متحده امریکا

اکثریت ـ دور دوم

(۱۵ کشور)

اکثریت نسبی

(۴ کشور)

رأی جای گزین

(۱ کشور)

نظام های دیگر

(۵ کشور)

خیر (۲۷ کشور)

اتریش، برزیل، بلغارستان، شیلی، کلمبیا، اکوادور، فرانسه، فنلاند، ماداگاسکار، مالی، موزامبیک، لهستان، پرتغال، روسیه، اوکراین

مکزیک، فیلیپین، کره جنوبی، ونزوئلا

ایرلند

آرژانتین، بولیوی،

کاستاریکا، اروگوئه،

زامبیا

استرالیا، بنگلادش، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، آلمان، یونان، مجارستان، هند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، مالاوی، نپال، هلند، نیوزیلند، نروژ، پاکستان، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد،سوئیس، تایوان تایلند، ترکیه (۱)

ص: ۴۸

---

۱- electoral college.(هیئت انتخاب کننده رئیس جمهور در آمریکا)

رئیس جمهور و نخست وزیر در آلمان، رئیس جمهوری در هندوستان و نیز بسیاری از کشورهایی که در نمودار معین شده، از طریق انتخابات غیر مستقیم یا دو درجه ای، برگزیده می شوند. در ایالات متحده امریکا نیز همان گونه که در نمودار آمده، رئیس جمهور را «کالج انتخاباتی منتخب مردم» (تقریبا مشابه مجلس خبرگان منتخب مردم در ایران) برمی گزینند. همین امر سبب شده است تا بلیز در گونه بندی خود، امریکا را جزو کشورهایی که عالی ترین مقام آن، به دست مردم انتخاب می شوند، قرار دهد. روشن است که نظر بلیز در این زمینه نادرست است؛ زیرا تأملی در نظام انتخاباتی امریکا و نیز تصریح خود بلیز بر وجود کالج انتخاباتی، آشکارا از دو درجه ای بودن انتخابات ریاست جمهوری در امریکا، حکایت می کند.

در کشور ما نیز انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، به صورت یک درجه ای و مستقیم و انتخاب رهبری با واسطه منتخبان مردم در مجلس خبرگان رهبری و به صورت دو درجه ای صورت می پذیرد.

## ب) عوامل مؤثر بر چگونگی مراجعه به آرای عمومی

### اشاره

ب) عوامل مؤثر بر چگونگی مراجعه به آرای عمومی

شکل مراجعه به آرای عمومی در تمام دنیا تابع عوامل و مقتضیات اجتماعی است. لزوما در همه جا و همه چیز، مراجعه مستقیم به آرای عمومی مطلوب و ثمربخش نیست، بلکه گاه با اهداف مشارکت مردم و مصالح جامعه نیز ناسازگار است. «بسیاری از صاحب نظران حقوق به انتخاب رئیس جمهوری توسط رأی مستقیم مردم نظر خوشی ندارند و این شیوه را خطرناک می پندارند؛ زیرا فردی که با پشتیبانی اکثریت قابل توجهی از مردم بر مسند

ریاست جمهوری تکیه می زند، در وسوسه سوء استفاده از قدرت می افتد؛ به گونه ای که در این صورت، اگر رژیم ریاستی باشد، رئیس جمهوری نظیر برخی از رژیم های امریکای لاتین تبدیل به نوعی دیکتاتوری انتخابی می شود و اگر رژیم پارلمانی باشد، مجالس مقننه عملاً از صحنه کنار گذارده می شوند و یا در درجه دوم اهمیت قرار می گیرند که این خود به ویژه در رژیم پارلمانی، نقض غرض است».[(۱)]

بنابراین، شکل انتخابات با توجه به عوامل خاص و نیز ویژگی های انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان، ممکن است به صورت «مستقیم» و یک درجه ای، یا «غیر مستقیم» و دو درجه ای انجام پذیرد. این دو مکانیزم به عنوان اصلی ترین اشکال مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی ـ اجتماعی خویش در سده های اخیر، در فرهنگ حقوقی و سیاسی جهان امروز، به طور کامل به رسمیت شناخته شده است. مهم ترین عواملی که شکل مراجعه به آرای عمومی و مستقیم یا غیر مستقیم بودن آن را تعیین می کنند، عبارتند از:

**یک ـ ماهیت موضوع**

یک ـ ماهیت موضوع

موضوعی که در آن به آرای عمومی مراجعه می شود، به لحاظ ماهیت، گاه امری ساده و معمولی و گاه امری بسیار پیچیده است. ماهیت امور دسته اول که مسایلی به نسبت همه فهم و عرفی اند، سبب می شود بیش تر افراد جامعه برپایه آگاهی های فردی و نیز مطالعه، مشاوره و بررسی، اشراف نسبی به



---

۱- بایسته های حقوق اساسی، ص ۲۷۱.

موضوع پیـدا کنند و امکان گزینش معقول یک مورد از میان گزینه ها را برای خویش فراهم آورند. در مورد امور دسـته دوم، این موضوع هـا به عنوان اموری «خـاص و تخصصـی»، دارای پیچیـدگی هـا و دقایق خاصـی هسـتند که ماهیتا اظهار نظر عرف ناکـاردان را بر نمی تابـد. در این موضوع ها، بنابر اصل عقلی «رجوع غیر کارشـناس به کارشـناس»، به رأی و نظر کسانی تکیه می شود که تخصص و تجربه کافی درباره آن موضوع ها دارند. دیگران نیز هرچند در دیگر زمینه ها صاحب نظر باشند، چون از سویی، با دقایق و پیچیـدگی های آن موضوع خاص ناآشـنایند و از دیگر سو، با راه های معمولی (مطالعه، مشاوره و تحقیق) نیز نمی تواننـد بر موضوع های تخصصـی اشـراف دقیق بیابند، راهی جز مراجعه به دیدگاه کارشـناسان آن رشـته ندارند. ازاین رو، دخالت مستقیم این افراد در موضوع های تخصصی، به گونه ای که به «تصمیم» یا «عمل» اجتماعی بینجامد، وجاهت عقلی ندارد و ناقض مصالح جامعه است.

## دو ـ اهمیت جایگاه موضوع

دو ـ اهمیت جایگاه موضوع

هرچه حساسیت موضوعی که به انتخابات عمومی واگـذار شده است بیش تر باشد، ساز و کارهای «تشـخیص درست» و دقت نظر برای منحرف نشدن در رسیدن بدان و نیز فرضیه سازی بازخوردهای مناسب کنترل و نظارت، ضرورت بیش تری می یابد.

براین اسـاس، حتی اگر مسـامحه در موضوع هـایی که دگرگونی در آنها چنـدان از اهمیت و حساسیت برخوردار نیست، برای یک جامعه تحمل پذیر باشد، بی تردید، بی دقتی در تعیین «ولایت و امامت» امت اسلام روا نیست.

## سه ـ بسترهای ارزشی

سه ـ بسترهای ارزشی

در هر جامعه، آرمان ها، اصول، اهداف و ارزش هایی حاکم است که در

«باور عمیق»، «انتخاب آگاهانه»، «وجدان و باور جمعی» و نیز «هویت فرهنگی و تاریخی» آنان ریشه دارد. ازاین رو، مراجعه به آرای عمومی هرگز نمی تواند ناقض یا تضعیف کننده «بسترهای ارزشی جامعه» باشد. برای روشن شدن بحث، توجه به گونه بندی ارزش های اجتماعی و فرهنگی و نیز ویژگی ها و پی آمدهای خاص هر یک، کاملاً ضروری است. ارزش های اجتماعی نمایانگر امور مورد پسند عموم هستند، در حالی که ارزش های فرهنگی بر باورها و فرهنگ(1) یک جامعه تکیه دارد و حتی در نگرش کلان جوامع نسبت به انسان، جامعه و نیز فلسفه تاریخ ریشه دارد. برای مثال، در جامعه اسلامی، برخلاف جوامع مدرن، در کنار حقوق متقابل انسان ها در سطوح مختلف، رابطه انسان با خداوند و حقوق و تکالیف ناظر بر آن نیز موضوعیت می یابد.

در این دیدگاه، اراده الهی یقینی و مسلّم قلمداد می شود و سعادت دنیا و آخرت آحاد جامعه در گرو پیروی از آن خواهد بود. به طور طبیعی، تا وقتی انتخاب از سر شعور باشد، شکل یا محتوای هر نوع همه پرسی یا انتخاباتی نمی تواند با بایسته های ارزشی آن ملت، ناسازگار یا ناهماهنگ باشد. ازاین رو، هرچند در نظام های مختلف، برداشت از «بسترهای ارزشی» متفاوت است، در



---

۱- ۱.پرویز صالحی، جامعه شناسی ارزش ها، انتشارات جار، چ دوم، تهران، دی ماه ۱۳۵۴، ص ۳۰.

هیچ نظامی، به هیچ کس اجازه نقض آن داده نمی شود.(۱)

چهار _ رعایت مصلحت و اقتضائات منطقی

بنابر منطق اسلام، هماهنگی ضابطه مند و همه جانبه با احکام و ارزش های الهی، اصلی ترین شاخص رشد و تعالی «انسان و جوامع انسانی» است؛ زیرا به اعتبار هم سویی احکام الهی با فطرت و نیازهای کلی بشر، این ارزش ها، قدسی و فرا زمانی و فرا مکانی اند و چراغ هدایتی برای رسیدن به کمال مادی و معنوی بشر به شمار می روند. هر چند اصول کلی شریعت اسلامی چارچوب حرکت کلی بشر را معین می سازد، تحول و دگرگونی مقتضیات هر دوره تاریخی، جامعه اسلامی را با نیازها و شرایطی ویژه درگیر می کند که نبود انعطاف و ناسازگاری جامعه با آن _ هرچند به صورت موقت و تاکتیکی _ نظام اسلامی را با بحران و چالش های اساسی رو به رو می سازد و در صورت بی دقتی، اصل موجودیت آن را به مخاطره می افکند.

ازهمین رو، درنگرش اسلامی و نیز نظریه حضرت امام رحمه الله درباره حکومت اسلامی، افزون بر تأکید ویژه بر اصول و ارزش های تغییرناپذیر الهی، رعایت مصلحت های عصری و نسلی در زمان خود نیز مورد توجه قرار می گیرد. به این ترتیب، قدرت انطباق با شرایط متحول و متکثر اجتماعی و نیز مدیریت



---

۱- در همین زمینه، توجه به مقابله نظام های سکولار و مدعی دموکراتیک بودن، با «فرهنگ اسلامی» بسیار شایسته است. اجبار زنان مسلمان به استفاده از عکس بدون حجاب در کارت شناسایی در ایالات متحده امریکا و نیز قانون منع حجاب در فرانسه نمونه هایی از این امرند.

بحران ها و شرایط به سود دین را فراهم می سازد. این فرآیند، از طریق «احکام ثانویه» و نیز «احکام حکومتی» به شکلی ضابطه مند، امکان پاسخ گویی به شرایط گوناگون را به سه شکل زیر فراهم می سازد:

۱. جامعه اسلامی در رویکرد خود به مسایل و رویدادهای جدیدی که پیشینه مشخصی در کتاب و سنت ندارند، می تواند براساس عقل متعبد و در چارچوب آموزه های توصیفی، ارزشی و تکلیفی اسلام، قوانین تازه ای وضع کند.(۱) (احکام حکومتی)

۲. در شرایط بحرانی که جامعه در رعایت ارزش مشخصی، دچار اضطرار و چالشی می شود، می توان با تکیه بر مصلحت عمومی (نه شخص یا طبقه حاکم)، حقوق افراد را تا زمان برطرف شدن اضطرار، قربانی حقوق و مصالح اجتماعی کرد.(۲) البته به دلیل حساسیت اسلام به حقوق افراد، تشخیص این امر به حاکم اسلامی ـ یا ساز و کارهایی که وی مناسب بداند ـ (۳) واگذار شده است.



---

۱ـ ۳.مبنای فقهی این رویکرد، احکام سلطانیه یا احکام حکومتی است که در فقه شیعه مطرح است. نک: صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۱۶۳ ـ ۱۷۶.

۲ـ ۴.قاعده های این رهیافت عبارتند از: قاعده عسر و حرج؛ قاعده اضطرار در فقه؛ قاعده اهم و مهم در اصول.

۳ـ ۵.در نظام جمهوری اسلامی، بخشی از این وظیفه از سوی ولی فقیه به عهده شورای تشخیص مصلحت نظام گذارده شده است.

۳. چنـانچه نظـام اسـلامی در تنگنـای انجـام دو رویکرد معـارض بـا احکام و ارزش های الهی قرار گیرد و بقا و صـلاح جامعه اسلامی به خطر افتد، نظام اسلامی می تواند با پذیرش فاسد، از دچار شدن جامعه به فاسدتر (افسد)، جلوگیری کند.(۱)

خداونـد متعـال برای حفـظ دین و هـدایت مردم و نیز تـداوم مـدیریت دینی در جوامع، رعـایت مصـلحت هـا و در نظر گرفتن مقتضـیات زمـان و مکـان را حـتی به بهـای تعطیـل موقـتی برخی از احکـام، تجـویز کرده است. به طریـق اولی در زمینه سـاز و کارهای مراجعه به آرای عمومی و انتخابات نیز رعایت مصالح عمومی و اقتضائات اجتماعی ضروری است. به فرض، اگر نظام اسـلامی در شـرایط غلبـه فرهنـگ سیاسـی غرب بر کشـور، بر سـر دو راهی «پشـت کردن گروهی از مردم به نظـام اسـلامی» یا «دخالت دادن بخشـی از ساز و کارهای مشارکتی متداول در نظام های لیبرال دموکراسی» قرار گیرد، هر چند تعارض کاربست آنها با معارف اسلامی به اثبات رسیده باشد، دولت اسلامی بایستی برای حفظ نظام اسلامی و کنترل هیجان های پیش آمده ـ دست کم تـا زمـان اصـلاح فرهنگ سیاسـی آنان ـ با پـذیرش مکانیزم های غربی، کیان نظام اسـلامی را از بحران پیش آمـده حفظ کند.

ص: ۵۵

---

۱ - ۶.قواعـد رهیافت عبارتنـد از: دفع افسـد به فاسـد؛ الاحق فالحق؛ الاهون فالاهون؛ اذا تعارض مفسدتان روعی اعظمها ضـررا بارتکاب اخفهما.

### ۳. بررسی تناسب انتخاب رهبر با انتخابات غیر مستقیم

### اشاره

۳. بررسی تناسب انتخاب رهبر با انتخابات غیر مستقیم

با توجه به مسلمان بودن افراد جامعه و رأی مثبت آنان به «نظام جمهوری اسلامی ایران» و هم چنین قانون اساسی کشور که بر حاکمیت احکام اسلامی بر همه امور(۱) از جمله شرایط «رهبری اسلامی» تأکید دارد و نیز با توجه به «تخصصی بودن» تشخیص، تطبیق و احراز ویژگی های رهبری و با در نظر داشتن گستره اختیارات «ولی فقیه» به عنوان عالی ترین مقام رسمی کشور، بی تردید، تنها شکل شرعی و معقول برای «تشخیص رهبری»، انتخاب دو درجه ای یا «غیر مستقیم» است؛ زیرا امکان هم رأیی «خبرگان و کارشناسان مجرّب» را در این زمینه فراهم می سازد و فرآیند بسیار حساس «تشخیص رهبری» را به امری حجیت آور، معقول و اطمینان بخش مبدّل می کند.

برای رسیدن به قضاوتی دقیق تر درباره این مدعا، توجه به مطالب زیر مفید به نظر می رسد:

### الف) تخصصی بودن تعیین رهبری

الف) تخصصی بودن تعیین رهبری

قضاوت در امور تخصصی بر عهده کسانی است که از تخصص لازم در آن زمینه برخوردار باشند و دیگران بنابر تشخیص عقل و برای فراهم ساختن بهترین شکل بهره برداری فردی، خانوادگی و به ویژه اجتماعی، باید به کارشناسان رجوع کنند. مسئله «شناخت و تعیین رهبری» نیز مستلزم آگاهی از



---

۱ - ۱.قانون اساسی مفاد اصل چهارم، فصل اول:«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است».

شرایط رهبری اسلامی در متون دینی و قانون اساسی،(۱) شناخت دقیق افراد دارای این شرایط و نیز توان تطبیق شرایط بر افراد و تشخیص مناسب ترین فرد برای ولایت امر و امامت امت اسلامی است. ازاین رو، رجوع به کاردانان این حوزه و اتکا به رأی و نظر آنها در تعیین رهبری نظام اسلامی، کاملاً منطقی و قابل توجیه است. به دیگر سخن، احراز موارد یاد شده اگرچه تا حدودی برای برخی افراد قابل تأمین است، ولی شناخت یقینی نسبت به دیگر موارد برای بیشتر افراد داشتن توان کارشناسی در مسایل به ویژه داشتن «توان اجتهاد» در مسایل فقهی(۲) است. از همین رو، روش «انتخاب دو درجه ای رهبری»، گزینه ای کاملاً معقول، بلکه اجتناب ناپذیر است.

به این ترتیب، نخست، مردم با رأی مستقیمشان،(۳) کارشناسان مورد اطمینان خویش را به نمایندگی از سوی خود، به عضویت در «مجلس خبرگان رهبری» برمی گزینند و سپس آنان، وظیفه «تشخیص و تعیین رهبری» و «نظارت بر



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصول نهم، یک صد و هفتم و یک صد و نهم.

۲- ۲.در فصل بعدی «ضرورت اجتهاد» اعضای مجلس خبرگان رهبری، به صورت کامل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- نک: قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فصل پنجم کیفیت انتخابات، ماده ۶ .

رهبری» را که به موجب قانون اساسی[(۱)] بر عهده مجلس خبرگان است، به انجام می رسانند. این روش، بی سابقه نیست؛ زیرا رجوع مردم به کارشناسان، اگرچه حکم هر عقل سلیم و مشی جاری در تمامی جوامع بشری است، در فرهنگ شیعه و به ویژه در تشخیص «مجتهد اعلم»، سابقه ای طولانی دارد و هم اکنون نیز رایج است.

از این منظر، دو درجه ای شدن تشخیص و تعیین رهبری، مظهر سامان یافته همان مکانیزم است که اکنون جای خود را در سطح بالای اجتماعی جامعه شیعی ـ ایرانی، به شکلی مهم تر از گذشته باز کرده است. هم چنین همان گونه که گفته شد، انتخاب غیر مستقیم یا انتخابات دو درجه ای، در سطح دنیا نیز امری رایج و پذیرفته شده است، به گونه ای که نه تنها حاکمان عالی رتبه کشورهای مدعی دموکراسی لیبرال، مانند ایالات متحده امریکا و جمهوری فدرال آلمان به صورت غیر مستقیم انتخاب می شوند،[(۲)] بلکه دانش سیاسی امروز دلیل موجهی در نفی دست کم برخی از انواع انتخاب مستقیم رهبران از



---

۱- ۴.نک: قانون اساسی، فصل هشتم، اصل یک صد و هفتم.

۲- ۵.برای کسب اطلاعات بیش تر نک: «خبرگان رهبری»، تازه های نشر، مؤسسه فرهنگی طه، مهرماه ۱۳۷۷، صص ۲۹ تا ۴۵؛ سعید خردمندی، «حق رأی و انتخابات»، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، صص ۹۲ و ۹۳؛ علی اصغر نصرتی، «نظام سیاسی اسلام» ، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، تابستان ۱۳۸۲، صص ۲۹۵ تا ۳۰۰؛ رضا حاج احمدی، «انتخابات، مستقیم یا غیر مستقیم»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۶/۱۳۷۷.

سوی مردم ارایه می شود.(۱)

## ب) امکان نظارت بر بالاترین مقام در نظام اسلامی

ب) امکان نظارت بر بالاترین مقام در نظام اسلامی

اگر فرآیند انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، به صورت مستقیم و بدون واسطه (خبرگان) صورت پذیرد، امر نظارت بر آن که حوزه نفوذش به لحاظ شرع و قانون، افزون بر مسایل کلان و استراتژیک، همه مسایل اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد، در عمل، منتفی می گردد. این امر، اگرچه در زمان حضرت امام علیهم السلام به دلیل ویژگی های ممتاز ایشان و اکنون نیز با حضور آیت الله خامنه ای، مشکلی ایجاد نکرده است، ولی ممکن است در دراز مدّت با اشتباه خبرگان در تشخیص رهبری یا دور شدن رهبری از شرایط لازم؛ مشروعیت و مقبولیت نظام، مخدوش گردد و کشور را با چالش های گوناگون سیاسی ـ اجتماعی روبه رو کند. اگر رهبری نظام به صورت مستقیم و بدون دخالت خبرگان تعیین گردد، به دلیل نبود قوه نظارتی «رسمی و مستقل»، رهبر منتخب به قدرتی «غیر قابل نظارت» و «مطلق العنان» مبدّل خواهد شد و بدین ترتیب، رهبری نظام و رأس هرم قدرت که در حالت فعلی، نماد عظمت، شوکت و صلابت نظام و موجب عزت و کرامت آن و آسایش و اطمینان آحاد جامعه است، در معرض فساد قرار می گیرد. در این حالت، پیشنهاد توقیت(۲) نیز



---

۱- ۶.نک: تعریف و تبیین انواع مکانیزم های تحقق مشارکت اجتماعی، همین نوشتار.

۲- ۱.محسن کدیور، «شرایط تحقق آزادی های سیاسی»، روزنامه ایران، ۲۷/۹/۷۷.

وافی به مقصود (کنترل قدرت) نیست؛ زیرا افزون بر این که ابزارها و امکانات گوناگونی برای تحت تأثیر قرار دادن روند انتخابات،(۱) تعطیل و حتی نفی اصل انتخابات، در اختیار «حاکم بلامنازع»(۲) است، رهاسازی سرنوشت کشور تا رسیدن به دوره بعدی انتخابات برای تعویض «حاکم فاسد» نیز با اصول، ساختار و خاستگاه حکومت اسلامی در دوران غیبت (ولایت مطلقه فقیه) سنخیت ندارد و امری بدون پایه نظری متقن و به طور کلی، ناپذیرفتنی است.

ازاین رو، انتخابات غیر مستقیم (دو درجه ای) و بودن «مجلس خبرگان»، امری لازم است تا تداوم نظام، اعتدال قوا، برقراری عدالت و رفع چالش های احتمالی در اصلی ترین و مؤثرترین نهاد قدرت در نظام اسلامی تضمین شود.

## ج) حفظ شأن و منزلت نهاد رهبری

ج) حفظ شأن و منزلت نهاد رهبری

اگرچه در جامعه اسلامی هیچ کس به لحاظ «انسان بودن»، بالاتر از دیگران نیست و همگان بنده خداوند متعال هستند، ولی انتصاب افراد به برخی مناصب خاص، شرایط و اقتضائات ویژه ای می طلبد و پس از آن، همگان در پیروی از دستورهای آنان ملزم هستند.

ص: ۶۰

---

۱- ۲.تحت تأثیر قرار گرفتن مردم در کشورهای دموکراتیک غربی از تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم رسانه های گوناگون نظام های سرمایه داری، نمونه ای آشکار است.

۲- ۳.ابطال، تحریف و یا تقلب در انتخابات از سوی رژیم خودکامه، امری کم سابقه نیست. مطرح کردن حکومت مادام العمر انورسادات و مبارک در مصر و نیز انتخابات صدام با کسب ۱۰۰٪ آرای ریاست جمهوری عراق که اندکی پیش از سقوط وی انجام گرفت، نمونه های روشن این امرند. روی کار آمدن مشکوک و به اعتقاد بسیاری از تحلیل گران، متقلبانه جورج بوش، رئیس جمهور امریکا نیز نمونه ای دیگر است.

قرار گرفتن فقیه جامع الشرایط در موقعیت رهبری نظام اسلامی چنین وضعیتی دارد. از فردی که می خواهد به عنوان نایب حضرت مهدی(عج)، «ولایت امر و امامت امت» را بر عهده بگیرد، نمی توان و نباید انتظار داشت که در انتخاباتی مستقیم و با هدف جلب آرای مردم وارد شود و به اثبات خود یا نفی دیگران بپردازد و از مردم بخواهد به او رأی دهند. این امر افزون بر فرو کاستن از منزلت معنوی «ولایت اسلامی»، با سنت حسنه ائمه علیهم السلام که تنها پس از احراز مقبولیت مردمی، پذیرای مسئولیت رهبری می گردیدند، تعارض دارد. به جز آن ، برخلاف شیوه انتخاب رهبری به وسیله خبرگان، در انتخابات مستقیم، «رهبری منتخب» در فرآیندی اجتناب ناپذیر، به افراد، گروه ها و جریان هایی که در انتخابات به حمایت از او پرداخته اند، مربوط می شود و در مقابل افراد، گروه ها و جریان هایی که در مقابل او و به نفع دیگران وارد صحنه انتخابات شده اند، قرار می گیرد. این امر قداست و منزلت نهاد والای ولایت فقیه را که به تصریح حضرت امام خمینی رحمه الله، شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آلهاست، مخدوش می سازد و آشکارا با مصالح نظام و وحدت ملّی ناسازگار است.

«شأن رهبر بسیار والا و مسئولیت ها و اختیارات او بسیار خطیر، مهم و گسترده است. با توجه به این نقش، اگر قرار باشد در صحنه انتخابات، هر

گروه از مردم به شخصی گرایش پیدا کنند وبعد هم یکی از آنان با اکثریت آرا به رهبری برسد، برای کسانی که به دیگران تمایل داشته اند، پذیرش رهبری دیگری چندان آسان نیست. اما اگر بحث ها و تبادل نظرها و رأی گیری ها پیرامون مصداق رهبری، به جمع کوچک مجلس خبرگان محدود شود، تنها یک نفر در این شورا، برگزیده و به مردم معرفی می شود و تمام مردم هم که به موکلان خود اعتماد دارند، رأی آنان را می پذیرند و رهبری شخص تعیین شده را قبول می کنند».

بنابراین، انتخاب رهبر در انتخابات دو درجه ای به از سوی خبرگان منتخب مردم، به دلیل حفظ قداست و حرمت نهاد ولایت فقیه، تأکید بر مصالح نظام، حفظ وحدت ملّی و جلوگیری از ایجاد تفرقه و درگیری میان مردم و گروه های اجتماعی، به مراتب، بر انتخاب رهبری از طریق انتخابات مستقیم، برتری دارد.

## د) افزایش ضریب دقت و اطمینان

د) افزایش ضریب دقت و اطمینان

گفتیم که انتخاب رهبری نظام اسلامی برپایه ویژگی های مطرح در قانون اساسی، امری تخصصی است که به دست صاحب نظران و کارشناسان صورت می گیرد. ازاین رو، قانون گذار در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، شرایط لازم برای داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان(۱) را چنین برشمرده



---

۱- ۱.قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فصل دوم شرایط انتخاب شوندگان، ماده ۳.

است:

یک _ اشتهار به دیانت و وثوق شایستگی اخلاقی؛

دو _ اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسایل فقهی را داشته باشند و بتوانند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهند؛

سه _ بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی به مسایل روز؛

چهار _ معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

پنج _ نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی.

گردهم آمدن ۸۶ تن از شخصیت های دینی، علمی و اجتماعی منتخب مردم که دارای شایستگی های لازم هستند، نقطه قابل اطمینانی است که نظام اسلامی را از گزند انحراف و نفوذ دشمنان داخلی و خارجی نگاه می دارد؛ زیرا هرچند نفوذ و تأثیر گذاری در انتخابات مستقیم، از طریق تبلیغات روانی و صرف هزینه های سنگین تبلیغاتی، بر روی بخشی از مردم امکان پذیر باشد، ولی تأثیر گذاری بر تمامی کارشناسان مردم در مجلس خبرگان رهبری، بسیار دشوار و ناممکن است.(۱)



---

۱- ۲.نک: محمد تقی مصباح یزدی، ویژه نامه انتخابات خبرگان، روابط عمومی جامعه روحانیت مبارز، مهر ۱۳۷۷، ص ۱۴۲.

این رویکرد و بهره مندی از سازو کار انتخابات غیر مستقیم برای انتخاب رهبری چون بالاترین ضریب دقت و اطمینان را برای انتخاب درست فراهم می کند، به مراتب از انتخابات مستقیم، مناسب تر است.

## نتیجه

نتیجه

بنابرآن چه در این فصل گفته شد، به نظر می رسد که برگزاری انتخابات غیر مستقیم و واسطه بودن «خبرگان مردم» در «تشخیص رهبری»، امری معقول و اجتناب ناپذیر است و توسل به «انتخابات مستقیم» در این امر، بنابر دلایلی که گذشت، بی اعتبار است و پشتوانه های اعتقادی، علمی و اجتماعی لازم را ندارد. پافشاری بر آن نیز انگیزه های غیر منطقی مطرح کنندگان آن را آشکار می سازد که ندانسته یا دانسته، با توطئه های دشمنان برای تضعیف نظام اسلامی همراهی می کنند.

ص: ۶۴

## فصل دوم: ترکیب و ویژگی های اعضای مجلس خبرگان رهبری

### اشاره

فصل دوم: ترکیب و ویژگی های اعضای مجلس خبرگان رهبری

زیر فصل ها

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

نتیجه

### تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

#### اشاره

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

پس از طرح و پاسخ دادن به شبهه های مطرح در زمینه شکل انتخاب رهبری، اکنون به بررسی شبهه های مطرح در زمینه «ویژگی های اعضای مجلس خبرگان رهبری» می پردازیم. در وضعیت فعلی، به موجب قانونی که به تصویب مجلس خبرگان رسیده است، «ملکه اجتهاد»؛ یعنی قدرت استنباط احکام از منابع چهارگانه فقهی، از شرایط اصلی داوطلبان «عضویت مجلس خبرگان رهبری» است.

منتقدان درباره «شرط اجتهاد برای عضویت در مجلس خبرگان» انتقادهای گوناگونی را مطرح کرده اند. ما در این جا، نخست، بعد «اصلی و محوری» این شبهه ها را از ابعاد فرعی جدا می کنیم تا در پاسخ هریک، برخوردی مناسب داشته باشیم.

بن مایه و جوهره اصلی این شبهه ها آن است که در منابع و ادله شرعی ولایت فقیه و نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی،(۱) درباره «شرایط رهبری جامعه» در کنار تصریح به ضرورت «اجتهاد رهبر»، بر لزوم احراز ویژگی هایی چون عدالت و تقوا، آشنایی با مسایل سیاسی اجتماعی و نیز تدبیر و تدبر تأکید شده است. بنابراین، مجلس خبرگان رهبری هنگامی در امر «تشخیص و



---

۱- ۱.نک: اصل پنجم، یک صد و هفتم و یک صد و نهم.

تعیین رهبر» موفق می شود که در کنار استفاده از دیدگاه اعضای مجتهد خویش، از کارشناسان دیگر حوزه ها نیز بهره گیرد. به گفته یکی از منتقدان در این زمینه، «از منظر تناسب حکم و موضوع، خبرگان که می خواهد رهبر دارای آن صفات را انتخاب یا عزل کند و بر اعمال رهبری که دارای آن اختیارات و وظایف است، نظارت داشته باشد، باید افرادی باشند که بتوانند وظیفه قانونی خود را انجام دهند. اگر خبرگان براساس یک صفت تنظیم شود، پس فقط در آن صفت رهبر، اطمینان حاصل می شود، اما در دیگر صفات و وظایف، اطمینانی حاصل نمی شود... تشخیص فقاهت رهبر با فقهاست، اما تشخیص بینش سیاسی رهبر با سیاستمداران است و تشخیص نظامی رهبر با نظامیان است، تشخیص بینش قضایی رهبر با حقوق دانان است... جامعه ما توجیه نیست که چرا خبرگان فقط مرکب از فقهاست؟»(۱)

بنابراین، چون مسایل جامعه به جز فقاهت، با مسایل دیگری نیز ملازم است، تشخیص رهبر با کارشناسان جامع است، نه صرفا فقها. ازاین رو، منتقدان، ملاک بودن فقاهت را برای عضویت در مجلس خبرگان برنتابیده و با تعبیرهای مختلفی از آن انتقاد کرده اند که مهم ترین این شبهه ها را مطرح می کنیم:

۱. اداره جامعه، تدبیر می طلبد؛ عدالت و تدبیر شرط رهبری است. تشخیص تدبیر با کارشناسان جامع است؛ نه صرفا فقها. پس در مجلس



---

۱- ۲.عبدالله نوری، «تمامت خواهی و خشونت ورزی، مطلق اندیشی»، راه نو، شماره ۲۱، ص ۲۲.

خبرگان باید کسانی باشند که توانایی تشخیص مدیر را داشته باشند و این مسئله هیچ تلازمی با فقاهت و اجتهاد ندارد.(۱)

۲. (باید) صاحب نظران دو بعدی باشند؛ یک عده جنبه فقاهتی او را تشخیص دهند و یک عده جنبه های دیگر که مطابق با قانون اساسی است.(۲)

۳. انحصار خبرگان به مجتهدین با شرایط رهبری سازگاری ندارد و این تنها شرط فقاهت رهبری را تضمین می کند.(۳)

۴. عملکرد مجلس خبرگان ناامید کننده است؛ زیرا... منتخبین فقط می توانند شرط فقاهت رهبری را تضمین کنند، ولی در سایر جنبه ها مثل سیاست و اقتصاد و... نوعا کم تجربه یا بی تجربه اند.(۴)

۵. من خبرگان رهبری را منحصر به روحانیت و روحانیون نمی دانم و معتقدم عالمان دینی و روحانیونی که با مبانی فقهی آشنایی دارند، می توانند واجد این شرایط باشند، اما رهبری شرایط دیگری هم دارد؛ (مانند) مدیریت، شجاعت و آشنایی با مسایل روز. به نظر من باید در بین خبرگان افرادی باشند



---

۱- ۳.محسن کدیور، راه نو، شماره ۲.

۲- ۴.عبایی خراسانی، آبان، شماره ۳۱.

۳- ۵.عبدالله نوری، روزنامه همشهری، ۲۸/۵/۷۷.

۴- ۶.تقی رحمانی، هفته نامه پیام هامون، شماره ۵۶، ۴/۱۱/۷۸، ص ۳.

که دانش مدیریت را به صورت کلاسی، خوانده باشند. لذا افراد غیر حوزوی هم می توانند در این جایگاه قرار بگیرند. (۱)

۶. معمم بودن شرط نیست. اساتید دانشگاه و سایر اقشار جامعه هم به صورت خبرویت نسبت به شناخت رهبری می توانند در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کنند.(۲)

تأملی گذرا بر محورهای یاد شده، آشکارا بیان می کند که این شبهه ها مضمون هایی تکراری هستند که «نفی محوریت اجتهاد» را به عنوان معیار اجتناب ناپذیر برای عضویت خبرگان رهبری، پی می گیرند. افزون بر این، آنان حضور افراد غیر فقیه کارشناس در دیگر رشته ها را نیز در مجلس خبرگان، ممکن و ضر.وری می دانند.

بر همین اساس، در این فصل، نخست، «ضرورت اجتهاد خبرگان» به عنوان اصلی ترین شبهه در زمینه «ترکیب و ویژگی های اعضای مجلس خبرگان» بررسی می شود و سپس «مشکلات عضویت غیر مجتهدان» در مجلس خبرگان رهبری مطرح خواهد شد.



---

۱- ۷.اسدالله بیات، هفته نامه صدای عدالت، شماره ۳۶، ۶/۱۲/۷۹، ص ۲.

۲- ۸.منتجب نیا، هفته نامه آبان، شماره ۳۰.

### ۱. ضرورت اجتهاد خبرگان

#### اشاره

۱. ضرورت اجتهاد خبرگان

تردید در شرط اجتهاد به عنوان ضابطه اصلی عضویت در مجلس خبرگان رهبری، چون اساسی ترین شرط پذیرش خبرگان منتخب مردم را زیر سؤال می برد، از حساسیت ویژه ای برخوردار است؛ به گونه ای که ندادن پاسخی شایسته بدان می تواند به ابزاری قوی برای ایجاد جوّ بی اعتمادی به نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و نیز عملکرد و مصوبه های آنان تبدیل شود. نظر به این حساسیت و برای ارایه پاسخی علمی و اصولی، نخست به بررسی «وظایف مجلس خبرگان رهبری» می پردازیم و سپس «ویژگی های بایسته نمایندگان مجلس خبرگان» را ارزیابی می کنیم. در پایان نیز به دور از هرگونه پیش داوری و بر اساس مباحث مطرح شده، درباره شبهه «تردید در اجتهاد اعضای مجلس خبرگان رهبری» به داوری خواهیم پرداخت.

### الف) وظایف مجلس خبرگان

#### اشاره

الف) وظایف مجلس خبرگان

مجلس خبرگان رهبری بنابر چندین اصل از قانون اساسی،(۱) چهار وظیفه بسیار مهم و سرنوشت ساز بر عهده دارد:

#### یک ـ تعیین رهبری

یک ـ تعیین رهبری

بنابر فلسفه سیاسی اسلام، در نظام اسلامی، انسان ها دارای کرامت خلیفه



---

۱- ۱.قانون اساسی، فصل هشتم، اصل یک صد و هشتم:« قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره، باید به وسیله فقیهان اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و سپس به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب دیگر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

اللهی هستند و از سلطه هرچه غیر خدا، آزادند و تنها نیرویی که بر انسان حاکمیت دارد، خداوند تبارک و تعالی است.(۱) ازاین رو، تنها حکومتی مشروع است که سرسپردگی انسان نسبت به آن، به فرمان و رضایت حضرت حق باشد.(۲) امام خمینی رحمه الله دراین باره می فرماید:

مطابق اصل توحید، ما معتقدیم خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق، مطلع و قادر به همه چیز است. این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات مقدس حق، بایستی تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر این که اطاعت او، اطاعت خدا باشد. هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه یا ملتی را از آزادی محروم کند و برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا بر درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا بر خواسته و امیال خود تنظیم نماید.(۳)

برهمین اساس، شیعیان، حکومت بر جامعه؛ یعنی ولایت و امامت را از آن نبی مکرم اسلام و امامان معصوم علیه السلام می دانند که منصوب از سوی خداوند



---

۱ - ۱.«شما به جای او جز نام هایی چند را نمی پرستید که شما و پدرانتان آنها را نام گذاری کرده اید و خدا دلیلی بر (حقانیت) آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین درست، ولی بیش تر مردم نمی دانند.» (یوسف: ۴۰)

۲ - ۲.«ای کسانی که ایمان آوردید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید، پس هرگاه در امری (دینی) اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبر (او) عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است». (نساء: ۵۹)

۳- ۳.صحیفه نور، ج ۴۷، ص ۱۶۶.

هستند. در دوران غیبت حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف نیز بنا بر عقیده مشهور فقهای امامیه هم چون امام خمینی رحمه الله، «فقها» به نصب عام از سوی ائمه، به نیابت از حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی، مأمور گردیده اند. از همین رو، قانون اساسی جمهوری اسلامی آشکارا به این بنیان اعتقادی، عینیت ورسمیت بخشیده است:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می گردد.(۱)

ازاین رو، به دلایل شرعی(۲) و برابر اصولی از قانون اساسی، «ولایت و امامت» و «رهبری امت اسلامی» در دوران غیبت حضرت ولی عصر



---

۱- ۴.قانون اساسی، فصل اول، اصل پنجم.

۲- ۵.در زمینه منابع ولایت فقیه، نک: امام خمینی رحمه الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷؛ امام خمینی رحمه الله، شئون و اختیارات ولی فقیه، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹؛ حسین علی منتظری، دراسات فی ولایت الفقیه، المرکز العالمی للدرسات اسلامیه قم، ۱۴۰۸ هـ. ق؛ عبداللّه جوادی آملی، ولایت فقیه، رهبری در اسلام، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۸؛ مهدی هادوی تهرانی، ولایت فقیه مبانی، ادله و اختیارات، نشر کانون اندیشه جوان؛ سید مهدی میر باقری، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، انتشارات فجر ولایت، قم، ۱۳۷۹؛ احمد جهان بزرگی، پیشینه تاریخی ولایت فقیه، نشر کانون اندیشه جوان.

عج الله تعالی فرجه الشریف بر عهده «فقیه جامع الشرایط» گذارده شده است.(۱) افزون بر این که باید گفت به لحاظ نظری نیز چنین فرآیندی، منطقی و قابل دفاع است؛ زیرا فقها به دلیل برخورداری از اجتهاد مطلق(۲) و توان بررسی دقیق در ابواب فقه اسلامی و استنباط احکام از ادله شرعی، تنها کارشناس و مرجع عقلانی در شناخت اسلام ناب محمدی(۳) و اداره امور جامعه اسلامی هستند. براساس همین شناخت کامل از حقیقت و بن مایه دین اسلام است که به اعتقاد شیعه، به «دلالت شرع» و «اقتضای عقل» در دوران غیبت، آنها ولایت و رهبری جامعه اسلامی را عهده دار می شوند. حضرت امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

ولایتی که برای پیغمبر اکرم و ائمه علیهم السلام می باشد، برای «فقیه» هم ثابت است. در این مطلب مشکلی نیست؛ مگر در مواردی که دلیل برخلاف باشد و البته ما هم آن موارد را خارج می کنیم.(۴)

به لحاظ شیوه اجرایی برای انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی، تا پیش



---

۱- ۶.نک: دیباچه قانون اساسی، قسمت ولایت فقیه و اصل پنجم.

۲- ۷.منظور از اجتهاد مطلق یا تام، برخورداری فرد از توان استنباط و ضوابط الهی از منابع اسلامی در تمامی گستره ابواب فقهی و واجدیت «ملکه اجتهاد» است، برخلاف اجتهاد تجزّی که دارنده را قادر به استنباط در یک حیطه خاص می کند.

۳- ۸.در همین راستا، هشدار حضرت امام رحمه الله به طلاب که با فاصله گیری از جامعه محترم مدرسین قم، به دامن اسلام امریکایی خواهند افتاد، روشنگر و درس آموز است. نک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۲۶.

۴- ۹.امام خمینی رحمه الله، ولایت فقیه، ص ۱۱۲.

از اصـلاحات قانون اساسـی، دو راه «شناسایی و پذیرش عمومی مردم» و نیز «شناسایی و معرفی خبرگان منتخب مردم» در کنار هم، برای تعیین رهبری مقرر شده بود.(۱) پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ ـ که در ششم مرداد ماه همان سال به همه پرسـی گذارده شد ـ تعیین و معرفی رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران تنها از طریق مجلس خبرگان رهبری که اعضای آن به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند، امکان پذیر است.(۲)

افزون براین، ویژگی هـا و شـرایطی که بایـد در هر منتخب نماینـدگان مردم در مجلس خبرگـان باشـد، به صـراحت در قـانون اساسی مشخص شده است.

ـ اصل پنجم

در زمـان غیبت حضـرت ولی عصـر «عجـل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسـلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهـده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می گردد.(۳)

ـ اصل یک صد و نهم

شرایط و صفات رهبر:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛



---

۱- ۱۰.نک: متن قبلی قانون اساسی، اصل یک صد و هفتم.

۲- ۱۱.نک: قانون اساسی، فصل هشتم، اصل یک صد و هفتم.

۳- ۱۲.قانون اساسی، اصل پنجم، فصل اول.

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

_ اصل یک صد و هفتم

پس از مرجع عالی قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یک صد و نهم بررسی و مشورت می کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسایل سیاسی و اجتماعی و یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یک صد و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت، یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت فقیه و همه مسئولیت های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت.

ازاین رو، اولین و مهم ترین رسالت مجلس خبرگان رهبری، بررسی وضعیت هر یک از فقهای ممتاز و تطبیق آن با «شرایط و ویژگی های رهبری» و تشخیص اعلام عمومی فردی است که آن شرایط و ویژگی ها را به صورت کامل یا به گونه ای اطمینان بخش، دارا باشد. پس از این مرحله، پذیرش رهبر منتخب به عنوان «فقیه جامع الشرایط» که عهده دار امامت امت به نیابت از

حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف باشد، وظیفه آحاد جامعه اسلامی است.(۱)

با توجه به عام بودن نصب فقها از سوی معصومین علیهم السلام و نیز موکول بودن اعمال ولایت فقها به پذیرش و رضایت مردم،(۲) پس از تعیین رهبری از سوی خبرگان منتخب مردم، «رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت»(۳) و براساس دلایل شرعی، عقلی و قانونی، مسئولیت اعمال ولایت اجتماعی از عهده دیگر فقها برداشته می شود.(۴) البته به اعتبار نصب عام ائمه علیهم السلام، ولایت آنها در حیطه مسایلی که تزاحمی با ولایت اجتماعی رهبری پیدا نکند، هم چنان برقرار خواهد بود، ولی چون عملکرد آنان در حوزه های مورد تزاحم بامسایل اجتماعی مرتبط با اداره نظام، موجب هرج و مرج می شود، نامشروع(۵) بوده و آشکارا با موازین عقلی



---

۱- ۱۳.صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۱: «من که ایشان را حاکم قرار دادم، ملت باید از او اتباع کند، یک حکومت عادی نیست؛ یک «حکومت شرعی» است؛ مخالفت با این حکومت، «مخالفت با شرع» است؛ قیام بر علیه شرع است... قیام بر ضد حکومت خدایی، قیام بر ضد خداست و قیام بر ضد خدا کفر است».

۲- ۱۴.تبیان، دفتر ۳۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۹.

۳- ۱۵.نک: قانون اساسی، اصل یک صد و هفتم، فصل هشتم.

۴- ۱۶.کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۲۴.

۵- ۱۷.همان، ص ۶۹۲.

و مصالح امت اسلامی ناسازگار است.

## دو _ نظارت بر رهبری

دو _ نظارت بر رهبری

ضوابط و ویژگی های بسیار دقیقی که در انتخاب رهبری، مورد توجه قانون گذار بوده است، نوعی نظارت پیشینی مؤثر بر رهبری است. داشتن عدالت و تقوای لازم، آگاهی به زمان، شجاعت و مدیر و مدبر بودن،(۱) هم چنین دارا بودن صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در ابواب مختلف فقه، و نیز بینش صحیح سیاسی و اجتماعی و تدبیر و قدرت کافی برای رهبری(۲) از شرایط بایسته رهبری نظام جمهوری اسلامی است. این مکانیزم، به خودی خود سبب می شود افرادی که احتمال انحراف آنها می رود یا عملکرد ضعیف آنها ممکن است قداست نهاد رهبری را مخدوش سازد، پیشاپیش، از گردونه انتخاب برای این مقام ممتاز، حذف گردند.

افزون بر این، لازمه منطقی اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی، نظارت پی گیر و دقیق مجلس خبرگان را نیز بر رهبری نظام ضرورت بخشیده است:

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یک صدونهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل یک صد و هشتم است.



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصل پنجم، فصل اول.

۲- ۲.نک: قانون اساسی، اصل یک صد و نهم، فصل هشتم.

براین اساس، یکی از وظایف خطیر مجلس خبرگان رهبری، نظارت پی گیر بر دوام شرایط رهبری اسلامی در «رهبر منتخب» است. شرایط رهبری و نیز توان انجام وظایف خطیر ولایت و امامت امت اسلامی، دگرگونی پذیرند. بنابراین، باید بقای این شرایط از سوی نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، پی گیرانه بررسی گردد تا در صورت نبود یکی از شرایط یاد شده یا ناتوانی رهبر در انجام وظایف خویش، برابر اصل یک صدویازدهم قانون اساسی، تمهید لازم انجام پذیرد.

البته نکته ای که غفلت از آن، نظارت را از هدف های اصلی اش دور می سازد، این است که ماهیت نظارتی که بنا بر دلایل شرعی، عقلی و قانونی، بایستی به صورت مستمر بر رهبری اعمال گردد، نظارت بر شرایط است؛ نه بر عملکرد.(۱)

### سه ــ بررسی پی گیر شایستگی های فقیهان معاصر

سه ــ بررسی پی گیر شایستگی های فقیهان معاصر

پیش از این گفتیم که ملاک رهبری اسلامی برپایه نصب عام ائمه علیهم السلام، اصلح بودنی است که فقیه را مصداق کامل و واقعی «فقیه جامع الشرایط» می کند. ازاین رو، اگر چه دوران رهبری ولی فقیه مدت دار نیست، ولی از اساس، مشروط به «اصلحیت» شخص فقیه است.(۲) بنابراین، امام خمینی رحمه الله به



---

۱- ۳.نک: فصل سوم همین اثر.

۲- ۱.برای آشنایی با دلایل عقلی و شرعی این مسئله نک: فصل سوم از همین بخش.

صراحت تمام وظیفه خبرگان را تعیین «شایسته ترین»، «آگاه ترین» و «متعهدترین» فقیه می دانـد و آنان را در امر خطیر تعیین «فقیه اصلح»، به تقدم رضای خدا بر رضای خود و دیگران، هشدار می دهد.(۱) هم چنین در راستای تأمین رعایت اصلحیت «ولی فقیه» است که اعضای مجلس خبرگان در مراسم تحلیف خود سوگند یاد می کنند که بهترین و شایسته ترین فرد را برای «رهبری امت اسلام» برگزینند.(۲) به دلیل همین تأکید ویژه بر اصل «اصلحیت»، اگر شایستگی رهبری به هر دلیل نسبت به دیگر فقهای شایسته رهبری، به صورت محسوسی کاهش یابد، بایستی فرد شایسته تر در مسند رهبری جامعه قرار گیرد.

رونـد این جابه جایی به صورتی شفاف، مورد نظر قانون اساسی نیز هست؛ زیرا از سویی اصل یک صدوهفتم یکی از شرط های احراز منصب رهبری را اعلمیت در مسایل فقهی، سیاسی و اجتماعی می داند و در ذیل شرایط و صفات رهبری در اصل یک صدونهم، در صورت تعدد واجدان شرایط، شخصی را که دارای بینش قوی تر فقهی و سیاسی باشد، مقدم می دارد و از دیگر سو، در اصل یک صد و یازدهم آمده است:

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم و یک صد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد ب



---

۱- ۲.صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۱.

۲- ۳.نک: متن سوگند نامه اعضای مجلس خبرگان رهبری.

عضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد.

بنابراین، در گام نخست تنها فقیهی که به گونه ای اعلمیت یا قوت بیشتر وی در بعد فقهی یا اجتماعی و سیاسی به اثبات برسد، شایستگی تکیه زدن بر منصب رهبری جامعه اسلامی را دارد. در گام دوم، هرگاه نبود این شرط به اثبات برسد، رهبری، عزل و فرد شایسته تر برای «رهبری» امت اسلام برگزیده خواهد شد. این مهم در کمیسیون های تخصصی «مجلس خبرگان رهبری» به دقت مورد بررسی و مراقبت است.(۱)

ازاین رو، اگر یکی از فقیهان معاصر به رشد خاصی رسیده و شایستگی بیش تری نسبت به فقیهی که «رهبری نظام اسلامی» را بر عهده دارد، پیدا کرده باشد، بنابر آموزه ها و فلسفه سیاسی اسلام، «حاکم» از منصب ولایت بر کنار می شود و جای خود را به فقیه اصلح خواهد داد؛ زیرا «کامل ترین مصداق» شرایط حاکمیت، اصلحیت است و در صورت احراز اطمینان از حدوث اصلحیت در شخص جدید، شایستگی مفید پیشین، خود به خود، زوال می یابد و ولایت فقیه شایسته تر به اثبات می رسد.(۲)

ص: ۷۹

---

۱- ۴.عبدالله جواد آملی، «جایگاه فقهی و حقوقی مجلس خبرگان رهبری» مجله حکومت اسلامی، شماره ۸، ص ۱۸.
۲- ۵.نک: فصل سوم، صص ۱۴۸ _ ۱۵۰.

با توجه به وجود این فرآیند طبیعی، این جای گزینی در مقام اثبات و تحقق اجتماعی، به مرجعی رسمی و قابل قبول در جامعه اسلامی نیازمند است تا چنین امری را گزارش دهد و عزل و نصب یاد شده را رسمیت بخشد و برابر قانون اساسی که منشور اکثریت جامعه است، تنها مرجع صلاحیت دار در این زمینه، «مجلس خبرگان رهبری» است.

براین اساس، مجلس خبرگان رهبری وظیفه دارد همواره شرایط و صلاحیت فقهای معاصر را بررسی کند و در صورت شایستگی «فقیهی» و ناتوانی «فقیه حاکم»، زوال شرایط رهبری را نسبت به فقیه قبلی و نیز اصلح بودن فقیه جدید را اعلام کند و زمینه های قانونی رسمیت یافتن این جای گزینی را فراهم آورد.(۱)

### چهار _ تهیه، تنظیم و بهینه سازی قوانین

چهار _ تهیه، تنظیم و بهینه سازی قوانین

با توجه به جایگاه حساس و ارجمند «مجلس خبرگان رهبری» به عنوان ضامن تداوم مشروعیت نظام اسلامی با در نظر داشتن ضرورت «استقلال نظری و عملی» این مجلس و تأثیر نپذیرفتن آن از دیگر حوزه های قدرت؛ تنظیم و تکمیل قوانین و ضوابط و آیین نامه های داخلی آن، به طور کامل تنها بر عهده اعضای مجلس خبرگان گذارده شده است. این مقررات برخلاف قوانین مصوّب مجلس شورای اسلامی که پیش از تأیید شورای نگهبان قابلیت



---

۱- ۶.نک: خبرگان رهبری، تازه های اندیشه، مؤسسه فرهنگی طه، صص ۲۳ تا ۲۵.

اجرا ندارد،[(۱)] بدون نیاز به تأیید هیچ مرجعی، بی درنگ، نافذ و قابل اجراست:

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین بار باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان، تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.[(۲)]

بنابراین، یکی دیگر از وظایف مهم «مجلس خبرگان رهبری»، بررسی و تنظیم و مناسب سازی قوانین، ضوابط و آیین نامه های داخلی خود برای پاسخ گویی به وظایف خطیری است که برعهده دارد.

## ب) ویژگی های ضروری خبرگان رهبری

### اشاره

ب) ویژگی های ضروری خبرگان رهبری

با توجه به ماهیت و پیچیدگی وظایف بسیار خطیر نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، انجام شایسته این وظایف از سوی اعضا، مستلزم برخورداری از دانش، ویژگی ها و توانایی های خاصی است که نبود آنها، صلاحیت خبرگان را در ایفای نقش نمایندگی مردم و انجام شایسته آن وظایف، با دشواری هایی روبه رو می سازد. در ادامه، ویژگی های اصلی نمایندگی مردم در مجلس خبرگان را بررسی خواهیم کرد:



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصل هفتاد و دوم، نود و سوم، نود و چهارم و نود و ششم.

۲- ۲.قانون اساسی، فصل هشتم، اصل یک صد و هشتم.

### یک ـ فقاهت و توان اجتهاد در دین

یک ـ فقاهت و توان اجتهاد در دین

شرایط رهبری در اصل پنجم قانون اساسی به صورت تلویحی و در اصل یک صدونهم، آشکارا آورده شده است. در میان این ویژگی ها، اجتهاد و صلاحیت لازم برای فتوا دادن در ابواب مختلف فقه، شرط اصلی است. به بیان روشن تر، از اصلی ترین ویژگی های رهبری، برخورداری وی از «اجتهاد مطلق» با پیچیدگی های تخصصی و فنی گوناگون است.

طبیعی است تنها کسی در تشخیص ملکه اجتهاد در فقیهان در مظان رهبری تواناست که خود از تخصص در این زمینه بهره مند باشد. هرچه تخصص و خبره بودن فرد تشخیص دهنده در موضوع تشخیص بیش تر باشد، نظر کارشناسی وی درست تر و اتکا به دیدگاه وی منطقی تر است. در مقابل، اگر فرد از تخصص لازم در زمینه مورد نظر بی بهره باشد، مراجعه به وی، یا تکیه به رأی او، وجاهت عقلی نخواهد داشت. این اصل در تمامی مسایل «علمی» و «اجرایی»، قاعده ای پذیرفته شده و اجتناب ناپذیر است. در امر تشخیص اجتهاد در رهبری نیز تنها کسی می تواند ملکه اجتهاد در رهبری را تشخیص دهد که از تخصص لازم در این زمینه که «اجتهاد متجّزی» است، برخوردار باشد. باید گفت بهره مندی خبرگان رهبری از اجتهاد مطلق، به یقین، فرآیند تشخیص را دقیق تر و اطمینان بخش تر خواهد ساخت.

### دو ـ توانایی ارزیابی تقوا و عدالت

دو ـ توانایی ارزیابی تقوا و عدالت

از دیگر شرایط اصلی رهبری امت اسلامی، «تقوا» و «عدالت» است

(۱) که تشخیص آن بر عهده خبرگان رهبری است، ولی به راستی، مفهوم و مصداق های عدالت و تقوا چیستند و شناسایی و ارزیابی چنین ویژگی هایی در دیگران چگونه امکان پذیر است؟

«عدل» به معنای دادکردن، داد دادن، نهادن هر چیزی به جای خود و دادگری است.(۲) عدالت نیز به معنای دادکردن، دادگری و انصاف داشتن آمده است.(۳) تقوا به معنای پرهیزکاری، ترس و اطاعت از خداست(۴) که به لحاظ فقهی همان پرهیز از گناهان کبیره و گناهان صغیره است.(۵)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب، تقوا را دارای دو جنبه اکتساب طاعات و اجتناب از محرمات دانسته است و هر یک را چنین توضیح می دهد:

تقوا را دو جهت است: اول اکتساب طاعات و امتثال اوامر الهی به این که سعی کند واجبی از او ترک نشود (واجب عبارت است از امری که در انجام ندادنش، خشم پروردگار عالم است) و در مرتبه دوم سعی کند مستحبات را تا آن جا که بتواند ترک نکند (مستحب عملی است که در به جا آوردنش ثواب



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، فصل هشتم، اصل پنجم، فصل اول و یک صد و نهم.

۲- ۲.فرهنگ معین، ج دوم، انتشارات امیرکبیر، چ چهارم، ۱۳۶۰، ص ۲۲۸۲.

۳- ۳.همان، ج ۲، ص ۲۲۷۹.

۴- ۴.همان، ج ۱، ص ۱۱۲۲.

۵- ۵.تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاه، انتشاراتی آداب، نجف اشرف، ص ۲۷۴.

است، ولی در ترکش عقاب نیست).

جهت دوم تقوا، اجتناب از محرمات و ترک نواهی پروردگار است. به این که در چیزهایی که به جا آوردنش موجب خشم و سخط او است، خودداری نماید (حرام عملی است که در انجام دادنش عقوبت است) و در مرتبه دوم، سعی کند مکروهات را نیز ترک نماید. (مکروه کاری است که انجام ندادنش بهتر و ترک آن مطلوب شارع مقدس است، ولی در فعل آن عقاب نیست).(۱)

اکنون پرسش این است که آیا درک و ارزیابی عدالت و تقوا برای همگان ممکن است یا نیازمند «تخصص» ویژه ای است؟

در نگاه نخست، تشخیص تقوا و عدالت در سطح مفاهیم اولیه، امری ساده و غیر تخصصی به نظر می رسد؛ یعنی بیش تر افراد تقوا و عدالت را درک می کنند و مصداق های آن را نیز به خوبی تشخیص می دهند. این احتمال در بسیاری از امور ساده که موضع شرع در قبال آن برای جامعه اسلامی روشن است، معقول و پذیرفتنی است، ولی دست کم در برخی موارد دیگر، شناخت و قضاوت صحیح و دقیق مستلزم دست یابی به اندک تخصصی در اسلام شناسی است. البته آن گاه که مفهوم و مصادیق عدالت و تقوا در سطح بالایی مانند: بررسی صلاحیت یا عملکرد رهبری نظام اسلامی و قضاوت در زمینه سیاست گذاری، تنظیم و اجرا در بخش های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تحت اشراف رهبر و نیز مواضع کلان نظام در معادله های منطقه ای و بین



---

۱- ۶.سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۳.

المللی، به بررسی گذارده شوند، تشخیص عدالت و تقوا جز با تکیه بر اسلام شناسی ژرف و درک عمیق و دقیق آموزه های شرع مقدس امکان پذیر نخواهد بود. بدون تردید، چنین شناخت دقیق و عمیقی از اسلام حاصل بهره گیری از معرفتی است که از «تفقه» ژرف در آموزه های متعالی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و آشنایی با اصول و ساز و کارهای اجتهاد و فقاهت سنتی برخاسته است. در غیر این صورت، داوری در امور پیچیده نه تنها کارگشا نیست، بلکه به طور اجتناب ناپذیری، به مسخ اهداف و زیر بنای «دین» در مقابل ظواهر و روبناهای آن می انجامد.

## سه ـ توانایی ارزیابی مدیریت

### اشاره

سه ـ توانایی ارزیابی مدیریت

از آن جا که مدیریت از ویژگی های بایسته برای رهبری هر نظامی است، نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری نیز برای آن که امکان شناخت و قضاوت عملی و منطقی درباره توان «مدیریت و تدبیر» رهبری یا افرادی را که در مظان این امر هستند، پیدا کنند، خود، باید دست کم با سطوحی از «مدیریت اجتماعی» آشنا باشند.

اکنون باید روشن شود که مدیریت و تدبیر اجتماعی چیست که به عنوان یکی از شرایط اصلی رهبری نظام اسلامی، اهمیت یافته است؛ آیا تسلط بر دانش مدیریت مصطلح می تواند نیاز نظام اسلامی را برطرف کند و معیار توفیق رهبری در مدیریت و تدبیرامور اجتماعی باشد؟

### اول ـ تبیین مفهوم مدیریت

اول ـ تبیین مفهوم مدیریت

به نظر هنری فایول، مدیریت، علم و هنر سامان دهی و هماهنگی و رهبری و کنترل فعالیت های گروهی است که برای رسیدن به هدف یا هدف های مشترک

ص: ۸۵

انجام می گردد.(۱) دیکشنری امریکایی Heritage، مدیریت کردن(۲) را از نظر وظایف، با مؤلفه های زیر تعریف کرده است:(۳)

۱. هدایت و کنترل کردن؛

۲. اعمال کنترل کردن؛ ب) تحت قدرت نظم و دیدگاه های کسی در آوردن؛

۳. هدایت سلیقه ها و علایق؛

۴. موفقیت در دست یابی به چیزی با سختی و دشواری؛

۵. هدایت کردن به منظور انجام اهداف تجاری.

تعریف مدیریت از نظر هدف نیز امکان پذیر است: «مدیریت اسلامی، مدیریتی است که زمینه رشد انسان را به سوی الله (الی الله المصیر) فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند».(۴)



---

۱- مدیریت در روابط انسانی، نشریه شماره ۱۷، وزارت تعاون و امور روستاها.

۲- ۲.Manage.

۳- مدیریت در روابط انسانی، ص ۵۴ برگرفته از: American Heritage Dictionery, p. ۱۹۴.

۴- ۴.همان، شماره ۵۰، ص ۵۷.

استاد شهید مرتضی مطهری مدیریت را به لحاظ اثر چنین تعریف کرده است:

مدیریت و رهبری انسان ها عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها.(۱)

با نگاهی دقیق تر می توان مدیریت را این گونه تعریف کرد: فن سامان دهی و کاربست نیروی انسانی، اطلاعات و امکانات مختلف، با هدف به حداکثر رساندن بهره وری در جهت خاص، به گونه ای که از کم ترین امکانات در دسترس (نیروی انسانی، اطلاعات و امکانات)، در فرآیندی معقول، بیش ترین بهره برداری در رسیدن به مطلوب فراهم گردد. توجه به «جهت داری» و نیز «مطلوبیت»، مدیریت را با توجه به گوناگونی اهداف و نگرش های کلان در نظام های مختلف اجتماعی، سمت و سو و کار کردی ویژه می بخشد.

از همین رو، در کنار نقاط مشترکی که علوم و فنون مربوط به مدیریت بشری در جوامع گوناگون دارند، باورها، نگرش ها و روش های ویژه ای نیز هستند که متناسب با بستر فرهنگی ـ اجتماعی جوامع گوناگون، موجب تفکیك دانش و مدیریت در هریك از جوامع می شود.

## دوم ـ تاریخچه دانش مدیریت

دوم ـ تاریخچه دانش مدیریت

دانش مدیریت متداول که اکنون تقریبا در تمام جهان رایج شده است، به انقلاب صنعتی غرب و به ویژه انگلستان در سال های پایانی قرن نوزدهم



---

۱- ۵.مرتضی مطهری، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵.

میلادی(۱) و نیز دهه های نخست قرن بیستم در امریکای شمالی باز می گردد؛ جایی که فردریک تایلور(۲) برای نخستین بار، سیستم مدیریت علمی نوین را در بستر زمینه های فلسفی و اجتماعی برآمده از مدرنیسم غربی(۳) بنیان نهاد.(۴) سپس بر اثر نیاز صاحبان صنایع و مهندسان فنی به اداره روابط انسانی و امور فیزیکی سازمان های اجتماعی و همکاری و هم فکری دانشمندان بسیاری در انگلستان، ایالات متحده، فرانسه و...، نیمه دوم قرن بیستم شاهد اوج گیری و تأثیر گذاری مدیریت علمی بر اوضاع جهانی و سرانجام، شکل گیری مدیریت به عنوان رشته ای مهم، گسترده و تأثیرگذار بود.(۵) به دلیل همین گستردگی است که به سبب تفاوت نگرش و تعدد حوزه های مربوط، تعریف های گوناگونی درباره



---

۱- ۱.ایران نژاد، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، صص ۳ _ ۳۴. البته برخی مانند: نیل پستمن، با نفی ظهور مدیریت در انگلستان، مقتقدند نظام مدیریت نخستین بار در ایالات متحده امریکا ایجاد شد. نک: نیل پستمن، تکنوپولی، صص ۷۳ _ ۸۰.

۲- ۲.Frederich w. Taylor.

۳- ۳.ویژگی اصلی این دوران، انصراف بشر از مبدأ هستی و رویکرد به اومانیسم یا خودمداری است. در این مورد نک: کلیاتی در باب اسلام و مدرنیسم، سروش اندیشه، ش ۴ _ ۱۳، صص ۲۴۴ _ ۳۶۰.

۴- ۴.نیل پستمن، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه: صادق طباطبایی، انتشارات سروش، ص ۷۴.

۵- ۵.منوچهر کیا، تئوری ها، مدیریت و مدل های سازمانی، صص ۱۹۷.

آن آورده شده است.(۱) حال که اندکی با پیشینه مدیریت علمی آشنا شدیم، می توان پرسید: آیا این مدیریت علمی که دانش آموختگان آن در سطح گسترده ای عهده دار منصب های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی گردیده اند، می تواند نیاز نظام اسلامی را برطرف کند و ملاکی برای تشخیص «صلاحیت رهبری نظام جمهوری اسلامی» باشد؟ برای پاسخ به این پرسش، توجه به مقدمات زیر ضروری است:

## سوم _ درنگی بر رابطه مدیریت رایج با جریان مدرنیته غربی

سوم _ درنگی بر رابطه مدیریت رایج با جریان مدرنیته غربی

بر اثر گسترش ارتباطات، در طول ربع آخر قرن بیستم، جهان با انفجار اطلاعات رو به رو گشت و تقریبا در هر زمینه ای، موج اطلاعات دقیق و به هنگام در اختیار انسان ها قرارگرفت. دسترسی به این حجم از اطلاعات که بشر برای اولین بار آن را تجربه می کرد، برخلاف تصور عمومی، به آگاه شدن انسان ها نینجامید. دلیل آن نیز پیش از آن که به خسّت صاحبان تکنولوژی ارتباطات مدرن یا اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها باز گردد، به نفس پیدایش علم برمی گردد. انبوه اطلاعات پراکنده اطراف ما تنها در قالب چارچوب های ذهنی، مدل ها و شاخصه هایی تفسیرپذیر شده، انسجام و کارآیی می یابند. در مقام مثال، اطلاعات فراوان را می توان مانند گستره نامتناهی از مفاهیم متکثر، پراکنده، متعدد و نامنظمی دانست که تا پیش از دسترسی به



---

۱ـ ۶.نک: فردوس قماشچی، بررسی تطبیقی مبانی مدیریت، مقایسه ای بین مدیریت الحادی و الهی، گروه مدیریت تحقیقات علوم پزشکی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷، صص ۵۳ _ ۷۷.

نظریه ای کلان که با هویت بخشی به هر یک، جایگاه و ارزش آنها و نیز تکلیف ما را در رابطه با آنها معین سازد، تقریبا به لحاظ علمی و کاربردی، بود و نبودشان برای ما یکسان است. البته طبیعی است که هیچ یک از ما اکنون در این زمینه احساس کمبود نکنیم؛ زیرا به ظاهر، اطلاعات مختلفی که به ما معرفی می شوند، هر یک جایگاهی فراخور خود می یابند و رویکرد ما نیز در قبال هریک مشخص است. این همه، نه به دلیل بی نیازی بشر از چارچوب ذهنی یا مدل های عالی «برای سامان و تفسیر اطلاعات» است، بلکه به دلیل پذیرش شاخصه های غربی است که به ذهنیت شرقی _ اسلامی ما راه یافته و توانسته است به شکل نظریه های کلان و علمی، پذیرفته شود و فرآیند «تولید و جمع آوری»، «پردازش و تفسیر» و هم چنین «کاربرد» اطلاعات و علوم مختلف را در جوامع شرقی و اسلامی، به شکلی خاص سامان دهد. شاخصه و مدل های عالی «مدیریت رایج»، در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اوج غفلت غربیان از حقایق معنوی و سیطره کامل مدرنیته و جهان بینی مادی و هماهنگ با اومانیسم و اصالت لذّت شکل گرفت.(۱) در این دوران، آشکارا «مرگ خدا» اعلام می گشت(۲) و پای بندی به آموزه های دینی، به سخره گرفته می شد

ص: ۹۰

---

۱- ۱.نک: تکنوپولی، صص ۷۰ _ ۸۰.

۲- ۲.همان، ص ۷۹؛ نقد تفکر فلسفی غرب، صص ۲۴۲ _ ۲۴۸.

.(۱) «الهیات مسیحی» نیز به گوشه عزلت انسان ها عقب نشست و جای خود را به «الهیات سرمایه، صنعت و لذت» داد.

در عهد جدید، پوزیتویسم، سکه رایج شد که امور غیر تجربی و مشاهده ناشدنی را غیر واقعی می دانست.(۲) رابطه قدسی انسان با خدا و اساسا هرچه غیر مادی و نامحسوس است، نفی گردید و اصول و ارزش های فلسفی، اعتباری، منطقی و اخلاقی، تحت تأثیر نسبیت گرایی و پی آمدهای حاصل از تاریخی گرایی(۳) و اعتقاد به تکامل تاریخی،(۴) فرو ریخت.(۵)

در چنین فضایی که سرمایه داری و سیطره طاغوتی بر دیگران، هدف اصلی بود، دانش مدیریت به عنوان ابزاری برای به حداکثر رساندن سودجویی انسان مدرن از همه چیز و همه کس(۶) و با بی اعتنایی کامل به ارزش های اخلاقی و



---

۱- ۳.تکنوپولی، ص ۷۰.

۲- ۴.همان، ص ۷۵.

۳- ۵.Historism.

۴- ۶.۳۱۸ Progressism Encyclopedio Britanica,social Sciences,P.

۵- ۷.نک: دایره المعارف بریتانیکا، ص ۳۷؛ طرح مقابله با فقر، فساد و تبعیض با رویکرد به نقش محوری صدا و سیما، ج ۱، صص ۶ _ ۸ . مؤسسه تحقیقات فرهنگ مفید، قم، ۱۳۸۲.

۶- ۸.داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب،ص ۴۰.

معنوی، شکل گرفت.(۱)

بنـابراین، چون مـدیریت متـداول، بر دیـدگاه هـا، ویژگی ها و پارادیم های ناسازگار با معارف اسـلامی مبتنی است _ هر چند عنوان علمی نیز یافته باشد _ عنصـری نامطمئن و نیازمند اصـلاح است. آن چه امروزه به عنوان «دانش مدیریت» رواج دارد، تا حـدود زیـادی با مـدرنیسم غربی آمیزش یافته است و قابليّت هم خوانی با «جامعه اسـلامی» ما را نـدارد. به همین دلیل، اگرچه مدیریت متداول، به دلیل دسترسی نداشـتن به «دانش مدیریت اسـلامی»، به ناگزیر، در مسایل اجتماعی، مورد استفاده قرار می گیرد، ولی هرگز نمی تواند و نباید پایگاه داوری در مورد تشخیص مدیریت یا نظارت بر رهبری نظام اسلامی دانسته شود.

چنانچه موضع گیری ها و واکنش های پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین علی علیه السـلام بـا قوانین و قواعـد دانش مـدیریت موجود تطبیق داده شود، تفـاوت هـا و تضادهـای آنهـا آشـکارتر می شود. هرچند مشترکاتی نیز دارند.

داوری از پایگـاه دانش مـدیریت در مورد توان مـدیریت رهبری اسـلامی یـا فقهای در مظّان این امر، آن گاه شایسـته و منطقی است که این دانش از اصول، مبـانی و مفاهیم اسـلام شـکل گرفته و ملاک و معیار و ارزیابی باشـد. به همین دلیل، انجام دقیق این رسالت به وسیله اعضای مجلس خبرگان رهبری در گرو



---

۱- ۹.نک: تکنوپولی، ص ۷۵.

امکان شناخت کافی و استنباط علمی و ضابطه مند از منابع اصیل اسلامی است؛ امری که جز با قدرت اجتهاد مطلق یا دست کم، اجتهاد متجزی، امکان پذیر نخواهد بود.

این سخن بدین معناست که در منابع اسلامی، موادی وجود دارد که می توان بر اساس آنها دانش مدیریت اسلامی را پی ریخت. استنباط و کشف همه قواعد یک علم و ساخت یک نظام علمی منسجم، به زمان، امکانات، روش علمی مناسب، تلاش و دقت وسیع نیاز دارد که متأسفانه تا کنون فراهم نشده است. از طرف دیگر، مکتوم ماندن این احکام و قوانین، دلیل کنار گذاشتن آنها یا در دسترس نبودنشان نیست. کسی که قدرت اجتهاد داشته باشد، می تواند متناسب با موضوع خاص (هرچند به زحمت)، حکم یا مذاق شرع را در آن مورد به دست آورد.

### چهار ـ اشراف بر مسایل سیاسی و اجتماعی

چهار ـ اشراف بر مسایل سیاسی و اجتماعی

بنابر شرایط عام رهبری امت اسلامی و نیز تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی، یکی از شرایط ضروری برای رهبری نظام، برخورداری از «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی» است.(۱) جالب این که در صورت تعدد واجدان شرایط رهبری، در کنار توان بیش تر در بینش فقهی، قدرت در بینش سیاسی از شرایط انتخاب رهبری از سوی خبرگان شناخته شده است.(۲)



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصل یک صد و نهم، فصل هشتم.

۲- ۲.نک: قوانین و ضوابط مجلس خبرگان رهبری در زمینه تعیین رهبری.

براین اساس، طبیعی است که تا نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، خود، با مسایل سیاسی ـ اجتماعی آشنایی کافی نداشته باشند، نمی توانند وجود «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی» را در فقهای در مظان رهبری تشخیص دهند یا درباره میزان بهره مندی افراد مختلف و برتری یکی بر دیگری داوری کنند. بنابراین، یکی دیگر از ویژگی های لازم نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، برخورداری از بینش سیاسی و اجتماعی است. به طور طبیعی، هر اندازه این بینش بیش تر و قوی تر باشد، نظر آنان در این زمینه از اعتبار عقلی و شرعی بیش تری برخوردار خواهد بود.

البته در علوم سیاسی و اجتماعی همان مطالبی که درباره دانش مدیریت گفته شد، قابل تکرار است. بنابراین مبانی این علوم نیز با معارف اسلامی تعارض دارد. هم چنین در منابع اسلامی، موادی وجود دارد که می توان بر آن اساس علوم سیاسی و اجتماعی اسلامی را پی ریزی کرد. در این زمینه نیز متأسفانه تا کنون گام های کامل و مستحکمی برداشته نشده و ساختار این علوم به طور نظام مند تدوین نشده است. در این مورد با وجود قوه استنباط می توان در موضوع ها و مصداق های خاصی، احکام و ارزش های اسلامی را هرچند به صورت اجمالی به دست آورد که طبعا با موارد مشابه که مبتنی بر اندیشه های غیر الهی است، متفاوت خواهد بود.

### ۲. امکان وجود غیرمجتهدان در مجلس خبرگان

۲. امکان وجود غیرمجتهدان در مجلس خبرگان

شبهه دیگری که در زمینه مجلس خبرگان مطرح می شود این است که

ص: ۹۴

گفته انـد می توان بـا حفـظ سـهمی مشـخص از اعضـای مجلس خبرگـان رهبری برای فقیهـان و مجتهـدان، درصـدی را هم به کارشـناسان مرتبط با دیگر علوم و تخصـص های مرتبط با وظایف این مجلس اختصاص داد. تا در کنار فقها، کارشـناسانی در زمینه مـدیریت، سـیاست، اقتصـاد و... نیز بـا بهره گیری از دانش و تجربه خـود، توان و کـارآیی تشخیصـی و نظـارتی «مجلس خبرگان رهبری» را ارتقا دهند.(۱)

این دیـدگاه، افزون بر بطلان ذاتی اش که به دلیـل ناکارآمـدی غیر مجتهـدان در انجـام اصـلی ترین وظایف محول به مجلس خبرگان بدان دچار است، در اجرا نیز با دشواری های بسـیاری روبه روست که تحقق آن را تقریبا ناممکن می سازد. در ادامه، به مطالبی در این زمینه اشاره می کنیم:

۱. چنـان که گفته شـد، بهره گیری از تخصـص هـای موجود دانشـگاهی در حوزه علوم انسـانی، بر الگوهـا و پیش فرض هایی مبتنی است که کاربرد آن را به ویژه در ارزیابی و نظارت بر عالی ترین منصب نظام اسـلامی، با تردیـدهای جـدی روبه رو می سازد. ازاین رو، با وجود شایسـتگی های فردی بسـیاری از دانش آموختگان مـدیریت و اذعان به کارآمدی آنها در حوزه های گوناگون اداره کشور، شایسـته است که قضاوت، ارزیابی و نظارت بر «رهبری نظام اسـلامی» از دخالت عنصر «مدیریت غربی» در امان بماند.

ص: ۹۵

---

۱- ۱.نک: محسن کدیور، «دغدغه های حکومت دینی»، ص ۷۷۶.

به بیان دقیق تر، کاربرد دیدگاه هایی که در خاستگاه و مبانی، با آموزه های اسلامی ناسازگارند، آن هم در زمینه یکی از مهم ترین منصب های نظام اسلامی، وجاهت عقلی و شرعی نخواهد داشت و ورود به این عرصه، مستلزم شناخت ضابطه مند منابع اسلامی است.

۲. حتی اگر تمامی اشکال های یاد شده را نادیده بگیریم و بپذیریم که کارشناسانی از مدیریت و دیگر رشته ها به مجلس خبرگان رهبری راه یابند، در انجام وظایف نمایندگی مجلس خبرگان، یا آرای «کارشناسان دیگر رشته ها» با «فقها» یکسان است که در این صورت، ورود آنها تحوّل مثبتی در پی نداشته است یا دیدگاه تخصصی آنها مخالف نظر فقها است که در این صورت نیز پافشاری هر گروه بر دیدگاه های علمی خویش، روند فعالیت های مجلس خبرگان را مختل می کند و کارآیی آن را کاهش می دهد. به بیان روشن تر، اگر هر گروه از کارشناسان عضو مجلس خبرگان رهبری، از منظر پایگاه تخصصی خود درباره ویژگی های رهبری اعلام نظر کنند، جمع میان این دیدگاه ها بسیار دشوار و در مواردی ناممکن خواهد بود و چنین وضعی با وجود پراکندگی آرا با دامن زدن به اختلاف های فزاینده، انجام رسالت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری را مختل می کند. بنابراین، شایسته تر آن است که تمامی نمایندگان این مجلس در تشخیص «مجموعه ویژگی های رهبری»، توانا باشند و لازمه منطقی چنین توانایی در اعضای مجلس خبرگان آن است که همگی، هرچند نه در حدّی بالا، جامع چنین صفاتی باشند.

آیت الله مصباح یزدی با دسته بندی اصلی ترین شرایط رهبری به «فقاهت»، «عدالت»، «مدیریت» و تأکید بر محوریت فقاهت نسبت به شرایط دیگر، درباره

«راه یابی متخصصان مدیریت و دیگر رشته ها به مجلس خبرگان رهبری» می فرماید:

حد نصاب هر یک از این سه شرط (فقاهت، عدالت و مدیریت) را رهبر حتما باید داشته باشد و (باید دید) آن کسانی که واجد شرایط هستند، مجموعا کدام افضل از دیگران است. هم از نظر فقاهت، هم از نظر تقوا و عدالت و هم از نظر مدیریت، جامع این سه عامل در کدام یک بیش تر است. خبرگان باید این را تعیین بکنند.

اگر فقها و خبرگان (به فرض) چون صلاحیت تشخیص مسایل سیاسی را ندارند، یک فقیهی را تعیین بکنند که از نظر سیاست، حد نصاب لازم سیاست را ندارد و بگویند آقای (الف) را ما انتخاب می کنیم به خاطر این که فقاهتش بیش تر از دیگران است. گروه دیگر از سیاست مداران خبرگان بگویند ما آقای (ب) را انتخاب می کنیم؛ چون سیاستش از دیگران بهتر است. دسته سوم هم بگویند ما آقای (ج) را انتخاب می کنیم؛ چون تقوایش از دیگران بیش تر است، چه نتیجه ای خواهد داد؟ سه (نفر) رهبر خواهیم داشت که یکی فقاهت بیش تر دارد، یکی تقوای بیش تر و یکی مدیریت بهتر. یا باید یکی از اینان را ترجیح بدهیم و فقیهی انتخاب شود بی سیاست و بی تقوا _ العیاذ بالله _ یا عکس این ها. پس ما نمی توانیم سه دسته خبره داشته باشیم (که) سه جور خبره، هر کدام، یک نفر را متناسب با رشته خودشان انتخاب کنند، بلکه خود این خبرگان باید مرتبه ای از هر سه شرط را داشته باشند؛ یعنی حد نصابی از فقاهت، آگاهی به مسایل اجتماعی و تقوا باید در خبرگان باشد و چه بسا آنان در میان خودشان باید یکی را انتخاب کنند. پس آن شرطی که حد اعلایش در رهبر است، باید مرتبه نازل ترش در خبرگان باشد. آنان که مجلس خبرگان را تشکیل می دهند و رهبر را انتخاب می کنند، باید هم فقیه باشند و هم عادل و هم (با) سیاست و اداره جامعه (آشنا باشند). بنابراین، کسانی که سیاست دارند، اما فقیه نیستند؛ مثل کسانی هستند که صرفا فقیهند، ولی از سیاست چیزی سر در نمی آورند یا

اصلاً تقوا ندارند. اینان نمی توانند در تعیین رهبر نقشی داشته باشند.(۱)

بنابراین، افزون بر صراحت قانون بر ضرورت «شرط اجتهاد» برای اعضای مجلس خبرگان، به لحاظ نظری و عملی، حضور کارشناسان دیگر رشته ها را، با دشواری ها و نارسایی ها و ناهماهنگی های بسیاری روبه رو می کند.

## نتیجه

نتیجه

بحث هایی که تاکنون مطرح شد، این حقیقت را روشن کرد که از پنج ویژگی لازم و ضروری برای نمایندگان منتخب مردم در «مجلس خبرگان رهبری»، جز یک مورد، همگی مستلزم دانش و توان اجتهاد، و فقاهت در دین و علوم اسلامی است.

به بیان روشن تر، فقاهت و قدرت اجتهاد، توانایی ارزیابی تقوا و عدالت، شناخت و ارزیابی تدبیر و مدیریت و تشخیص تحولات مثبت علمی در فقهای معاصر و مقایسه آنها با رهبری، نیازمند بهره مندی خبرگان از دانش و توان اجتهاد و فقاهت است. نیز روشن شد که بینش و اشراف بر مسایل سیاسی _ اجتماعی، ضروری است که با مطالعات نظری و تجربه های عملی، حاصل می شود و البته با توان فقاهت و اجتهاد در خبرگان برابر نیست. توانایی های لازم برای اعضای مجلس خبرگان، مستقیم یا غیر مستقیم، متوقف بر «اسلام شناسی» عمیق

ص: ۹۸

---

۱- ۲.محمدتقی مصباح یزدی، مجله ارم، شماره ۳، ص ۱۲۴.

و اصولی برخاسته از اجتهاد مطلق یا دست کم، اجتهاد متجزی است. به بیان دیگر، اگر صلاحیت اعضای «مجلس خبرگان رهبری» بر اصل «شایستگی در انجام وظایف نمایندگی» استوار گردد، بی تردید، لازمه نمایندگی مردم در این منصب، برخورداری از «اجتهاد» به عنوان شرط اصلی است و در صورت نبود چنین توانی در هر یک از اعضا، افزون بر تضعیف عملکردها و فعالیت های دیگر اعضا، وجاهت شرعی و اتقان نظری مصوبه های نمایندگان «مجلس خبرگان رهبری» نیز مخدوش می گردد.

ص: ۹۹

## فصل سوم: نظارت بر رهبری

### اشاره

فصل سوم: نظارت بر رهبری

زیر فصل ها

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

نتیجه گیری

### تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

#### اشاره

تبیین شبهه و معرفی مصداق های آن

پس از بررسی شبهه های مطرح درباره شکل انتخاب رهبری از سوی مجلس خبرگان و شبهه های مطرح در زمینه ویژگی ها و ترکیب اعضای مجلس خبرگان، اکنون به شبهه های مطرح درباره «نظارت بر رهبری» یا «عملکرد نظارتی مجلس خبرگان» خواهیم پرداخت.

منتقدان محترم در این زمینه، با دو رویکرد، از عملکرد نظارتی مجلس خبرگان انتقاد کرده اند. اینان، نخست، به دلیل اطلاع رسانی ضعیف مجلس خبرگان از فعالیت های خود، منکر وجود هرگونه «نظارت بر رهبری» از سوی مجلس خبرگان بودند:

مجلس خبرگان، چه در زمان امام و چه در زمان رهبری آیت اللّه خامنه ای، به منظور انجام وظیفه نظارتی «خبرگان» بر «رهبری»، تاکنون فعالیت و تلاشی نکرده است. حالا به دلیل رو دربایستی یا به دلیل این که امام و آیت اللّه خامنه ای را بی بحث دیده اند، در این زمینه وارد نشدند... و یا اگر هم نقصی بود، رودربایستی کردند و خرد نشدند.(۱)

الان دو دوره از خبرگان می گذرد. امّا بیلان کار آقایان در زمینه نظارت بر رهبری مشخص نیست. چرا آقایان گزارش عملکرد خود را در اختیار شهروندان نمی گذارند و نمی گویند مثلاً در چه مواردی به رهبر تذکر داده اند؛

ص: ۱۰۰

---

۱- عبایی خراسانی، هفته نامه آبان، شماره ۳۱.

در چه زمینه هایی ایراد گرفته اند؛ نتیجه ایرادات و تذکرات آنها چه بوده است.(۱)

پس از موج روشنگری افکار عمومی از سوی اعضای محترم مجلس خبرگان، دبیرخانه و به ویژه تلاش های مجله گران سنگ «حکومت اسلامی» نسبت به وجود «نظارت بر رهبری»، در حالی که از زمینه های اجتماعی تشکیک به اصل وجود نظارت بر رهبری، تا حدود زیادی کاسته شده بود، اینان رویه نخست را ترک کرده و در رویکردی جدید،(۲) انتقاد از ضعف و نارسایی در «نظارت بر رهبری» از سوی مجلس خبرگان را در دستور کار قرار دادند.

تحت تأثیر این فضا، بیش ترین تمرکز منتقدان محترم در حوزه نظارت بر رهبری، به ادعای وجود ضعف و نارسایی در «عملکرد نظارتی مجلس خبرگان» بر «رهبری» یا ضعف ساز و کارهای معمول در این مجلس برای نظارت بر رهبری معطوف گردید.

مجلس خبرگان در نظارت بر عملکرد رهبری اعم از موضع گیری و



---

۱- ۲.عبدالله نوری، راه نو، شماره ۲۱.

۲- ۳.این که گفته شد منتقدان پس از روشنگری افکار عمومی نسبت به وجود «نظارت بر رهبری» رویکرد اول را ترک کرده و متوجه رویکرد دوم شدند، تنها بیان رویه رایج میان منتقدان منصف است؛ وگرنه هستند کسانی که با وجود شواهد و ادله انکارناپذیر، هنوز بر نبود نظارت بر رهبری پای می فشرند. برای نمونه، نک: روزنامه نوروز، ۲۱/۱۲/۱۳۸۰ و سخنان محسن کدیور.

انتصاب ها... ضعیف برخورد کرده است.(۱) مجلس خبرگان در نظارت بر عملکرد رهبری براساس قانون اساسی، فعال برخورد نکرده و وظایف خود را انجام نداده است.(۲)

ایجاد یک دستگاه عریض و طویل نظارت بر رهبری، متشکل از کمیسیون های مختلف تخصصی در زمینه های مختلف ضرورت دارد.(۳)

در پاسخ به این شبهه ها، با ارایه پاسخی در خور برای هر دو رویکرد، نگاهمان را به بررسی رویکرد دوم متمرکز خواهیم کرد. با توجه به حساسیت ساختار بخش سیاسی ــ اجتماعی و نیز ظرافت های مسئله «نظارت بر رهبری»، پیش از پرداختن به شبهه ها، نخست «خاستگاه و مبانی نظری نظارت بر رهبری» و سپس «اصول و ویژگی های بایسته نظارت بر رهبری» را بررسی می کنیم و سپس «عملکرد نظارتی مجلس خبرگان» را به بحث می گذاریم. در پایان نیز درستی یا نادرستی شبهه های مطرح در این حوزه را داوری خواهیم کرد.



---

۱- ۴.موسوی تبریزی، هفته نامه آبان، شماره ۲۵.

۲- ۵.علی پور، راه نو، شماره ۲۵.

۳- ۶.محسن کدیور، هفته نامه آبان، ۱۳۷۷.

## ۱. مبانی نظارت بر رهبری در نظام اسلامی

### اشاره

۱. مبانی نظارت بر رهبری در نظام اسلامی

مسئله نظارت بر «نظام حاکم» و به ویژه «نظارت بر عالی ترین» مقام مسئول در اداره کشورها، از مهم ترین مسایل مورد بحث در فلسفه سیاسی و حقوق اساسی است که از دیرباز مورد اقبال صاحب نظران و علاقه مندان به مباحث سیاسی و اجتماعی بوده است.

بدون آن که بخواهیم رابطه جبری میان قدرت و فساد را به صورت کامل بپذیریم، از منظر آموزه های سیاسی و نیز تجربه های گران سنگ تاریخی، «نظارت پذیری قدرت حاکم» به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر مهار قدرت سیاسی و جلوگیری از ستم فرادستان به فرودستان شمرده می شود؛ همان گونه که در صورت نبود «مکانیزم های مؤثر نظارت بر قدرت»، تضمینی منطقی برای منحرف نشدن «قدرت حاکم» از مسیر اصلی برای رسیدن به مقاصد شخصی وجود ندارد.

اکنون پرسش این است که اساسا آیا «ولایت و امامت امت» در زمان غیبت معصوم علیه السلام با توجه به ویژگی های ممتازش، نهادی «نظارت پذیر» است یا این که از هرگونه «ارزیابی و کنترل» بی نیاز است؟

پاسخ گویی به این پرسش، به ویژه با توجه به گستره، «اختیارات ولی فقیه»، اهمیتی دو چندان و حیاتی می یابد که این جا پی می گیریم:

### الف) نظارت بر رهبری در اسلام

الف) نظارت بر رهبری در اسلام

پیش تر با تأکید بر منزلت والای «ولی فقیه» به عنوان «ولایت و امامت امت اسلامی» گفته شد که پایگاه مشروعیت نظام اسلامی در دوران غیبت حضرت

ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف ، اذن خداوند متعال[(۱)] و ائمه اطهار علیهم السلام[(۲)] و به ویژه نصب عام امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است.[(۳)] ازاین رو، عظمت و کرامت جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی افقی فراتر از تصور عادی دارد. با این همه، چون ملاک تعیین رهبری، برخورداری از بالاترین شایستگی ها و احراز کمال ویژگی های تعیین شده در ادله شرعی[(۴)] ــ و نیز قانون اساسی ــ است، به طور طبیعی، احراز چنین ویژگی هایی در برهه زمانی خاصی در فردی مشخص، به معنای استقرار دایمی منصب ولایت و امامت برای وی نیست؛ زیرا ولی فقیه با همه جلالت و منزلتش، معصوم نیست و درباره هر فرد غیر معصومی، امکان خطا و از کف دادن «ویژگی های شخصیتی»، امری محتمل است و هیچ دلیل قانع کننده ای برای خارج کردن «ولی فقیه» از این قاعده کلی نیست. به ویژه آن که گستره



---

۱ - ۱.«ولایت فقیه، یک چیزی نیست که مجلس خبرگان آن را درست کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول اللّه است». صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۷.

۲ - ۲.امام خمینی: «پس... ولایت برای فقیهان از سوی امامان علیهم السلام ثابت است؛ در هر آن چه که خود آنان ولایت دارند بر مردم». صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶.

۳ - ۳.«در عصر غیبت، نواب عام حضرت در اجرای سیاسیات و دیگر امور مربوط به امام به جز جهاد ابتدایی، جانشین آن حضرت می باشند». تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۲.

۴ - ۴.نک: سید کاظم حایری، «شرط اعلمیت در رهبری» تنظیم: سید مفید الدین حسینی، مجله حکومت اسلامی، ش ۸ ، ص ۱۷۱.

وسیع اختیارات حکومتی که گونه ای از تمرکز قدرت را برای وی فراهم می سازد، احتمال آسیب و انحراف را افزون تر می کند؛ زیرا تکیه بر اریکه قدرت، به صورت طبیعی، احتمال غفلت انسان از خداوند و خود محوری را در پی دارد. قرآن در این باره می فرماید:

بی گمان انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد. (علق: ۶ و ۷)

امام علی نیز فرموده است: آن که به نوایی رسید، خود را از دیگران برتر دید.(۱) هرکه فرمانروایی یابد، خودرأی می شود.(۲)

این سرنوشت تمامی افراد، اقوام یا تمدن هایی است که با دست یابی به قدرت، از خداوند غافل می شوند و به جای شکر نعمت، حقوق مادی و معنوی دیگران را در مقابل خواهش های نفسانی خود نادیده می گیرند. نمونه های بسیاری هم چون قوم نوح و ثمود و به ویژه سرکشی «فرعون و اطرافیانش» که سرمست از باده قدرت، به ستم بر بندگان خدا و اولیای الهی پرداخته اند، در قرآن آمده است.(۳)

بنابراین، ولی فقیه منتخب مجلس خبرگان نیز با وجود برخورداری از



---

۱- ۵.نهج البلاغه، شهیدی، حکمت ۱۶۰، ص ۳۹۱؛ فیض الاسلام، ص ۱۱۶۵؛ صبحی صالح، ص ۵۰۰.
۲- ۶.نهج البلاغه، شهیدی، حکمت ۲۱۶، ص ۳۹۷؛ فیض الاسلام، ص ۱۱۸۳؛ صبحی صالح، ص ۵۰۷؛ احمد خاتمی، فرهنگ نامه موضوعی نهج البلاغه، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷۳.
۳- ۷.نهج البلاغه، شهیدی، حکمت ۱۶۰، ص ۳۹۱؛ فیض الاسلام، ص ۱۱۶۵؛ صبحی صالح، ص ۵۰۰.

شرایط و ویژگی های لازم، انسانی غیر معصوم است که با وجود جلالت قدر و برخورداری مراتب بالای تقوا و عدالت، امکان اشتباه و انحراف در وی به کلی منتفی نیست. ازاین رو، نمی توان او را از هرگونه نظارت بی نیاز دانست. نگاهی به سیره ائمه اطهار علیهم السلام نیز بیانگر این حقیقت است که با وجود برخورداری از عالی ترین مراتب علم و عصمت، نه تنها جلوی انتقاد و پرسش منتقدان را نمی گرفتند، بلکه خود، مردم را به حق گویی و نصیحت منصفانه حاکمان تشویق می کردند:

با سخنانی که با جباران سخن می گویند، با من گفت وگو مکنید و چیزهایی را که از مردم خشمگین پنهان می دارند، از من پنهان مدارید و با ظاهر سازی با من معاشرت مکنید و گمان مبرید حقی را که به من گفته شود، سنگین می شمارم و خواستار بزرگ نمایی خویشتنم؛ زیرا کسی که حقی را که به او گفته می شود یا عدالتی را که به او پیشنهاد گردد، سنگین شمارد، عمل به آن بر او سنگین است. پس از حق گویی یا مشورت به عدل خودداری مکنید؛ که من بر نفس خود برتر از آن نیستم که خطا نکنم و در کار خویش از آن ایمن نیستم؛ مگر که خدا از نفس من آن چه را که او بدان تواناتر از من است، کفایت فرماید.(۱) کارهای ناشایست حاکمان را به دل زشت شمارید و با زبان ابراز نارضایتی کنید و با سبکی، صورت آنان را بنوازید و در راه خدا از هیچ ملامت گری نهراسید.(۲)



---

۱- نهج البلاغه شهیدی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۵۰.

۲- ۹.شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۳، ح ۱، برگرفته از: بررسی برخی از شیوه های تعمیق بینش سیاسی»، سید عبدالقیوم سجّادی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲، ص ۷۶.

بنابراین، به نظر می رسد «نظارت بر رهبری» به مثابه تضمین کننده پایداری ارکان حکومت اسلامی، با وجود برخی گرایش های افراطی که از اساس، این امر را با معارف اسلامی ناسازگار می دانند، نه تنها با شرع مقدس تعارض ندارد، بلکه تشویق هم شده است.

همه، همه مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم؛ مسئولیت من هم گردن شماست؛ مسئولیت شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید. اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟(۱)

همه مسئولیم، اگر یک فرد خیلی به نظر مردم پایین، یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا مرتبه هم هست، اگر از او انحرافی دید، بیاید بایستد در مقابلش، بگوید این کارت انحراف بود، نکن. می گویند عمر در وقتی که خلیفه بود گفت، که اگر چنان چه خلافی کردم، به من مثلاً بگویید. یک عربی شمشیرش را کشید و گفت: اگر تو بخواهی خلاف بکنی، ما با این شمشیر مقابلت می ایستیم. تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا هیچ ملاحظه ای از کسی نکنند. برخلاف اسلام که باشد، هر فردی باشد، یک روحانی عالی مقام باشد. یک آدمی باشد که مثلاً رأس باشد، یک سر کرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر عمل می کند، هر یک از افراد موظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلویش را بگیرند.(۲)



---

۱- ۱۰.صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷.
۲- ۱۱.همان، ج ۹، ص ۱۹۴.

## ب) نظارت بر رهبری در قانون اساسی

ب) نظارت بر رهبری در قانون اساسی

اگر چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ گاه از عبارت «نظارت بر رهبری» سخنی نرفته است، ولی دقت در ویژگی های ولایت امر و امامت امت و اصول پنجم، یک صد و هفتم و یک صد و نهم و نیز تصریح بر «برکناری رهبری، در صورت فقدان هر یک از شرایط» و به ویژه تأکید بر ضرورت مصداق اتم شرایط ولایت بودن رهبری نظام،(۱) مستلزم وجود نوعی «نظارت جدی و مستمر» بر دوام شرایط رهبری امت اسلامی در رهبر منتخب است.(۲)

## ج) نظارت بر رهبری از دیدگاه عقل

ج) نظارت بر رهبری از دیدگاه عقل

نظر به جایگاه رفیع و حساس رهبری در نظام اسلامی که عاملی وحدت بخش و مؤثرترین عامل قدرت امت اسلامی است و نیز به دلیل احتمال «خطا و انحراف» در مورد وی، وجود گونه ای «کنترل و نظارت» برای پاسداشت این



---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصل یک صد و هفتم و یک صد و نهم.

۲- ۲.مصباح یزدی درباره عبارت «النصیحه لأئمه المسلمین» می گوید: «یکی از حقوقی که مردم دارند؛ یعنی حقوقی که امام بر مردم دارد، این است که نسبت به او یکرنگ باشند: «النصیحه لأئمه المسلمین». بعضی ها فکر می کنند این نصیحت همان است که در اصطلاح عمومی ما رایج است؛ یعنی نصیحت کردن به معنی پند و اندرز دادن؛ نه، معنایش این نیست. نصح و نصیحت؛ یعنی یکرنگ بودن، خیانت نکردن، فریب کاری نکردن. توبه نصوح هم از همین ماده است... «النصح لامام المسلمین»؛ یعنی خیرخواه امام باشند. اگر یک جایی اشتباه کرد، متوجهش کند. این کار لازم است و می بایست باشد. سیره پیغمبر اکرم و ائمه اطهار، صلوات الله علیهم اجمعین با این که معصوم هم بوده اند، طوری بوده که به مردم اجازه می دادند اگر نظری که برخلاف نظر آنها در مسایل حکومتی داشتند، ابراز بکنند».

پایگاه رفیع و مؤثر از هرگونه انحراف، ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ زیرا نبود ساز و کار نظارت بر این نهاد حساس ممکن است در دراز مدت به دلیل اشتباه در تشخیص خبرگان یا «از دست رفتن ویژگی های لازم در رهبری»، نظام اسلامی را با چالشی بنیادین در «مشروعیت» رو به رو سازد. بنابراین، به لحاظ عقلی نیز برای پاسداشت این نهاد مقدس که به فرموده امام راحل،(۱) حفظ حیثیت آن بر همه واجب است، وجود نوعی نظارت بر رهبری اجتناب ناپذیر می نماید. چون این نظارت در اصل برای تضمین برخورداری از شرایط ولایت در رهبری است، به بررسی «بقا یا فقدان اوصاف و شرایط زعامت اسلامی» در رهبر منتخب خبرگان ملّت محدود می شود و به طور منطقی، قابلیت توجیه گسترش نظارت بر عملکرد و رفتار حکومتی رهبری را ندارد.(۲)

ص: ۱۰۹

---

۱- ۱.امام خمینی رحمه الله می فرماید: «این حیثیت مقدس باید از هر جنبه محفوظ و مصون باشد. حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر شما و همه ما واجب و احتمال خدشه دار شدن آن نیز منجز است؛ برای اهمیت بسیار آن». صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۰.

۲- ۲.«نظارت بر صفات اگرچه به گونه ای به ارزیابی رفتار و عملکردها نیز مربوط است، ولی به لحاظ ماهیت، کلی است و تنها در دامنه ای محدود و به صورت موردی یا دوره ای، قابل تعریف و اعمال است، در حالی که نظارت بر عملکرد، تمامی شئون گوناگون رهبری، به صورت پیوسته و مستمر جریان داشته و مستلزم آگاهی و اشراف ناظر در کلیه شئون مربوط به رهبری امّت اسلامی است؛ امری که اگر خارج از بحث ها و تعارض های نظری، روزی به منصه ظهور رسد، حیطه اقتدار ولایت فقیه را به شدت متزلزل کرده و ناظر را بر حاکم مستولی خواهد ساخت. وجود نوعی نظارت بر رهبری که هم مشروع بوده و هم لازمه اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی است، هرگز نباید به صورت افراطی اعمال شود؛ یعنی نباید به گونه ای باشد که کلیه عملکردهای رهبری زیر ذره بین ایراد و اشکال تراشی قرار گیرد و به تذکر علنی به رهبری انجامد». عبدالله نوری، راه نو، شماره ۲۱.

افزون بر این پذیرش نظارت بر عملکرد و اعمال رهبری، به لحاظ منطقی مستلزم پذیرش توان درک و شناخت جامع تر از رهبر و نیز داشتن موضعی مشرف بر منزلت ولی فقیه است. حال آن که فرآیند تشخیص و نصب «ولی» به «ولایت» بیانگر این امر است که «رهبر» بهترین، جامع ترین و سزاوارترین فرد (که مصداق اتمّ شرایط رهبری است) به تشخیص مصالح نظام است. ازاین رو، پی جویی تشخیص عملکرد صحیح در شخصی یا گروهی غیر از رهبری و اتکا به این دیدگاه ها برای ارزیابی درستی یا نادرستی عملکردهای رهبری، نقض غرض(۱) بوده و بی اعتبار است.افزون بر آن، فرض وجود فرد، جمع یا نهادی برتر و مشرف بر نهاد رهبری، اساسا ناپذیرفتنی و بدون هرگونه وجاهت عقلی و منطقی است و به طور طبیعی، با نبود این لوازم عقلی، نظارت بر عملکرد و افعال رهبری نیز بی اعتبار است.

براین اساس، با وجود تأکید بر لزوم نظارت بر رهبری، روشن می گردد که گستره این نظارت بر کنترل بقا یا فقدان شرایط ولایت در رهبری معطوف

ص: ۱۱۰

---

۱ - ۳.«چرا که اگر بنا بود، شخص یا جمعی، برای تشخیص مصالح جامعه اسلامی، شایستگی و توان بیشتری از رهبر داشته باشد، بنابر ویژگی های «زعامت اسلامی»، خود او می باید بر مصدر حکومت اسلامی تکیه می زد؛ زیرا یکی از ویژگی های اصلی رهبری نظام اسلامی، احراز برتری وی نسبت به دیگران است. این معنا در منابع اسلامی نیز به صراحت آورده شده است». نک: سیدکاظم حایری، «شرط اعلمیت در رهبری»، مجله حکومت اسلامی، ج ۸، ص ۱۷۱.

است و تنها در همین زمینه، پـذیرفته است. ازاین رو، نظارت بر اعمال و عملکرد رهبری براساس هیچ یک از منابع شرعی، قانونی و عقلی دارای وجاهت یا ضرورت نیست.(۱) پس به نظر می رسد نظارت بر رهبری به عنوان مسئله ای حساس و حیاتی، مستلزم برخورد دقیق تر و همراه با احتیاط کامل از سوی صاحب نظران و فعالان امور سیاسی و نیز نمایندگان مجلس خبرگان رهبری است.

به نظر می رسد دو طرف افراط کنندگان و تفریط کنندگان در این مسئله، ناخواسته از موضع صحیح فاصله گرفته اند؛ یعنی آنان که برای حفظ کرامت و قداست «رهبری نظام اسلامی» در پی انسداد کامل ساز و کارهای نظارتی بر رهبری اسلامی هستند، همان قدر به خطا می روند که قائلان به گسترش دامنه نظارت بر «عملکرد و رفتار رهبری».

بدون تردید، نظارت معقول بر رهبری در نظام جمهوری اسلامی، ضرورتی است که باید به دقت کامل انجام پذیرد. به طبع، چنان که گفته شد، این نظارت در درجه نخست، بر عهده تک تک افراد جامعه اسلامی است، ولی روشن است که بسنده کردن به نظارت عمومی، با وجود برکات خاص آن، به دلیل



---

۱ - ۴.به اعتراف تندترین منتقدان مسئله نظارت بر رهبری، اصل وجود «نظارت بر رهبری» با وجود طرح و بحث در مجلس بازنگری قانون اساسی، با مخالفت اعضا مواجه شده و به تصویب نرسیده است. آقای محسن کدیور در مصاحبه با روزنامه همشهری ۲۳/۷/۷۷ می گوید: «در متن پیشنهادی از کمیسیون مربوطه مجلس بازنگری قانون اساسی در اصل ۱۰۸، نظارت بر حسن انجام وظایف رهبری ذکر شده است. منتها با استدلال هایی که شد، رأی نیاورد. لذا نظارت بر حسن انجام وظیفه رهبری امروز در قانون اساسی صریحا ذکر نشده است».

محدودیت هایی که دارد، نمی توانـد اهداف نظارتی را به طور کامل برآورده سازد. ازاین رو، در کنار نظارت عمومی و عام، نیازمنـد نوعی نظـارت تخصصـی و ویژه هستیم که بایـد از سوی نهـادی مشـخص و دارای اختیارات قانونی انجام گیرد.(۱) در نظـام جمهوری اسـلامی، این مهم به عهـده مجلس خبرگـان رهبری واگـذار شـده است که اعضـای آن بـا رأی مسـتقیم مردم، انتخاب می شوند.

## ۲. بایسته های نظارت بر رهبری

### اشاره

۲. بایسته های نظارت بر رهبری

دانستیم که شکل معقول نظارت بر رهبری، مورد پذیرش اسلام و هماهنگ با قانون اساسی و هم سو با برهان های عقلی است. نظر به حساسیت و قداست

ص: ۱۱۲

---

۱ – ۵.نهـادینه بودن نظـارت به چنـد دلیـل ضـروری است: الف) نظارت نهادینه، جنبه قانون منـدانه دارد و نهاد ناظر، مسـئولیت نظارت را بر عهده دارد و نمی توان آن را نادیده گرفت، در حالی که نظارت عام، معمولاً جنبه اخلاقی داشته و جنبه اخلاقی و فردی به خود می گیرد و از حـد یـک وظیفه اخلاقی فراتر نمی رود. ازاین رو، از طرف نهـاد یـا شـخص مورد نظارت، الزامی برای اعتنـا به آن وجود نـدارد. ب) نظـارت نهـادینه، گسترده بوده و می توانـد همه زوایای عملکرد را در برگیرد؛ در حالی که نظارت عام، صـرفا «جریانات علنی» را مشاهده کرده و می تواند پی گیری کند و از اموری که «اتفاقا» آشـکار می شود، با خبر می گردد. ج) در نظـارت نهـادینه، می توان از ابزار «تحقیق و تفحص» اسـتفاده کرد، ولی برای توده مردم، چنین امکانی وجود ندارد. د) نظارت نهادینه می تواند با «توضـیح خواسـتن» از نهاد تصمیم گیرنده، پاسخ های وی را در موارد مبهم دریافت کند، در حالی که عامه مردم الزاما به چنین پاسـخ هایی دست نمی یابند و هیچ نهاد اجرایی خود را موظف به «پاسخ گویی» در برابر همه پرسشـگران نمی داند. نک: محمد سـروش، «نظارت و خبرگان»، مجله حکومت اسـلامی، شـماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۲۵.

این نهـاد مقـدس، در ادامه، اصول و ویژگی هـایی را که رعـایت آنهـا به تحقق هر چه شایسـته تر فرآینـد «نظـارت بر رهـبری» کمک می رساند،بررسی می کنیم.

### الف) رعایت دقیق موازین «شرعی و قانونی» نظارت

الف) رعایت دقیق موازین «شرعی و قانونی» نظارت

بنـابر آن چه آوردیم، مـاهیت نظـارتی که بنـابر دلایـل شـرعی، عقلی و نیز موادی از قانون اساسـی، بایـد به صورت پی گیر بر «رهبری» اعمـال گردد، نظـارت بر «اوصـاف» است و نه بر «اعمال». روشن است که نظارت بر اوصاف، جز از رهگـذر ملاحظه عملکردهـا ممکـن نیسـت. بـا این حـال، ثمره این تفکیـک، آن است که اعمـال نظـارت از سـوی نماینـدگان مجلس خبرگـان رهبری، اگرچه ارزشـی هم شأن با مشـروعیت نظام دارد، ولی هرگز نبایـد و نمی توانـد با خروج از محدوده معقول، به شـکلی اعمـال شود که اقتـدار و کارآمـدی نهاد حساس ولایت فقیه مورد تعرض قرار گیرد؛ زیرا در این حالت، «نظارت خبرگان» کار ویژه اصـلی خود را که پاسداری از سلامت و صلابت رهبری اسلامی و جلوگیری از انحراف در نهاد مقدس ولایت فقیه است، از دست می دهـد و به عـاملی برای فشـار یا تهدیـد حاکم اسـلامی و جلوگیری از جریان ولایت اجتماعی ولی فقیه تبـدیل می شود. در این صورت، سیطره «نـاظر» بر «حـاکم»، نه تنهـا عملکردهـای رهبری و جایگاه اجتماعی او را مختل می کنـد، بلکه به مانعی اساسی در برابر تحقق اهداف حکومت اسلامی تبدیل می شود.

### ب) لزوم پایداری قداست و شأن والای نهاد رهبری

ب) لزوم پایداری قداست و شأن والای نهاد رهبری

از دیگر اصول نظارت شایسـته بر رهبری نظام اسلامی، توجه به قداست و منزلت این نهاد است. رهبری در نظام اسلامی، اصلی ترین و در عین حال ارجمندترین شخصیت حقوقی و حقیقی مسئول در نظام جمهوری اسلامی

است. اقتضای طبیعی این مقام مهم در نظام اسلامی،آن است که نظارت بر رهبری به گونه ای سامان گیرد که این جایگاه والا و به بیان حضرت امام، این حیثیت مقدس،(۱) مخدوش نگردد.

ازاین رو، در تعریف، طراحی روش ها و اعمال نظارت بر رهبری و هم چنین گزارش نتایج آن، حفظ کرامت و اعتبار اجتماعی رهبری امت اسلامی، فریضه ای لازم است که بایستی مورد توجه آحاد جامعه اسلامی و به ویژه نمایندگان مجلس خبرگان رهبری باشد. البته پاسداشت ساحت مقدس ولایت فقیه، هیچ گاه نباید به سستی در انجام وظایف نظارتی یا کاستن از دامنه نظارت معقول تفسیر شود؛ زیرا تحقق نظارتی فعال و پی گیر، به ویژه هنگامی که در حیطه «وظایف شرعی و قانونی» صورت گیرد، نه تنها با کرامت و منزلت رهبری منتخب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ناسازگار نیست، بلکه با تضمین صیانت این نهاد مقدس از شایبه هرگونه «انحراف و سستی»، زمینه های جلب اعتماد عمومی و افزایش مودّت و دوستی میان آنها را فراهم می سازد و برگستره نفوذ و اقتدار معنوی «ولی فقیه» خواهد افزود.

بنابراین، غرض از توجه دادن به ضرورت حفظ قداست و منزلت نهاد «ولایت فقیه»، تضعیف نظارت معقول نیست، بلکه منظور، هشدار دادن به ضرورت هوشیاری در قبال جریان هایی است که با جوسازی های گوناگون، به منافع و اغراض قدرت طلبانه خود می اندیشند.



---

۱- ۱.صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۰.

## ۳. بررسی عملکرد نظارتی مجلس خبرگان رهبری

### اشاره

۳. بررسی عملکرد نظارتی مجلس خبرگان رهبری

قانون اساسی با درک ضرورت «استقلال نظری و عملی» کامل مجلس خبرگان و برای تضمین سلامت و موضع گیری به هنگام آن در مواقع حساس، جایگاه مستقل آن را در «تنظیم قوانین و آیین نامه های داخلی خود» به صورت کامل تضمین کرده است.(۱) مجلس خبرگان رهبری نیز برای انجام دقیق و هرچه شایسته تر این وظایف و با استناد به مفاد ماده یازده آیین نامه داخلی خود،(۲) کمیسیون های زیر را تشکیل داده است:

### الف) کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی

الف) کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی

ملاک رهبری اسلامی برپایه نصب عام ائمه علیهم السلام و شایستگی هایی است که رهبر را مصداق کامل فقیه جامع الشرایط و لازم الاطاعه می کند. ازاین رو، هرچند دوران رهبری در نظام اسلامی، مدت دار نیست، ولی از اساس، به «اصلحیت» شخص فقیه مشروط است. براین اساس، حتی در صورت دوام شرایط در رهبری، اگر یکی از فقیهان به رشدی بالاتر رسیده و صلاحیت و شایستگی بیش تری نسبت به فقیهی که پیش تر اصلح بود، به دست آورد،



---

۱- ۱.قانون اساسی، اصل یک صد و هشتم.

۲- ۲.آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، ماده یازدهم می گوید:«مجلس خبرگان می تواند برای هر یک از وظایفی که بر عهده دارد، جهت بررسی مقدماتی و تهیه گزارش، کمیسیونی از اعضای خبرگان تشکیل دهد. تعداد اعضا و مدت آن را مجلس خبرگان تعیین می کند». سید حسن طاهری خرم آبادی، «گفت وگو در خصوص مقررات و عملکرد مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، ش ۸، ص ۱۲۳.

«فقیه» پیشین از سمت ولایت عزل می شود و جای خود را به آن فقیه خواهد داد؛ زیرا شرط اساسی در حاکمیت فقیه، اصلح بودن است و در صورت پیدایش اصلحیت در شخص جدید، شایستگی فقیه پیشین، کم اعتبار می شود. پس مجلس خبرگان رهبری وظیفه دارد همواره اوصاف و صلاحیت فقیهان معاصر را بررسی کند و چنان چه برتری فقیهی بر «فقیه حاکم» محرز گردید، فقدان شرایط رهبری را برای فقیه پیشین و نیز اصلح بودن فقیه جدید را اعلام کند.(۱) به منظور انجام این رسالت و تحقق اصول ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی و بنابر ماده ۱۷ آیین نامه داخلی مجلس خبرگان،(۲) کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی تشکیل شد که در طول سه دوره اخیر، با تحقیق و تبیین هرچه بیش تر صفات رهبری و هم چنین بررسی سازگاری ها و ناسازگاری های صفات مندرج در این اصول، فعالیت چشم گیری داشته و با انجام پی گیرهای لازم(۳) و ارزیابی شرایط و اوصاف مجتهدانی که در مظان رهبری هستند،



---

۱- ۱.عبدالله جوادی آملی، «گفت و گو در خصوص جایگاه فقهی _ حقوقی مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، ش ۸، ص ۱۷.

۲- ۲.متن ماده ۱۷ آیین نامه مجلس خبرگان رهبری چنین است: «به منظور آمادگی خبرگان برای اجرای اصل یک صد و هفتم و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصل یک صد و نه قانون اساسی، این کمیسیون تشکیل می شود».

۳- ۳.نک: ابراهیم امینی، مجله حکومت اسلامی، ش ۸، ص ۱۰۶.

گزارش بررسی ها را به دبیرخانه مجلس خبرگان ارایه کرده است.

«وظیفه خبرگان آن است که هم نسبت به تشخیص مصادیق آمادگی داشته باشد و هم نسبت به تشخیص خصوصیات مذکور در اصول قانون اساسی و شرایط مذکور در اصل ۱۰۷ (شرایط و ویژگی های رهبری). به همین جهت، این کمیسیون باید درباره همه کسانی که در مظان رهبری هستند، بررسی کند و به صورت محرمانه در اختیار دبیرخانه بگذارد و دبیر خانه هم در موارد لزوم در اختیار اعضای خبرگان قرار دهد».(۱)

به این ترتیب، عملکرد این کمیسیون افزون براین که آمادگی لازم را برای موضع گیری به هنگام مجلس خبرگان در مواقع حساس فراهم می آورد، نظارت غیر مستقیمی است که اطمینان از «بقای اصلحیت» فقیه حاکم را نیز تضمین می کند.

## ب) کمیسیون تحقیق اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی

ب) کمیسیون تحقیق اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی

وظیفه دیگری که بر عهده مجلس خبرگان است، عزل «رهبری» در صورت از دست دادن شرایط لازم برای رهبری امت اسلامی است. البته این امر، در صورت اثبات اشتباه مجلس خبرگان رهبری (دوره مربوط) در تشخیص مصداق رهبر نیز قابل اجراست. برای انجام این وظیفه در ماده یک آیین نامه داخلی مجلس خبرگان آمده است:

به منظور اجرای اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی، خبرگان با اکثریت



---

۱- ۴.نک: سیدحسن طاهری خرم آبادی، مجله حکومت اسلامی، ش ۸، ص ۱۲۶.

مطلق آرا در مرحله اول و در صورت عدم تحصیل اکثریت مطلق، با اکثریت نسبی در مرحله دوم از بین اعضای خود، هیئتی را مرکب از هفت نفر برای مدت دو سال با رأی مخفی انتخاب می نماید تا به وظایف مذکور در قانون عمل نماید.(۱)

این هیئت که بعدها به «کمیسیون تحقیق» شهرت یافت،(۲) ساز و کار نظارت بر رهبری را به شکل شایسته ای سامان دهی کرده و به شکلی معقول در دستور کار قرار داده است. افزون براین، با فراهم ساختن پشتوانه قانونی لازم برای به دست آوردن اطلاعات لازم و به ویژه دست یابی به امکان پرسش گری از رهبری نظام، از تمامی زمینه های لازم برای انجام وظایف قانونی خویش برخوردار است.

«هیأت تحقیق موظف است هرگونه اطلاع لازم را در ارتباط با اصل ۱۱۱ در محدوده قوانین و موازین شرعی تحصیل نماید. هم چنین نسبت به صحت و سقم گزارشات و اصله در این ارتباط، تحقیق و بررسی کند و در صورتی که لازم بداند، با مقام معظم رهبری در این زمینه ملاقات نماید. دبیرخانه مجلس خبرگان باید این قبیل گزارش ها را به هیئت مسئول تسلیم نماید».(۳)

ص: ۱۱۸

---

۱- ۱.نک: همان ص ۱۲۳.

۲- ۲.نک: همان، ص ۱۰۸.

۳- ۳.آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، ماده ۳، برگرفته از: سخنان طاهری خرم آبادی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸، ص ۱۲۸.

در همین راستا، مجلس خبرگـان رهبری در دوره اول فعـالیت خویش، در مصوبه های خود در زمینه اصل یک صـد و یازدهم قـانون اساسـی و آیین نامه ۲۱ مـاده ای هیئت تحقیق، مسـئله «نظـارت بر حسن انجـام وظـایف رهبری» را از تصویب گذرانـد و انجام دقیق و کامل آن را بر عهده اعضای این کمیسیون نهاد. آیت الله ابراهیم امینی در این باره می گوید:

کـار دیگر این هیئت (تحقیق) این است که از دور و نزدیـک بر کارهای رهبری اشـراف دارد و سـخنرانی ها، موضع گیری ها، عزل و نصب هـا و کارهـای دیگر رهبر را بررسـی می کننـد یـا بر عملکرد نهادهایی که زیر نظر رهبری کار می کننـد، به طور رسـمی اشـراف دارد و اگر در کار آنها مشـکلاتی دیـد، به رهبری تـذکر می دهد. اگر جوابی شـنیدند و قانع شدند، گاهی به هیئت رئیسه مجلس خبرگان گزارش می دهند. اگر هیئت رئیسه لازم و صلاح دانستند، اجلاسیه رسمی تشکیل می دهند و این موضوعات را مورد بررسـی قرار می دهند... جلسه های هیئت تحقیق هم مسـتمر است؛ یعنی در طول سال، هر پانزده روز یا هر ماه، یک مرتبه اقلاً جلسه دارند.(۱)

بنابراین، تمامی پیش نیازهای لازم برای تحقق نظارت بر رهبری، با درایت، پیش بینی شده و با فعالیت پی گیر هیئت تحقیق در طول دوره اول، دوم و سوم، نظارت بر رهبری با دقت لازم، اعمال گردیده است.

بنـابر آن چه آوردیم، وجود نظارت بر رهبری، حقیقتی انکارناپـذیر و بخشـی جـدایی ناپـذیر از عملکردهای ارزشـمند مجلس خبرگان رهبری در دوران سه



---

۱- ۴.ابراهیم امینی، «گفت و گو در خصوص مقررات مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸، ص ۱۰۸.

گانه فعالیت این نهاد پر برکت به شمار می آید. با این حال، از آن جا که برخی مصرانه در پی انکار آنند، نگاهی به سخنان اعضای محترم مجلس خبرگان در این مورد، روشنگر است.(۱) در این جا به دلیل مجال اندک، به ناچار تنها به ذکر نمونه ای بسنده می کنیم:

مجلس خبرگان به طور مرتب وظیفه نظارتی خود را انجام می دهد و همه موارد و عملکرد رهبری زیر نظر این مجلس است. همه شرایط رهبری نه تنها تاکنون تضعیف نشده، بلکه تقویت هم شده است وما هرچه مطالعه می کنیم، می بینیم رهبر معظم انقلاب، وظایف رهبری را به خوبی انجام می دهند. برخی فکر می کنند چون خبرگان از رهبری عیبی نمی گیرد، از ضعف خبرگان است، در حالی که این طور نیست، بله این امر ناشی از قدرت رهبری است که به وظایفشان خوب عمل می کنند و ما از چنین رهبری، راضی و قدردان هستیم.(۲)

### ج) کمیسیون آیین نامه (مربوط به اصل ۱۰۸ قانون اساسی)

ج) کمیسیون آیین نامه (مربوط به اصل ۱۰۸ قانون اساسی)

جایگاه حساس و منزلت والای مجلس خبرگان سبب شده است تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه قوانین و مقررات مربوط به حوزه کاری مجلس خبرگان رهبری را به طور مستقل به خود این مجلس واگذارد. به این ترتیب، مجلس خبرگان رهبری در زمینه مسایل مربوط به محدوده کاری خود،



---

۱ - ۵.برای آگاهی بیش تر در این زمینه، نک: ابراهیم امینی، «گفت وگو در رابطه با مقررات و عملکرد مجلس خبرگان رهبری»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸ ، ص ۱۰۸؛ هاشمی رفسنجانی، «متن کامل مصاحبه پیرامون انتخابات مجلس خبرگان» ، ۱۶/۷/۷۷، روزنامه جمهوری اسلامی، طاهری خرم آبادی، «تشریح عملکرد مجلس خبرگان»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶/۷/۷۷؛ موحدی کرمانی، «مصاحبه با روزنامه رسالت»، ۱۲/۶/۷۷.

۲ - ۶.هاشمی رفسنجانی، روزنامه نوروز، ۲۵/۴/۸۱.

شأنی والاتر از مجلس شورای اسلامی یافته است؛ یعنی قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پس از تصویب شورای نگهبان قانون اساسی، رسمیت می یابد، در حالی که ضوابط مصوب مجلس خبرگان به خودی خود نافذ و معتبر است. این امر از ظرایف کم مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی است که فضا و سازوکار طبیعی و معقول نظارت بر اصلی ترین جایگاه اقتدار رسمی کشور و عزل و نصب های این حوزه را از گزند هرگونه تأثیر گذاری های ناشایست قوای حاکم و جریان های سیاسی در امان نگاه داشته است.

رسالت مهم بازبینی، بررسی و اصلاح قوانین و مقررات مجلس خبرگان رهبری، بنابر اصل یک صد و هشتم قانون اساسی در کمیسیونی به نام «آیین نامه» انجام می گیرد. به این ترتیب، اعضای این کمیسیون، آیین نامه انتخابات، آیین نامه داخلی، مقررات و ضوابط و کیفیت اداره جلسه های مجلس خبرگان را ارزیابی می کنند و پس از تنظیم، آن را به صحن عمومی مجلس خبرگان ارایه می دهند.(1) این ضوابط پس از تصویب نمایندگان مردم در «مجلس خبرگان رهبری»، نهایی و جزو قوانین موضوعه شمرده می شوند. البته به جز کمیسیون های اصلی که تشکیل هریک در پاسخ به وظایف مصرح مجلس خبرگان در قانون اساسی است، بنابر مقتضیات و نیازمندی های تشکیلاتی و اجتماعی در شرایط مختلف، تعریف و راه اندازی کمیسیون های دیگری نیز در



---

۱- ۱.سید حسن طاهری خرم آبادی، «گفت و گو در خصوص مقررات و عملکرد مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸، ص ۱۲۳.

دستور کار مجلس خبرگان قرار گرفته است. در حال حاضر، افزون بر کمیسیون های یاد شده، سه کمیسیون دیگر هم تشکیل شده و به فعالیت مشغولند. در ادامه به صورت گذرا به عناوین و کارکرد آنها اشاره می شود.

## د) کمیسیون امور مالی و اداری

د) کمیسیون امور مالی و اداری

تنظیم و رسیدگی به بودجه و مسایل مالی در زمینه تشکیل و اداره اجلاسیه های عمومی و نیز پشتیبانی فعالیت های پی گیر دبیرخانه، بر عهده کمیسیون امور مالی و اداری است. اعضای برگزیده این کمیسیون در نهمین اجلاسیه مجلس خبرگان دوره سوم در تاریخ ۱۱/۱۲/۱۳۸۱، ۱۲ نفرند که از این تعداد، ۹ نفر عضو اصلی و سه تن عضو علی البدل هستند.

## ه ) کمیسیون سیاسی _ اجتماعی۱

ه ) کمیسیون سیاسی _ اجتماعی(۱)

این کمیسیون به منظور بررسی مسایل سیاسی و اجتماعی کلان کشور و هم چنین طرح نکات ضروری در اجلاسیه های عمومی مجلس خبرگان رهبری تشکیل شده است. اعضای برگزیده این کمیسیون در نهمین اجلاسیه مجلس خبرگان دوره سوم، ۱۱ نفرند که از این تعداد، ۹ نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل هستند.

## و) کمیسیون بررسی راه های پاسداری از ولایت فقیه

و) کمیسیون بررسی راه های پاسداری از ولایت فقیه

این کمیسیون با هدف پاسداری از نهاد ارزش مند ولایت فقیه تشکیل شده و دارای ۷ عضو اصلی و دو عضو علی البدل است.



---

۱- ۱.در دوره دوم مجلس خبرگان، کمیسیونی به نام «فعال تر کردن خبرگان» با هدف هرچه فعال تر کردن «مجلس خبرگان رهبری» تشکیل شده بود که بعدها به کمیسیون سیاسی _ اجتماعی تغییر نام یافت.

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

اکنون بـا تـأملی بر بحث هـای نظری گذشـتهماننـد: «خاسـتگاه و مبانی نظری نظارت بر رهبری» و تطبیق آن با عملکرد نظارتی مجلس خبرگـان رهبری، می توان در فضـایی علمی و به دور از غرض ورزی هـای سیاسـی، دربـاره نبوده نظارت بر رهبری در نظام جمهوری اسلامی و نیز «ضعف و نارسایی در عملکرد نظارتی مجلس خبرگان رهبری» داوری کرد.

پیش تر گذشت که به لحاظ نظری به استناد آموزه های اسلامی، عقل و قانون اساسی، نوعی نظارت برای اطمینان از «پایداری شرایط رهـبری اسـلامی» در ولی فقیـه و هـم چنین «تـداوم اصـلحیت وی نسـبت به دیگر فقهـای در مظـان رهـبری»، روا، بلکه ضروری و اجتناب ناپذیر است. در عمل نیز با کاربست بیش ترین دقت ممکن در شایسـتگی اخلاقی و سلامت شخصیتی رهبر اسلامی(۱) و فراهم بودن امکـان نظـارت عمومی توده جـامعه اسـلامی بر تمامی ارکان نظام اسـلامی، از جمله نهاد رهبری،(۲) نماینـدگان مردم در مجلس خبرگـان رهـبری نیز مسئول «نظـارت بر رهـبری» بـه صـورت ویژه هسـتند. بـدین ترتیب، در نظـام جمهوری اسـلامی، انواع گوناگونی از نظارت درونی و بیرونی و پیشـین و پسـینی، به صورت پیوسته بر رهبری نظام اعمال می گردد.

ص: ۱۲۳

---

۱- ۱.نک: قانون اساسی، اصول پنجم و یک صد و هفتم.

۲- ۲.نک: «مبانی مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران، از همین نوشتار.

بنـابراین، ادعـای نبـود «نظـارت بر رهـبری» یـا وجـود نارسـایی در آن، نـادرست و ناپـذیرفتنی است. به گـواه «قوانین و ضوابط مربـوط»، «در عملکرد نظـارتی مجلس خبرگـان رهـبری» و «تصـریح فقیهـان فرزانه ای» که خود برگزیـده و مورد اعتمـاد مردم هسـتند و از نزدیک با مسایل جاری مجلس خبرگان، ارتباط دارند، چه در زمان حضرت امام رحمه الله و چه در زمان حضرت آیت الله خـامنه ای، همواره امر «نظـارت بر رهـبری»، به مفهوم قـانونی آن (نظـارت پی گیر بر دوام اوصـاف و شـرایط رهـبری اسلامی) و حتی فراتر از آن (نظارت بر عملکردهای رهبری)، در جریان بوده است.(۱)

درباره این انتقاد که چرا «بیلان کار آقایان (اعضای مجلس خبرگان رهبری) در زمینه نظارت بر رهبری، مشخص نیست...، چرا آقایان گزارش عملکرد خود را در اختیار شـهروندان نمی گذارند و نمی گویند مثلًا در چه مواردی به رهبر تذکر داده اند، در چه زمینه هـایی ایراد گرفته انـد، نتیجه ایرادات و تـذکرات آنها چه بوده است؟»(۲) بایـد یادآور شد که این مطلب نه تنها قابل انتقـاد نیست، بلکه نشـانگر عملکرد اصولی اعضـای «مجلس خبرگـان رهبری» است. در سـایه همین «سامان اصولی» و «درایت قابـل تقـدیر» است که با وجود تمامی شـبهه پراکنی ها و بی حرمتی های دگرانـدیشان، ساحت قدسـی ولایت فقیه پاس داشـته شده است. بنابراین، روال معمول در منعکس نشدن فعالیت های نظارتی نه تنها قابل



---

۱ - ۳.برای آگـاهی بیش تر نـک: ابراهیـم امینی، «گفت وگـو در رابطه بـا مقررات و عملکرد مجلس خبرگـان رهـبری»، مجله حکومت اسـلامی، شماره ۸، ص ۱۰۸؛ هاشـمی رفسـنجانی، «متن کامـل مصـاحبه پیرامون انتخابـات مجلس خبرگان رهبری»، روزنـامه جمهوری اسـلامی، ۱۶/۷/۱۳۷۷؛ سیدحسن طـاهری خرم آبـادی، تشـریح عملکرد مجلس خبرگـان رهـبری، روزنـامه جمهوری اسلامی، ۲۶/۷/۱۳۷۷؛ موحدی کرمانی، «مصاحبه با روزنامه رسالت»، ۱۲/۶/۱۳۷۷.

۲- ۴.عبدالله نوری، راه نو، شماره ۲۱، ص ۲۲.

انتقـاد نیست، بلکه بـا توجه به جایگـاه و مـاهیت ولاـیت فقیه و اصول نظـارت اسـلامی، قابل تقـدیر است. این تفکر که مسایل مربوط به «نظارت بر رهبری» به صورت دایمی به آگاهی همگان برسـد،(۱) اگر برآمده ناآگاهی از جایگاه، ماهیت و ویژگی هـای نظـارت اسـلامی نباشـد، بـه یقین متـأثر از جریـان مسـموم «تبلیغـاتی ـ فرهنگی» است که از سـوی نظـام هـای سـلطه و با همکاری «عناصر ناآگاه در داخل»، برای تضعیف «ولایت فقیه» به اجرا در می آید.



---

۱- ۵.محسن کدیور، دغدغه های حکومت دینی، ص ۷۳۱.

## بخش دوم: همراه با برنامه سازان

### اشاره

بخش دوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای برنامه ای

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

منابع برای مطالعه بیش تر

ص: ۱۲۶

## پیشنهادهای کلی

### اشاره

پیشنهادهای کلی

در این قسمت، جهت گیری های کلی که در این زمینه کارساز است، ارایه می گردد.

### ۱. تناسب گستره پاسخ گویی با میزان پراکندگی شبهه

۱. تناسب گستره پاسخ گویی با میزان پراکندگی شبهه

در آموزه های اسلامی، انسان ها از بیان گناهان باز داشته شده اند. این امر به لحاظ جامعه شناختی و به ویژه پی آمدهای آن در عادی سازی و اشاعه منکرات قابل تأمل است. شبهه های عقیدتی ـ سیاسی نیز از جنبه های بسیاری وضعیتی مشابه با گناهان دارند. ازاین رو، برخورد رسانه با انواع شبهه های اعتقادی ـ سیاسی، باید کاملاً حساب شده و به دور از هرگونه افراط و تفریط باشد؛ یعنی نخست باید سطح و میزان پراکندگی شبهه ها مشخص شود و سپس نوع «برنامه های رسانه» متناسب با آن، در سطوح استانی، منطقه ای یا سراسری، تنظیم گردد و به اجرا درآید. بنابراین، اگر نتیجه پژوهش ها نشان داد شبهه ای در استان یا منطقه ای شایع است، گستره برخورد صدا و سیما با آن شبهه، باید به همان استان و منطقه محدود شود و تنها در مواردی که پراکندگی شبهه ها در سطح کشور محرز گردید، برخورد با آن در دستور کار شبکه های سراسری قرار گیرد.

### ۲. درگیر ساختن مراکز حوزوی و دانشگاهی با شبهه ها

۲. درگیر ساختن مراکز حوزوی و دانشگاهی با شبهه ها

استعدادهای اصلی فعالیت های فرهنگی در مراکز حوزوی و دانشگاهی و در میان شخصیت های برجسته فرهنگی کشور هستند. ازاین رو، این تصور که رسانه با تعریف فعالیت های پژوهشی مستقل، به تنهایی می تواند پاسخ گوی شبهه های مطرح در جامعه باشد، حتی اگر در کوتاه مدت و به صورت موردی

ص: ۱۲۷

راهگشا باشد، در بلند مدت، عملی نیست. از همین رو، بهترین راه حل، درگیر ساختن مراکز و شخصیت های حوزوی و دانشگاهی با شبهه شناسی و پاسخ گویی آنها است. در این صورت، دغدغه همیشگی مراکز فرهنگی و عناصر فرهیخته جامعه، به «شناسایی» و «سبب یابی» شبهه های اعتقادی ــ سیاسی و اهتمام به پاسخ گویی به آنها معطوف می شود. در این حالت، امکان موفقیت صدا و سیمای جمهوری اسلامی در مقابله با چالش های عقیدتی و سیاسی به مراتب بیش تر خواهد بود.

### ۳. استفاده مناسب از گرافیک، تصویر و نمودار

۳. استفاده مناسب از گرافیک، تصویر و نمودار

یکی از ویژگی های اصلی تلویزیون، برخورداری از نور، حرکت، تصویر و صدا است. به دلیل همین ویژگی ها، یکی از کامل ترین و مؤثرترین رسانه ها نیز هست، ولی این ویژگی در مسایل نظری، که مستلزم تأمل و اندیشه مخاطب است، محدودتر می شود؛ یعنی بحث های فلسفی و منطقی نیازمند درک عمیق است و لازمه تردیدناپذیر آن، تأمل در محتوای مطالب دریافتی از رسانه است. حال آن که حرکت به عنوان ویژگی جدایی ناپذیر رسانه، چنین امکانی را دور از دسترس مخاطبان قرار می دهد.

به نظر می رسد برای این که هم از توان بالقوه رسانه در راستای نشر مفاهیم نظری ــ از جمله پاسخ گویی به شبهه های سیاسی و عقیدتی ــ استفاده شود و هم محدودیت یاد شده رسانه را در انتقال مفاهیم نظری به حداقل برسانیم، می توان از نمودارهای گرافیکی، تصویری و نوشتاری در میان بحث های نظری استفاده کرد و ذهن مخاطبان را برای هماهنگ شدن با سیر بحث ها، یاری

رساند. در این زمینه، تجربه های تلویزیون و آموزش کشورهای غربی، قابل توجه است.

### ۴. بهره گیری از پیام های غیر مستقیم

۴. بهره گیری از پیام های غیر مستقیم

استفاده از برنامه هایی مانند میزگرد، مناظره، مصاحبه و... اگرچه در رفع شبهه های، مفید و گاه لازم و ضروری است، ولی باید توجه داشت که اثرگذاری این برنامه به لحاظ پرداخت مستقیم، کاهش می یابد؛ زیرا با توجه به محدودیت مخاطبان این برنامه ها، پیام مورد نظر، پژواک لازم را در جامعه نخواهد داشت.

ازاین رو، در کنار پرداختن به این برنامه ها، هنر و رسالت اصلی رسانه باید این باشد که با سالم سازی فضای روانی _ فکری جامعه از طریق برنامه های جذاب نمایشی _ فیلم و سریال _ زمینه ها و خاستگاه اجتماعی ایجاد چنین شبهه هایی را برطرف سازد، به گونه ای که زمینه اجتماعی ایجاد و گسترش چنین شبهه هایی از میان برود.

### ۵. استفاده از ساعت های مناسب و توجه به آستانه پذیرش مخاطبان

۵. استفاده از ساعت های مناسب و توجه به آستانه پذیرش مخاطبان

با توجه به محدودیت های رسانه در انتقال مفاهیم نظری، سیاست رسانه، پخش چنین برنامه هایی در ساعت های کم بیننده تر است. این امر به کاهش تأثیر گذاری پیام چنین برنامه هایی می انجامد. بنابراین، بخشی از مناسب ترین ساعت های رسانه باید به «طرح بحث های نظری و پاسخ گویی به شبهه های عقیدتی و سیاسی» اختصاص یابد.

ص: ۱۲۹

افزون براین، به دلیل تناسب نداشتن ذاتی تلویزیون با نشر مفاهیم عمیق نظری، لازم است آستانه تحمل مخاطبان نسبت به چنین برنامه هایی به دقت رعایت شود.

### ۶. تمرکز بر مسایل مورد توجه جامعه و بهره مندی از منتقدان قوی

۶. تمرکز بر مسایل مورد توجه جامعه و بهره مندی از منتقدان قوی

تا آن جا که به گسترش پیام مربوط می شود، این امر که جذب مخاطب فرع بر تأثیرگذاری بر اوست، یک اصل تردیدناپذیر است. ازاین رو، تمرکز رسانه بر مسایلی که در برهه های خاصی به دلایل گوناگون بیش از دیگر مسایل مورد توجه ویژه مخاطبان قرار می گیرند و نیز بهره مندی از منتقدان توانا می تواند شرط اولیه تأثیرگذاری بر مخاطبان را در اختیار برنامه سازان صدا و سیما قرار دهد.

البته آن چه گفته شد، تنها هنگامی قابل پذیرش و اجراست که پیش تر قدرت استفاده لازم برای جهت دادن و تأثیر گذاری بر مخاطبان و نیز اثبات ناروایی باورهای منتقدان نظام اسلامی فراهم گردیده باشد. در غیر این صورت، عمل به این راهبرد، نقض غرض می گردد و به گونه ای مؤثر به شبهه پراکنی در سطوح مختلف جامعه خواهد انجامید.

## پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱. درخواست از مسئولان برنامه «درس هایی از قرآن» برای اختصاص چند برنامه مستقل در زمینه انتخاب رهبری، ضرورت اجتهاد خبرگان و نظارت بر رهبری، به منظور تبیین دیدگاه اسلام در این موضوع.

ص: ۱۳۰

۲. برپایی گفت و گوی چهره به چهره با فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی در تأیید دیدگاه های نظام در زمینه انتخاب رهبری، ضرورت اجتهاد خبرگان و تأکید بر وجود نظارت شایسته بر رهبری.

۳. تهیه و تولید نماآهنگ ویژه و پخش شایسته آن از شبکه های مختلف رسانه برای تقویت مقبولیت عمومی نظام در جامعه با تأکید بیش تر بر محورهای زیر:

ـ تبیین پیوند نظام سیاسی کشور با نظام سیاسی صدر اسلام؛

ـ تبیین ناسازگاری حکومت دینی مورد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام با خواسته های دشمنان داخلی و خارجی؛

ـ تلاش در جهت به روز کردن معقول مسایل حکومت دینی صدر اسلام در قالب حکومت اسلامی؛

ـ ایجاد و تقویت رضایت مندی و سربلندی در آحاد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان برای زندگی در پرتو حکومت دینی.

۴. تهیه و پخش خبر، تحلیل، مصاحبه و میزگرد از شخصیت های فرهنگی صاحب نام غربی که به شکل انتخاب رهبران و نظارت پذیری نظام لیبرال دموکراسی غربی معترضند و احیانا الگوی رایج در جمهوری اسلامی را مناسب تر می دانند.

۵. نقد دقیق، علمی و همه جانبه نظام های سیاسی غرب با تهیه و پخش برنامه های گوناگون به منظور تضعیف نظام لیبرال دموکراسی در نگاه فرهنگیان.

ص: ۱۳۱

۶. شناسایی و معرفی مراکز و نهادهای مردمی که در زمینه دفاع از حکومت دینی فعالیت دارند. این امر می تواند با تهیه و پخش گزارش و خبر از فعالیت های آنها صورت گیرد.

۷. تلاش برای ارزیابی تأثیر گذاری فعالیت های رسانه ای تدارک دیده شده در برخورد با شبهه ها به منظور تصحیح و ارتقای جهت گیری در رفع کاستی های احتمالی این گونه برنامه ها.

## پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. اعضای مجلس خبرگان رهبری چند نفرند؟ ۸۳ نفر.

۲. طول مدت هر دوره مجلس خبرگان رهبری چند سال است؟ ۸ سال.

۳. نخستین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در چه سالی انجام گرفت؟ ۱۳۶۱.

۴. ویژگی مهم اعضای مجلس خبرگان رهبری چیست؟ اجتهاد.

۵. مهم ترین اقدام مجلس خبرگان در طول حیات خود چه بوده است؟ انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری انقلاب اسلامی.

۶. مهم ترین وظایف مجلس خبرگان رهبری چیست؟ تعیین رهبری و نظارت بر ایشان.

۷. انتخابات اعضای مجلس خبرگان رهبری مستقیم است یا غیر مستقیم؟ غیر مستقیم.

## پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. وظایف مجلس خبرگان رهبری را برشمارید؟

۲. آیا «ولی فقیه» در نظام جمهوری اسلامی با رأی مردم انتخاب می شود؟ چگونه؟

۳. مهم ترین اقدام مجلس خبرگان رهبری در دوره های اخیر چه بوده است؟

۴. به نظر شما علت اصلی مخالفت با مجلس خبرگان رهبری در داخل و خارج چیست؟

۵. به نظر شما آیا انتخابات مجلس خبرگان رهبری باید مستقیم باشد یا غیر مستقیم؟ چرا؟

۶. به نظر شما امتیازهای انتخابات غیرمستقیم در تعیین رهبری چیست؟

۷. ویژگی های مهم رهبری در قانون اساسی چیست؟

۸. استان شما چند سهمیه در مجلس خبرگان رهبری دارد؟

## پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. جایگاه، تعریف و کارکرد مجلس خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی چیست؟

۲. ویژگی منحصر به فرد مجلس خبرگان که استقلال کامل آن را از حوزه نفوذ و تسلط دیگر قوا و جریان های سیاسی کشور حفظ می کند، چیست؟

۳. با بررسی سه دوره فعالیت مجلس خبرگان، مهم ترین عملکردهای صورت گرفته را بیان بفرمایید؟

۴. تعداد اعضای مجلس خبرگان، سهم هریک از استان ها و ملاک ها و شرایط تعیین سهمیه و چگونگی افزایش آن را تبیین کنید.

۵. ساختار کلی مجلس خبرگان و نقش و وظایف دبیرخانه و کمیسیون های شش گانه را به اجمال توضیح دهید.

۶. شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان چیست؟

ص: ۱۳۳

۷. دلایـل تمرکز معانـدان داخلی و خـارجی نظـام برای شـبهه انگیزی در زمینه مجلس خبرگـان رهبری و وظـایف آحاد جامعه اسلامی، به ویژه فرهیختگان و اندیشمندان در زمینه دفاع از نظام اسلامی را بررسی کنید.

۸. انتخاب مستقیم (یک درجه ای) و انتخاب غیر مستقیم (دو درجه ای) را به عنوان دو شکل رایج و پذیرفته شده از ساز و کار مشارکت مردم در جامعه تبیین کنید و جایگاه هر یک را توضیح دهید.

۹. برخی کشورهـای دموکراتیـک را که عالی ترین مقام سیاسـی مسـئول در آنها از رهگـذر انتخاب غیر مسـتقیم برگزیـده می شوند، معرفی کنید و درباره هریک، به اختصار توضیح دهید.

۱۰. اصلی ترین عوامل مؤثر بر شکل (مستقیم و غیر مستقیم) مراجعه به آرای عمومی چیست؟

۱۱. آیا در کنار فقیهان منتخب مردم، به عنوان «اسلام شناسان برجسته»، امکان بهره مندی از کارشناسان دیگر رشته های علمی نیز وجود دارد یا خیر؟

۱۲. دلایل ضرورت نظارت بر رهبری نظام اسلامی از دیدگاه آموزه های اسلامی چیست؟

۱۳. عملکرد نظارتی مجلس خبرگان رهبری را تبیین کنید؟

## منابع برای مطالعه بیش تر

منابع برای مطالعه بیش تر

۱. فردوس قماشـچی، بررسـی تطبیقی مبـانی مـدیریت؛ مقایسه ای بین مـدیریت الهی و الحادی، گروه مـدیریت تحقیقات علوم پزشکی، تهران، دانشگاه بقیه اللّه، ۱۳۷۷.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، پاسخ به شبهاتی پیرامون ولایت فقیه و خبرگان، ج ۱ و ۲، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

ص: ۱۳۴

۳. شیرازی، علی پاسخ به شبهات پیرامون ولایت فقیه، قم، دارالصادقین، ۱۳۷۸.

۴. دهقان، احمد پرسش ها و پاسخ های روز، لاهیجی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵. مصباح یزدی، محمدتقی پیش نیازهای مدیریت اسلامی، تهران، مؤسسه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶.

۶. صدر، سید محمد باقر، تشیع یا اسلام راستین، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، انتشارات روز، تهران.

۷. پیشه ور، جعفر، پیشینه نظریه ولایت فقیه، مصطفی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۸. فلاح زاده، علی، تفاوت حکومت اسلامی با حکومت استبدادی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، دانشکده عقیدتی و سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، (پایان نامه)، ۱۳۷۲.

۹. پیروزمند، علی رضا، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، تهران، امیرکبیر.

۱۰. محمدی ری شهری، محمد، رهبری در اسلام، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۱. حسینیان، روح الله، رهبری در تشیع، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۲. سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۳. خمینی رحمه الله، سید روح اللّه الموسوی رحمه الله، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمه الله، تهران، چاپ ۸، سال ۱۳۷۸.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه؛ ولایت فقاهت و عدالت، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۵. هادوی تهرانی، مهدی، ولایت فقیه (مبانی ادله و اختیارات)، کانون نشر اندیشه جوان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۱۶. میرباقری، سید مهدی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، فجر ولایت، قم، ۱۳۷۹.

۱۷. خردمندی، سعید، حق رأی و انتخاب، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

۱۸. خبرگان رهبری، تازه های اندیشه، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷.

۱۹. مهدومی، حکمت حکومت فقیه، پاسخ به شبهات در مورد حکومت دینی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۰. باوی، محمد، ولایت فقیه قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه بهشتی (پایان نامه)، ۱۳۷۶.

۲۱. پرور، اسماعیل، وحدت حوزه و دانشگاه، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۷۹.

ص: ۱۳۶

## کتاب نامه

### اشاره

کتاب نامه

* قرآن

* نهج البلاغه

### الف) کتاب ها

الف) کتاب ها

۱. آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۳.

۲. ژیلسون، اتین، نقد تفکر فلسفی غرب، ترجمه: دکتر احمد احمدی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۵۷.

۳. اسکندری، حسین، آیه های زندگی، جلد اول، انتشارات سروش، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.

۴. الوانی، سید مهدی، مدیریت تطبیقی، دانشگاه پیام نور، آبان ۱۳۸۱.

۵. ایران نژاد، مهدی، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل ، مؤسسه بانکداری ایران، تهران ۱۳۷۴.

۶. بررسی و تدوین ساختار و تشکیلات مجلس خبرگان، معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی، تهران،...

۷. پستمن، نیل، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه: صادق طباطبایی، انتشارات سروش.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، انتشارات اسراء، چاپ دوم، پائیز ۱۳۷۹.

۹. جهان بزرگی، احمد، پیشینه تاریخی ولایت فقیه، نشر کانون اندیشه جوان.

۱۰. حاج احمدی، رضا، الگوی زن در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، جلد اول،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۷۸.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البیت، قم، ۱۴۱۲ هـ. ق.

۱۲. خاتمی، احمد، فرهنگ نامه موضوعی نهج البلاغه، انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۱.

۱۳. خامنه ای، سیدعلی، بازگشت به نهج البلاغه، (از مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری در کنگره های بین المللی نهج

البلاغه): بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۳.

۱۴. ــــــــــــــــــــــــــــــــــ، جمهوری اسلامی، الگوی نهضت های جهانی، مقالات سومین کنفرانس اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱، تهران ۱۳۶۷.

۱۵. ــــــــــــــــــــــــــــــــــ، حدیث ولایت (رهنمودهای مقام معظم رهبری)،گردآورنده:دفتر مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۶. خبرگان ملت، دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری، قم، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۹.

۱۷. خبرگان ملت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم دفتر دوم، پاییز ۱۳۸۰.

۱۸. خمینی، سید روح الله، تبیان، دفتر ۳۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

ص: ۱۳۷

۱۹. ________________________، تحریر الوسیله، ج دوم، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی،تهران، ۱۳۶۲.

۲۰. ________________________، صحیفه نور، مرکز مدارک انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.

۲۱. ________________________، کتاب البیع، ج دوم، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، تهران۱۳۶۲.

۲۲. ________________________، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.

۲۳. دایره المعارف بریتانیکا Encycloped a Britionica

۲۴. در مکتب جمعه، ج هفتم، وزارت ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ _ ۱۳۶۹.

۲۵. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین. حوزه علمیه قم، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۷۹.

۲۶. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷.

۲۷. سلطانی عرب شاهی، سیمین، مدیریت تطبیقی، دانشگاه پیام نور، آبان، ۱۳۸۱.

۲۸. شایگان، داریوش، آسیا در برابر غرب، امیرکبیر، چاپ اول، ۲۵۳۶.

۲۹. صالحی، پرویز، جامعه شناسی ارزش ها، انتشارات جار، چاپ دوم، تهران دی ماه۱۳۵۴.

۳۰. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۷، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات دارالعلم قم، ۱۳۶۴.

۳۱. عمید زنجانی، عباس علی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، کتاب طوبی، تهران ۱۳۷۱.

۳۲. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر دادگستر، بهار ۱۳۸۰.

۳۳. یعقوبی، عبدالهاشم قانون انتخابات و آیین نامه مجلس خبرگان رهبری، تهران ۱۳۷۷.

۳۴. قماشچی، فردوس، بررسی تطبیقی مبانی مدیریت، گروه مدیریت تحقیقات علوم پزشکی، دانشگاه بقیه الله، تهران، ۱۳۷۷.

۳۵. کدیور، محسن، دغدغه های حکومت دینی، ...

۳۶. کریمی، سعید، راه های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.

۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی خراسانی، دفترنشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام،

تهران، ۱۳۴۴.

۳۸. کیا، منوچهر، تئوری های مدیریت و مدل های سازمانی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۷.

۳۹. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، قم، ۱۳۷۷.

۴۰. مرعشی، سید جعفر، توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، سازمان مدیریت صنعتی، تهران ۱۳۷۷.

۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش ها و پاسخ ها، ج ۲، مؤسسه امام خمینی رحمه الله،...

۴۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶.

۴۳. ________________________ ، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی، انتشارات صدرا، تهران،۱۳۶۸.

۴۴. ________________________ ، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۵.

۴۵. ________________________ ، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.

۴۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.

۴۷. منتظری، حسین علی، دراسات فی ولایه الفقیه، قم، المرکزالعالمی للدراسات اسلامیه، ۱۴۰۸ه . ق.

۴۸. میشل فوکو و انقلاب اسلامی، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایرانی، تهران، ۱۳۷۸.

۴۹. هاشمی،محمد،حقوق اساسی جمهوری اسلامی، جلددوم، نشردادگستر، تهران،۱۳۷۷.

## ب) نشریه ها

ب) نشریه ها

۱. امینی، ابراهیم، «گفت وگو در خصوص مقررات مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی شماره ۸.

۲. بلیز، آندره و لوئیس ماسیکوت، «مقایسه دموکراسی ها: انتخاب و رأی دهی دردیدگاهی جهانی»، نشریه افکار عمومی، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۷۹.

۳. بهزادی، سالار، روزنامه صبح امروز، ۲۳/۸/۱۳۷۸.

۴. بهزادی، محمد، هفته نامه پیام هاجر، شماره ۴، ۱۹/۱۱/۱۳۷۸.

۵. بیات، اسداللّه، هفته نامه صدای عدالت، شماره ۳۶، ۶/۱۲/۱۳۷۹.

۶. پدرام، مسعود، یاس نو، ۱/۳/۱۳۸۲.

۷. پزشکی، محمد، «استبدادی در قرآن»، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، شماره ۱۹.

۸. پهلوان، چنگیز، راه نو، سال اول، شماره ۵.

۹. جوادی آملی، «جایگاه فقهی و حقوقی مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸.

۱۰. حایری، سید کاظم، «شرط اعلمیت در رهبری»، تنظیم: سید مفید الدین حسینی،مجله حکومت اسلامی، شماره ۸.

۱۱. «حق رأی و عدم آن در انتخابات کشورهای مختلف»، مجله ارم، شماره ۳۰، سال۱۳۷۷.

۱۲. خامنه ای، سید علی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۱۰/۱۳۶۲.

۱۳. ________________________، روزنامه رسالت، ۷/۲/۱۳۷۶.

۱۴. رحمانی، تقی، هفته نامه پیام هامون، شماره ۵۶.

۱۵. سروش، محمد، «خبرگان و نظارت»، فصل نامه حکومت اسلامی، شماره ۱۴.

۱۶. شریعتمداری، حسین، «دو نکته درباره خبرگان رهبری»، روزنامه کیهان، ۲۷/۵/۱۳۷۷.

۱۷. شفیعی، محمود، «مردم سالاری دینی در ساحت تصمیم گیری»، پگاه حوزه، شماره ۷.

ص: ۱۳۹

۱۸. طاهری خرم آبادی، حسن، «گفت و گو در خصوص مقررات و عملکرد مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۸.

۱۹. عبایی خراسانی، هفته نامه آبان، شماره ۳۱.

۲۰. علیپور، هفته نامه راه نو، شماره ۲۵.

۲۱. فاکر، محمد رضا، روزنامه رسالت، ۱۹/۶/۱۳۷۷.

۲۲. قدردان قراملکی، محمد حسین، «مبانی حکومت مردم سالاری دینی»، مجله پگاه حوزه، شماره ۸.

۲۳. قماشچی، فردوس، «مدیریت و روابط انسانی»، نشریه شماره ۱۷.

۲۴. کدیور، محسن، روزنامه نوروز، ۲۱/۱۲/۱۳۸۰.

۲۵. ________________، روزنامه همشهری، ۲۳/۷/۱۳۷۷.

۲۶. ________________، «شرایط تحقق آزادی های سیاسی»، روزنامه ایران، ۲۷/۹/۷۷.

۲۷. ________________، هفته نامه آبان، آبان ماه ۱۳۷۷.

۲۸. هفته نامه راه نو، سال اول، شماره ۲.

۲۹. کلانتر، عمار، «۱۶ پرسش و پاسخ در باب مجلس خبرگان رهبری»، نشریه ارم، شماره ۳.

۳۰. «کلیاتی در باب اسلام و مدرنیسم»، سروش اندیشه، شماره ۳ _ ۴.

۳۱. مدیریت اسلامی، «مقاله نامه مدیریت»، سازمان امور اداری و استخدامی، شماره ۵۰.

۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی، «ویژه نامه انتخابات خبرگان»، روابط عمومی جامعه روحانیت مبارز، مهر ۱۳۷۷.

۳۳. منتجب نیا، هفته نامه آبان، شماره ۳.

۳۴. موسوی تبریزی، هفته نامه آبان، شماره ۲۵.

۳۵. مولانا، حمید، اتحادیه امت اسلامی، روزنامه کیهان، ۱/۳/۱۳۸۲.

۳۶. مهدوی کنی، «مردم سالاری دینی یا دین سالاری»، پیام صادق، شماره ۴۴.

۳۷. نوری، عبدالله، «تمامیت خواهی و خشونت ورزی مطلق اندیشی»، هفته نامه راه نو، شماره ۲۱.

۳۸. نوری، عبدالله، روزنامه همشهری، ۲۸/۵/۱۳۷۷.

۳۹. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، روزنامه نوروز، ۲۵/۴/۸۲.

۴۰. یوسفی زاده، محمد علی، «انسان موجودی فرهنگی»، فصل نامه حوزه و دانشگاه، شماره ۹.

ص: ۱۴۰

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.


آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹